

# سپهره نما

سال چهل سوم

2 1 6

حسن  
تیرگان  
فرخنده  
باد

تابستان ۳۷۶۴ زرتشتی ۱۴۰۵ خورشیدی

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

## پیام مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

### ورهرام:

- بیستمین روز هر ماه در گاه‌شمار ویژه وترادادی (سنتی) زرتشتیان «وَرَهْرَام» نام دارد.
- وَرَهْرَام در اوستا به ریخت ورتَرغنه آمده، در پهلوی وَرهران و در گویش پارسی به نام بهرام گفته می‌شود.
- وَرَهْرَام به چمار (معنی) پیروزی و کامیابی قابل ستایش است. در باور نیاکان ما نام و جایگاه ورهرام، ایزد و فروزه پیروزی بخش بوده است.
- برخی از باورمندان در چنین روزهایی، به نیایشگاه «شاوره‌رام ایزد» می‌روند و با سرودن اوستا برای خود، خانواده و همه‌ی راستکرداران آرزوی پیروزی و سربلندی می‌کنند.
- از آیین‌های این روز پختن آش ترادادی، سیروگ (نان روغنی) و پخش آجیل و شیرینی است.

### خورداد:

- ششمین روز همراه در گاه‌شمار ترادادی مزدیسنان «خورداد» نام دارد.
- این واژه در اوستا به ریخت «هتوروتات» و در پهلوی «خردات» یا «هردات» به چمار (معنی) رسایی و کمال آمده است.
- خورداد در گات‌ها (سرودهای زرتشت) یکی از فروزه‌های اهورامزدا دانسته شده و در اوستای نو نام یکی از امشاسپندان است.
- هتوروتات به چمار رسایی، فرزاندگی، خرسندی، شادمانی، تندرستی و کامیابی است.
- خورداد امشاسپند، در نقش مادی خود، نگهبان و پاس دارنده آب‌ها و سرسبزی است. آب در کنار سه آخشیش دیگر (خاک، هوا، آتش) در میان ایرانیان باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

زیر نگر گروه دبیران

گرافیک، رایانه و صفحه آرا: شاهین خرسندی

تایپ: پروین رستمیان

اینترنت: رامین شهریاری

با سپاس از هفته نامه امرداد که همواره نوشته‌های خود

را با گشاده رویی در اختیار چهره نما می‌گذارد.

به مناسبت دویست و پنجاهمین سال بنیان‌گذاری و استقلال ایالات متحده آمریکا، مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با افتخار و سپاس این رویداد تاریخی را گرامی می‌دارد.

برای بسیاری از ما، آمریکا تنها یک سرزمین نیست؛ خانه‌ای است که در آن امید دوباره جان گرفت، رؤیای فرصت شکوفایی یافتند و مردمانی با فرهنگ‌ها و باورهای گوناگون، برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر در کنار یکدیگر همدل شدند. جامعه زرتشتی نیز همواره کوشیده است در کنار دیگر مردمان این کشور، در راه پیشرفت، آبادانی و شکوفایی این سرزمین سهمی شایسته داشته باشد؛ الهام‌گرفته از پیام جاودان اشوزرتشت:

«اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک.»

چنان‌که در گات‌ها آمده است:

«خوشبختی از آن کسی است که خوشبختی را برای دیگران به ارمغان آورد.»  
چه زیباست که این پیام مهر و انسانیت، با روح آزادی، همزیستی و فرصت در این سرزمین هم‌آواست.

در این سال ویژه، ما ارزش‌های دوستی، یگانگی و احترام متقابل را جشن می‌گیریم و آرزو داریم نور امید و هماهنگی همواره بر این سرزمین تابان بماند. از شما دعوت می‌کنیم تا همراه ما، دویست و پنجاهمین سالگرد استقلال ایالات متحده آمریکا را جشن بگیرید و میراث زرتشتی و نقش آن در مردم‌سالاری و حکمرانی فراگیر آمریکا را گرامی بدارید.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

برگیری از نوشته‌های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می‌باشد.

چهره نما، در گزینش و ویرایش نوشته‌های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده بازگردانده نمی‌شود.

دیدگاه‌های بازتاب شده در نوشته‌ها همیشه گویای دیدگاه‌های انجمن دبیران چهره نما نمی‌باشد.

چهره نما مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه‌ای است دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv

c/o Mina Soroosh

PO Box 49404 Los Angeles, CA 90049

# سخن تحت

با آمدن تابستان، گویی زندگی نفسی تازه می‌کشد؛ روزها بلندتر می‌شوند، خانه‌ها پرجنب‌وجوش‌تر، و دل‌ها آماده‌تر برای ساختن خاطره‌هایی که سال‌ها در ذهن و جان فرزندانمان باقی خواهد ماند. برای ما که دور از ایران زندگی می‌کنیم، تابستان تنها فصل آفتاب و سفر نیست؛ فرصتی است گران‌بها برای نزدیک‌تر شدن به فرزندان و پیوند دوباره آنان با ریشه‌هایی که هویت و فرهنگ ما را ساخته‌اند.

فرزندان ما در سرزمینی رشد می‌کنند که دنیایی نو پیش رویشان گشوده است؛ اما در کنار همه زیبایی‌های این زندگی، بیش از هر زمان نیاز دارند بدانند از کجا آمده‌اند، داستان نیاکانشان چه بوده، و چرا فرهنگ و آیین ایرانی‌زرتشتی ما پس از هزاران سال همچنان زنده و روشن باقی مانده است. بسیاری از آنچه روزی برای ما بدیهی بود — از بوی اسپند و گرمای آتش جشن‌ها گرفته تا واژه‌های فارسی، قصه‌های شاهنامه و پیام اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک — تنها زمانی در دل نسل تازه ماندگار می‌شود که با عشق و حضور ما به آنان منتقل گردد.

شاید سال‌ها بعد، فرزندانمان جزئیات بسیاری را به یاد نیاورند؛ اما لحظه‌هایی را که در کنار خانواده، در جشن‌ها، گردهمایی‌ها و برنامه‌های فرهنگی جامعه خود تجربه کرده‌اند، هرگز فراموش نخواهند کرد. همان لحظه‌هاست که حس تعلق می‌سازد؛ همان‌هاست که ریشه‌ها را زنده نگه می‌دارد.

امروز بیش از هر زمان دیگری، این نسل جوان و آینده‌ساز است که می‌تواند پیام‌آور و آگاهی‌رسان آموزه‌های اشوزرتشت در جهان فردا باشد. آینده فرهنگ و آیین ما تنها در کتاب‌ها و یادگارها حفظ نخواهد شد؛ بلکه در دل‌ها و اندیشه‌های فرزندانمان ادامه خواهد یافت که با شناخت، آگاهی و افتخار، این میراث کهن را به نسل‌های پس از خود منتقل می‌کنند. اگر می‌خواهیم پیام راستی، نیکی و روشنایی همچنان در جهان شنیده شود، باید از امروز بذر آن را در جان فرزندانمان بکاریم. باشد که این تابستان، نه تنها فصل استراحت و شادی، بلکه زمانی برای نزدیکی دل‌ها، استوارتر شدن ریشه‌ها، و روشن‌تر شدن چراغ فرهنگ و آیین نیاکانمان در جان نسل آینده باشد. آینده این میراث کهن، در دستان فرزندانمان است که امروز با عشق، آگاهی و هویت پرورش می‌یابند.

سبز و مانا باشید  
جمشید و جمشیدی



در گلستانی که یک گل لالوش باشد دورنگ  
می رود حیثیت گل‌های یک رنگ از میان  
هر کجا سنگین دلی باشد، دلی نبود درست  
عمر چندین شیشه برخیزد یک سنگ از میان  
دلی از کدورت پاکدار  
رفته رفته میبرد آئینه را زنگ از میان  
اینها العشاق! مگذارید در شب‌های عمر  
گوی سبقت را بر مرغ شباهنگ از میان  
میش غافل را برود مرغ گوی چنگ از میان

صابر همدانی

صلح در هر جا نهد پا، می‌رود چنگ از میان  
نام هر جا حکمفرما شد، رود ننگ از میان  
هر کجا سنگین دلی باشد، دلی نبود درست  
عمر چندین شیشه برخیزد به یک سنگ از میان  
نفس، کم کم رهزن دینت شود، او را بکش  
دزد، خرمن را برد یک چنگ یک چنگ از میان  
گر تو در غفلت نباشی، کی شوی مغلوب نفس؟  
میش غافل را برد مرغ گوی چنگ از میان  
در گلستانی که یک گل لاله وش باشد دورنگ  
می رود حیثیت گل‌های یک رنگ از میان  
اینها العشاق! مگذارید در شب‌های عمر



# اشوزرتشت

## پیامبر ایرانی

### آموزه‌های

### زرتشتی

موبد پدram سروش‌پور

بخش هشتم

#### فرشکرت

و اینها (امشاسپندان) آنان‌اند که به خواستشان گیتی را نو سازند، (گیتی) بی‌پیری، بدون مرگ، نیوسیدنی، نگنیدنی، جاودان زنده، سوددهنده، پرخوشبختی، آن‌گاه که رذگان دوباره برخیزند و فرا رسد زندگان را آسودگی از مرگ، آن‌گاه سوشیانس به خواست خود جهان را تازه کند.

(زامیادیش، بند ۱۹)

در بند پایانی هات ۳۴ پس از معرفی سوشیانس‌ها، اشوزرتشت زندگی سرشار از راستی را که همان زندگی تازه، همراه با نو شدن جهان هستی است، را آرزو می‌کند. مهم‌ترین دستاورد سوشیانس‌ها در دین زرتشتی، «فرشگرد» یا نو شدن جهان هستی است.

ای هستی‌بخش با نیروی خویش چنان ساز که از یک زندگی نوین و سرشار از راستی بهره‌مند شویم. (گاتها، هات ۳۴، بند ۱۵).

واژه «فرشه» به معنی «تازه و نو و خرم» است. استاد پورداوود بر این باور است که چون در این بند فرشه با هورا به کار رفته، به رستاخیز یا همان جهان نو و آرمانی اشاره دارد که سوشیانس‌ها نویددهنده‌ی آن هستند و اشوزرتشت خود نخستین سوشیانس بود که یک فرشه واقعی را انجام داد. او با همه‌ی کهنگی‌ها و پوسیدگی‌های زمان خویش به مبارزه پرداخت و در نهایت توانست جهانی بسازد متفاوت با آنچه که وجود داشت. او در گاتها آرزو می‌کند که سوشیانس‌ها با درک پیام هورامزدا بتوانند راه او را دنبال کنند.

این بارزترین آموزه اشوزرتشت است که طی چند هزار سال مانع پوسیدگی و کهنگی دین زرتشتی شده است. در باوری که به انسان به واسطه‌ی اندیشه‌اش و مهم‌تر از آن، تکامل اندیشه‌اش بها داده می‌شود، بی‌گمان به آزادی و اختیار به عنوان تنها بستری که اندیشه در آن می‌تواند رشد کند ارجح می‌نهد. از سوی دیگر راستی و راستی‌جویی راهی است که این تکاپوی اندیشه را در مسیر درست هدایت می‌کند. آزاداندیشی و راستی‌جویی دو اساس شکل‌گیری فرشکرت یا

جهانی نو هستند.

برپایه گاهان مهم‌ترین ویژگی پیامبر در این راه، تلاش او برای از بین بردن تمام بت‌های اعتقادی و باورهای نادرستی بود که به وسیله کرپان‌ها و اوسپج‌ها یا همان روحانیون دروغین، در جامعه حاکم شده بود. کسی می‌تواند بت‌شکن باشد و با شکستن بت‌های اعتقادی و باورهای نادرست، جهانی تازه را پیریزی نماید که نخست آزاداندیش باشد و با تکیه بر آزاداندیشی خود این باورهای دروغین را بشناسد دوم راستی‌جو باشد و وظیفه خود بداند تا با شجاعت در مقابل دروغ و دروغ‌پرستان بایستد به این دلیل است که لازمه فرشه دو اصل آزاداندیشی و راستی‌جویی است.

با چنین توصیفی شاید به سختی بتوان پایانی برای جهان هستی تصور کرد بلکه با جلوه پیدا کردن سوشیانس آغاز جهانی نو است که در آن هیچ صفت اهریمنی وجود ندارد. از آنجایی که کشتن، مرگ و نیستی بدترین صفت اهریمنی بوده است در چنین شرایطی نه تنها مرگ و نیستی مفهومی ندارد بلکه مردگان نیز زنده خواهند شد و به همین دلیل این روز را «رستاخیز» به معنی خیزش رستگان نیز نامیده‌اند.

در آن هنگام که مردگان بازخیزند و زندگان را بی‌مرگی آید او (سوشیانس) بیاید و جهان را به خواست خویش نو کند. (اردیش، بند ۱۱).

#### مبارزه با آشموفی

آموزگار کج اندیش تعالیم مذهبی را تحریف کرده و با آموزش‌های نادرست خود انسان را گمراه و از هدف اصلی و واقعی زندگی منحرف می‌سازد. او انسان را از توجه به سرمایه‌گرانه‌های راستی و درستی به سخنانی که از صمیم قلب و روح تراوش می‌کند به درگاهتان گله کرده و پناه می‌جویم.

(گاتها، هات ۳۲، بند ۹).

در اوستا نیز آمده است زمانی که سوشیانس ظهور می‌کند، پایه‌گذار جهانی نو خواهد بود و در این راه او با دیو آشموفی مبارزه کرده و آن را شکست می‌دهد.

آشموغی در فرهنگ زرتشتی یعنی بدعت‌های نادرست دینی و سوشیانس دین را از این ظواهر و بدعت‌ها پاک می‌کند تا اصل ساده و درست دین نمایان شود. بدین گونه او جهانی خواهد ساخت گاتهای، یعنی جهانی همانند آنچه که زرتشت در زمان خود برای ساختن آن کوشید و جهانیان را به آن بشارت داد. در کتاب دینکرد نیز به گاهانی شدن جهان با فرشکردت به روشنی اشاره شده است:

اندر آن طول هزاره، بند کردن دهاک (ضحاک) و برانگیختن گرشاسب برای زدن دهاک و رسیدن کیخسرو و یاران به کمک سوشیانس برای فرشکرد کرداری (تازه گردانیدن) و آراستن بیشتر مردم به داد و خوی گاهانی (گاتهای) است. (دینکرد، سنجانا، ج ۷، ف ۹، ب ۱۰).

نکته مهم در این آموزه‌ها تشخیص بین آشموغی (بدعت‌های نادرست) و فرشکرد (نوگرایی) است؛ از یک طرف سوشیانس با فرشکرد خود جهان را نو می‌کند، از طرف دیگر می‌گوئیم خودش با بدعت‌هایی که ما به آن آشموغی می‌گوئیم، می‌جنگد. در حقیقت، آن چیزی که ما به نام آشموغی می‌نامیم، به معنای نوآوری نیست؛ بلکه به معنی دروغ و وارونه جلوه دادن ناراستی‌هایی است به نام نوآوری.

به همین دلیل در اوستا صفت سوشیانت «استوت ارته» است به معنی تجسم راستی یا وجودی که تماشای عین راستی است در مقابل صفت اهریمن که به تنهایی دروغ نیست بلکه وارونه‌گویی، ریاکاری و فریب است. خیلی از دروغ‌ها از روی ناآگاهی یا نیاز بروز می‌دهد. ولی دروغی که آگاهانه و به نیت فریب دیگران بیان می‌شود صفت اهریمنی است. در اوستا ضحاک نماد چنین واقعیتی است؛ فردی که تمام تلاشش این است تا ناراستی‌ها را توجیه کرده و به عنوان حقیقت تحمیل نماید. شاید به همین دلیل هم در اسطوره‌های باستان، ضحاک پس از شکست، کشته نشد بلکه در کوه دماوند اسیر شد تا این معنی تفهیم شود که هر زمانی و هر کسی می‌تواند در این لباس دوباره ظهور نماید.

آشموغی (بدعت) هم مصداق همین است؛ به عبارت دیگر دیو آشموغی (بدعت) از یکسو پایه‌ها و فلسفه‌های اصلی دین را نابود کرده و از سوی دیگر این کار را عین راستی و فهم واقعی از مفاهیم دینی جلوه می‌دهد. این دیگر نوآوری نیست؛ بلکه دقیقاً همان نابود کردن است، ولی به نام نوآوری و نواندیشی. سوشیانس تمام این زبانی‌ها و دروغ‌هایی را که دور مفاهیم واقعی دین را گرفته‌اند می‌زداید و پاک می‌کند و همانطور که در دینکرد آمده همچون زمان خود زرتشت، دین ساده و بی‌پیرایش را نمایان می‌سازد.

از سوی دیگر این تفکر که به بهانه نواندیشی تمام ریشه‌ها و سنت‌های دینی را زیر سوال برده و کنار بگذاریم این هم خطایی بزرگ و آفت نواندیشی دینی است. سنت‌های دینی چکیده تجربه نیاکان ما در کاربردی کردن بسیاری از مفاهیم دینی در آموزه‌های پیامبر است که در طول تاریخ تکامل یافته‌اند اما همین رویه فراز و نشیب‌هایی داشته از یکسو سنت‌هایی از مسیر فلسفه‌ها و مفاهیم بنیادیشان فاصله گرفته‌اند و از سوی دیگر با نو شدن جوامع و مدرنیسم و تغییر ساختارهای اجتماعی بسیاری از این سنت‌ها از کاربرد و نتیجه فاصله می‌گیرند.

نکته اینجاست که این سنت‌ها مقدس و غیرقابل تغییر نیستند و ویژگی آنها در دین زرتشتی پویایشان است. اگر اجازه بدهیم همواره خرد جمعی و اندیشه حاکم بر سنت‌ها باشد اتفاقاً جلوی آشموغ گرفته می‌شود. تمام ادیان کم و بیش دوره‌های قرون وسطی را تجربه کرده‌اند عملکرد روحانیون در این دوره‌ها در قبال احکام دینی و سنت‌ها بیانی روشن از شکل‌گیری بدعت‌های نادرست و اصرار ایشان بر تداوم آنها بر پایه تقدس‌گرایی دینی است و این یعنی شکل‌گیری آشموغی یا دیوی که سوشیانس به مبارزه با آن برمی‌خیزد تا بتواند جهانی نو و گاهانی بسازد.

### صلح و آشتی

پرسید که: چه [کاری را] کردن بهتر [است] و چه [کاری را] نکردن، و چه [چیز را] پاییدن و چه [چیز را] بازداشتن، و چه [چیز را] رها کردن و چه [چیز را] فراز گرفتن [و پذیرفتن بهتر است]؟

پاسخ داد که: آشتی کردن بهتر و بانگ جنگ نکردن بهتر، پاییدن زبان بهتر و بازداشتن خشم بهتر، رهاکردن کینه بهتر [و] فراز گرفتن امید [بتر] (اندرز اوشر دانا، گشتاسب و حاجی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۷۴).

بهمین در آموزه‌ها و فرهنگ زرتشتی نماد صلح و آشتی است باور نیاکان ما بر این بوده است که با گسترش بهمین یا نیک‌اندیشی، جایگاه صلح و آرامش

در جامعه محکم شده و خشم و خشونت که زاییده کم‌خردی هستند از بین می‌رود. مهمترین ویژگی سوشیانس‌ها نیز برخورداری از خرد والاست که به کمک آن می‌توانند صلح پایدار را در جهان نهادینه کرده و زمینه توسعه و پیشرفت را فراهم سازند.

به راستی سوشیانس‌ها و رهانندگان گیتی از دانش و بینش برخوردار بوده، وظیفه خود را با الهام از منش پاک انجام خواهند داد. آنها کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته و رفتارشان با آموزش‌های تو ای مزدا هماهنگی دارد آنان بدرستی از بین‌برندگان خشم و نفرت و پدید آورندگان صلح و آشتی هستند. (گاتها، هات ۴۸، بند ۱۲).

در متون زرتشتی نیز بهمین همواره برپادارنده صلح و دور کننده جنگ و خشونت است و رنگ آن نیز در فرهنگ زرتشتی سفید است.

بهمین نیک نیرومند آشتی‌بخش، او را نیرومندی اینکه سپاه ایزدان و نیز آن آزادگان چون آشتی کنند و بیفزایند، به سبب بهمین است که به میان ایشان رود (بندش).

همانطور که با دروغ و فریب نمی‌توان راستی را در جهان گسترش داد هیچ‌گاه با خشم، تفر و انتقام‌جویی نیز نمی‌توان صلح و آشتی را در جهان حاکم کرد. از طرفی تمام انسان‌ها با هر باور، منش و اخلاقی آفریده اهورامزدا بوده و جهان‌بینی زرتشت تمام انسان‌ها را سزاوار آگاهی، رهایی و در نهایت خوشبختی و رستگاری می‌داند. تا جایی که اشوزرتشت حتی برای «بندو» که به صورت مشخص قصد جان پیامبر را کرده بود این چنین آرزوی رهایی می‌کند.

ای مزدای پاک بی همتا، بندو بزرگترین سد راه من است و همیشه با گمراه کردن مردم احساس خرسندی می‌کند ای بخشنده مهربان بسوی من آی و مرا توانایی بخش تا در پرتو منش پاک بر او دست یافته و او را از گمراهی رهایی بخشم و از پاداش نیک برخوردار گردم. (گاتها، هات ۴۹، بند ۱)

در اوستا نیز در توصیف سوشیانس نیز این ویژگی که با تمام انسان‌ها حتی افراد ناآگاه با روی خوش و به دور از خشم و نفرت برخورد می‌شود نمایان است.

او (استوت ارت) از چشمان خرد بنگرد، همه آفریدگان را ببیند حتی آن که دژچهر است، او همه جهان مادی را با چشم نیکبختی (رحم و شفقت) ببیند. (زامیادیش، بند ۹۴).

گسترش اشا به معنی راستی، برابری و عدالت مکمل خرد و خردگرایی بوده و این دو باهم زمینه شکل‌گیری آرامش و صلح جهانی را فراهم می‌سازند پس از بی‌خردی، دروغ و ریا و تبعیض و بی‌عدالتی مهمترین دلایل بروز خشم و خشونت در جهان هستند.

خشم و نفرت را از خود دور کنید و اجازه ندهید اندیشه‌هایتان به خشونت و ستم گرایش پیدا کند. به منش پاک و مهر و محبت دل‌بستگی نشان دهید. رادمردان پاک سرشت برای گسترش راستی و درستی پیوند استوار خواهند ساخت و هواخواهان حقیقت را به سوی بهشت، جایگاه تو ای اهورا که منزلگه (راستان و پاکان) است رهبری خواهند کرد. (گاتها، هات ۴۸، بند ۷).

به طور کلی در گاتها هیچ بیانی از کشتن، خشونت با هرگونه توجیهی نیامده است و همواره سوشیانس‌ها برپایه خرد والا و جایگاهشان برپادارندگان صلح و آشتی هستند اما در متون متاخر زرتشتی این نجات‌بخش‌ها در شخصیت‌هایی همچون بهرام ورجاوند جلوه پیدا کرده‌اند که برعلیه سپاه ظلم و تیرگی هجوم برده و جهان را از پلیدی‌های پاک می‌کنند همانگونه که مشخص است این رویه با گاتها و اوستا همخوانی ندارد و آنچه مشخص است تحت تاثیر شرایط سخت ایرانیان در دوران غلبه بیگانگان بوده که طبیعتاً آرزوی نجات و رهایی با توصیف شرایط سخت آن دوران خواست عمومی بوده است و در داستان‌سرای‌های نجات‌بخشان نمود پیدا می‌کرده است.

اما آنچه مشخص است زرتشتیان در نمازهای خود این متن عهد و پیمان را تکرار کرده و عهد خود را با دینی تجدید می‌کنند که اعتقاد دارد براندازنده جنگ و دورکننده سلاح است.

می‌ستایم دین نیک مزدیسنی را که بر ضد جنگ و خونریزی و دور کننده سلاح است و خویشی‌دهنده و پاک است. (اوستای کشتی، خرده‌اوستا)

اشوزرتشت در هات ۴۳ بند ۱ می‌فرماید خوشبختی از آن کسی است که خواهان خوشبختی دیگران است به عبارت دیگر راز خوشبختی در تلاش برای شادی و خوشبختی دیگران است و این کلید و رمز برقراری صلح پایدار در جامعه است. اگر تنها همین آموزه اشوزرتشت در جهان نهادینه شود دیگر

هیچ جنگ و خشونت در جهان نخواهد ماند. اینکه زمانی احساس خوشحالی و شادی کنیم که باعث شادی دیگران شده‌ایم، زمانی خود را عدالت‌خواه بخوانیم که دیگران برابری و انصاف را احساس کنند و زمانی احساس بی‌نیازی کنیم که همه انسان‌ها در آسایش و رفاه به سر برند.

کسی که راستی و خوشختی را به دیگران می‌آموزد، جهان را به سوی نیکی پیش می‌برد و خود نیز از بهترین نیکی‌ها بهره‌مند خواهد شد.  
(گاتها، هات ۴۳، بند ۳).

#### امید

این سود است که برای آگاهی از دین ایزدان و بی‌گمانی (= یقین) به مزد مینوی، در تنگدستی خرسندتر، در سختی و تسلیم و آستانه (= بدبختی) چاره‌شناس‌تر و به نجات و رستگاری امیدوارتر باشند. (دادستان دین، میرفخرایی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷)

هات ۴۶ گاهان از یک منظر خاص اهمیتی ویژه دارد. در این فصل از گاهان، اشوزرتشت که از ظلم و ستم به ستوه آمده است، به درگاه اهورامزدا به دلیل کم بودن یاران و همراهانش گله می‌کند و این وضعیتی است که در طول تاریخ بارها و بارها برای راستکاران و راستی‌جویان پیش آمده، شرایطی که انسان اگر از باور قوی برخوردار نباشد شاید تاب نیاورد.

به کدام سرزمین روی آورم؟ به کجا رفته پناه جویم؟ خویشانم مرا ترک گفته و دوستانم از من روی گردانند. از همکاران کسی مرا خرسند نمی‌سازد و فرمانروایان کشور نیز همگی به دروغ گرایش یافته‌اند. ای هستی بخش بزرگ، چگونه خواهم توانست با انجام ماموریت تو را خشنود سازم؟  
(گاتها، هات ۴۶، بند ۱)

اشوزرتشت در چنین شرایطی نخست به اهورامزدا پناه می‌برد و با نگاهی آرمان‌گرایانه و امیددهنده و با باور به پیروزی راستی بر دروغ و شکل‌گیری جهانی نو در آینده توان خود را در ادامه راه محکم‌تر می‌کند. پرورش چنین باوری در طول تاریخ مهم‌ترین عامل برای پایداری دینداران و دین‌یاران راستین بوده است. ای مزدا من از ناتوانی و تنگ دستی خود آگاهم، زیرا خواسته ام کم و یاران و هواخواهانم اندک‌اند. ای هستی بخش یکتا، روی به درگاه تو آورده مانند دل‌داده ای که از دلبر خویش خواستار نظر لطف و محبت و خوشبختی سرمدی باشد. پروردگارا در پرتو قانون ازلی اشا (راستی و پاکی) مرا از نیروی نیک اندیشی و محبت برخوردار ساز  
(گاتها، هات ۴۶، بند ۲).

در فرهنگ زرتشتی شب چله معروف به شب یلدا نمادی از این باور است و ایرانیان از دیرباز این طولانی‌ترین و سردترین و شاید سخت‌ترین شب سال را با این باور که در نهایت تاریکی و سرما به نور، روشنایی و گرما منتهی می‌شود پاس داشته و با جشن و شادی توان پایداری در شرایط سخت را با زنده نگه داشتن امید تقویت می‌کردند.

ای مزدا کی سپیده دم نیک بختی به در خواهد آمد و مردم جهان به سوی راستی و پاکی روی خواهند آورد؟ کی نجات دهندگان بشر با دانش و خرد و آموزش‌های موثر خویش مردم را رهبری خواهند کرد؟ ای هستی بخش من تنها تو را به عنوان آموزگار و سرور خود برگزیده‌ام (گاتها، هات ۴۶، بند ۳)

#### کورش بزرگ، سوشیانت و ذوالقرنین

هنگامیکه من با صلح به بابل در آمدم تخت پادشاهی را در جشن و شادمانی مردم آنجا پایه گذاشتم ...

سربازان من با صلح و دوستی در شهر بابل به گردش در آمدند ...

من برای صلح کوشیدم ...

من بیگاری و بردگی را برانداختم ...

خانه‌ها و معابد ویران آنان را آباد ساختم ...

(منشور کوروش)

در اوستا از اوشیدرهایی نام برده شده که قبل از سوشیانس برای نجاتبخشی می‌آیند اگرچه هیچ اشاره‌ای در دست‌نیست که این سوشیانس‌ها آمده‌اند اما کوروش هخامنشی بزرگمردی بود که سوشیانس‌وار، خردگرایی، صلح و راستی را

در جهان گسترش داد و مهمتر این‌که در کتب آسمانی دیگر نظیر تورات و قرآن نیز به عنوان نجات‌بخش و ذوالقرنین از او نام برده شده است.

کوروش با غلبه بر دولت ماد، که تحت فرماندهی پدربزرگش آستیاگس بود، پادشاهی هخامنشی را پایه‌گذاری کرد. فتح لیدی و سپس گشودن بابل و بازگرداندن اسیران یهود به سرزمینشان از دیگر کارهای مهم کوروش بزرگ بود. این مرد بزرگ، در سفر جنگی خود به مشرق و در نبردی با ماساگت‌ها کشته شد. پیکر او را به پاسارگاد آوردند و در آرامگاهی ساده و باشکوه گذاردند. این آرامگاه اتاقی ساده و بدون پنجره است که بر بلندای شش پله قرار دارد و بنابراین، خود آرامگاه طبقه هفتم به شمار می‌آید.

حکومت این شاه بزرگ بر مهرورزی و بخشش استوار بود. ایرانیان کوروش را پدر و یونانیان او را سرور و قانون‌گذار و یهودیان وی را مسیح منجی نامیده‌اند هرودوت که تقریباً صد سال پس از کوروش، کتاب تاریخ خود را نوشته است، کوروش را مردی فروتن، خردمند و دلیر توصیف می‌کند که نه تنها در فنون جنگی و مهارت‌های سیاسی سرآمد بود، بلکه در دوستی، آزادخواهی، نرمش و مهربانی حتی با دشمنان خود، بی‌همتا بود.

از ماجرای چیرگی کوروش بر بابل و آزادی اسیران یهود، کتیبه‌ای به خط میخی و زبان بابلی برجای مانده است که اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود که به منشور کوروش یا فرمان کوروش بزرگ شهرت دارد.

مجموعه عهد عتیق یا تورات کتاب مقدس یهودیان، در سفر دانیال، سفر اشعیا و سفر یرمیا به نجات قوم یهود از اسارت بابلیان اشاره کرده است. در سفر اشعیا نام کوروش با تلفظ عبری آمده است. در این کتاب، کوروش همان نجات‌بخشی است که از شرق خواهد آمد تا عدل و انصاف واقعی را به اجرا درآورد، او دلسرد و ناامید نخواهد شد و عدالت را بر زمین استوار خواهد ساخت.

دلسوزی و مهربانی او چنان است که حتی نی خرد شده را نخواهد شکست و شعله ضعیف را خاموش نخواهد کرد.

خداوند کوروش را برگزیده و به او توانایی بخشیده تا پادشاه شود و سرزمین‌ها را فتح کند و پادشاهان مقتدر را شکست دهد. خداوند دروازه‌های بابل را بر روی او باز می‌کند و دیگر آن‌ها بر روی کوروش بسته خواهد ماند خداوند به وسیله کوروش مردی از شرق، به مردم جهان نور خواهد بخشید و چشم نابینایان را باز خواهد کرد.

منجی قوم یهود در سفر دانیال به شکل قوچ توصیف می‌شود. دانیال یکی از پیامبران یهود است. که در دوره اسارت یهودیان در بابل ظهور می‌کند. او دو بار رویایی می‌بیند که شرح آن در کتاب مقدس چنین آمده است:

در این رویا دیدم که قوچی در کنار رود ایستاده و دو شاخ بلند دارد، این دو شاخ یکی به طرف پشت او خم شده بود، قوچ با دو شاخ خود غرب و شرق و جنوب را شخم می‌کرد و می‌کند. هیچ حیوانی نبود که در برابر او ایستادگی کند بنابراین هرچه می‌خواست می‌کرد. در همین حال که من در فکر انجام کار این قوچ بودم، متوجه شدم که یک بز کوهی از طرف مغرب در حالی‌که زمین را با شاخ خود می‌کند پیش آمد. میان پیشانی این بز یک شاخ بزرگ و عجیب کاملاً پیدا بود. کم‌کم بزکوهی به قوچ دو شاخ (ذوالقرنین) نزدیک شد و سپس خشمناک بر او تاخت و دو شاخ او را شکست.

تفسیر این رویا در همین کتاب چنین آمده است:

فرشته‌ای که باید او را جبرئیل خواند بر او (دانیال) نازل شد و رویای دانیال را بدین نحو تفسیر کرد که قوچ ذوالقرنین (کوروش) نماینده اتحاد دو کشور ماد و پارس است. یک نفر قوی بر این دو کشور حکمرانی می‌کند به طوری که هیچ دولتی قادر به مقاومت در برابر او نخواهد بود. اما بز کوهی یک شاخ که بعد از قوچ پیدا شده مقصود از آن مملکت یونان است.

شاخ در فرهنگ باستان نماد «فره» است و کوروش تنها فرمانروایی بود که همزمان دو فره قدرت و دانایی را داشته است که در زبان عبری با واژه «لوقرانایم» توصیف شده است. تلفظ عبری این واژه ذوالقرنین است که در قرآن، در سوره کهف به آن اشاره شده است. نخستین بار مولانا ابوالکلام آزاد، ذوالقرنین در قرآن را همان کوروش هخامنشی و منجی قوم یهود در تورات دانست. این نظر بعدها از سوی مفسر نامی قرآن مجید، آیت‌الله طباطبایی نیز پذیرفته شد.

اجمال مطلب این‌که آنچه که قرآن از وصف ذوالقرنین آورده، این پادشاه عظیم [=کوروش] تطبیق می‌شود. زیرا اگر ذوالقرنین قرآن مردی مومن به خدا و به دین توحید بوده، کورش نیز بوده؛ و اگر او پادشاهی عادل و رعیت‌پرور و دارای سیره رفیق و رافت و احسان بوده این نیز بوده و اگر او نسبت به ستمگریان و دشمنان مردی سیاستمدار بوده، این نیز بوده و ...



# گاهان، بازتاب «مینوی خرد» در آینه شعر

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان  
هزار باده‌ی ناخورده در رگ تاک است

فرزانه گشتاسب

همانگونه که پیشتر اشاره شد، گاهان به زبان اوستایی قدیم سروده شده است و به درستی گاهان یا گات‌ها، یعنی سرودها، نامیده می‌شود زیرا زبان آن، زبان شعر است. شعر گاهان، شعر هجایی است یعنی پاره‌های هر هات، به بیت‌ها و مصرع‌هایی تقسیم می‌شود که تعداد هجاهای آن در تمام آن قطعه یکسان است.<sup>۱</sup> نام پنج بخش گاهان و وزن هجایی آن‌ها به ترتیب زیر است:

۱- اهنودگاه (ahunavaiti gāthā)؛ نام نخستین فصل گاهان از عبارت yaθā ahū vairiō، که در آغاز سرود «یثا‌هو» آمده، گرفته شده است. اهنودگاه شامل هفت هات (هات‌های ۲۸-۳۴) و روی هم ۱۰۰ قطعه (پاره) است، هر پاره دارای سه بیت و هر بیت دارای شانزده هجاست که به دو مصرع هفت و نه هجایی تقسیم می‌شود.

۲- اشتودگاه (uštavaiti gāthā)؛ نام دومین فصل گاهان از نخستین عبارت این فصل، uštā ahmāi، گرفته شده است. اشتودگاه شامل چهار هات (هات‌های ۴۳-۴۶) و ۶۶ قطعه است، هر قطعه پنج بیت و هر بیت یازده هجا دارد که به دو مصرع چهار و هفت هجایی تقسیم شده است.

۳- سپنتمدگاه (\*spəntamaiti gāthā)؛ فصل سوم گاهان با عبارت spəntā mainiū آغاز می‌شود و به همین دلیل به نام سپنتمدگات شهرت دارد. این فصل شامل چهار هات (هات‌های ۴۷-۵۰) و ۴۱ قطعه است و هر قطعه چهار بیت یازده هجایی دارد که هر بیت به دو مصرع چهار و هفت هجایی تقسیم شده است.

۴- وهوخشترگاه (vohūxšaθra gāthā)؛ نام این فصل از عبارت vohū xšaθrem «شهریاری خوب» گرفته شده است که جمله آغازین فصل چهارم گاهان است. وهوخشتر گاه شامل یک هات (هات ۵۱) و ۲۲ قطعه است، هر قطعه سه بیت و هر بیت چهارده هجا دارد که به دو مصرع ۷ هجایی تقسیم شده است.

۵- وهشتوایشت‌گاه (vahištō.īsti gāthā)؛ نام فصل پایانی گاهان از عبارت آغازین این فصل، vihištā īsti «بهترین دارایی» گرفته شده است. این فصل شامل یک هات (هات ۵۳) و ۹ قطعه است، هر قطعه چهار بیت دارد که دو بیت آن کوتاه و دارای دو مصرع دوازده هجایی (۷+۵) و دو بیت دیگر بلند و دارای سه مصرع نوزده هجایی (۷+۷+۵) است.

برخی پژوهشگران کوشیده‌اند قطعات گاهان را به ترتیبی جدید بیارایند، اما به دلایل مختلف، این ترتیب و نظم سنتی بیشتر قابل دفاع است.

یکی از این دلایل، این است که مضمون اولین قطعه از اولین گاه گاهان یعنی قطعه ۲۸/۱ و آخرین قطعه از گاه چهارم یعنی قطعه ۵۱/۲۲، حکایت از آغاز و پایان پیام اشوزرتشت دارد.

دیگر اینکه بین جمله پایانی هر هات با جمله آغازین هات بعد ارتباطی آشکار

«مانتره» نامی است که اشوزرتشت سپیتمان برای سرودها و پیام خویش برگزیده است. ما در زبان فارسی این سرودهای سپندینه را «گاهان» یا «گات‌ها» می‌نامیم؛ «گاه» و «گات»، بازمانده واژه اوستایی گاتا (θā-āg) است که در زبان فارسی به صورت جمع به کار برده می‌شود، به معنی «سرودها».

گاهان تنها بخشی از اوستا است که به یقین، خود اشوزرتشت آن را نوشته است و لهجه آن با بخش‌های دیگر اوستا که اصطلاحاً «اوستای جدید» نامیده می‌شود، تفاوت دارد. گاهان، هفت‌ها و چند سرود کوتاه دیگر یعنی اشم‌وهو، یثا‌هو، ینگه‌هاتام و آئیریمان‌ایشیو به زبان «گاتیک» یا «اوستای قدیم» سروده شده‌اند.<sup>۲</sup>

سخن اندیشه‌برانگیز اشوزرتشت، بیش از هر بخش دیگر اوستا مورد پژوهش و بررسی اوستاشناسان قرار گرفته است و در میان ادبیات باستانی ایران، بیش از هر متن دیگر ترجمه و تفسیر شده است؛ با این حال پس از یک قرن مطالعه و کنکاش، عمق سخن آن وخشور بزرگ، مانند گذشته رمزی ناگشوده و رازی زیبا و دلنشین است که هر اندیشمندی را به سوی خود می‌کشد؛ جاذبه گاهان در این است که پیمانه هر دانای خردورز را به اندازه گنجایشش پر می‌کند و او را از می‌وصل سرخوش می‌سازد و در واقع کسی از این خانه عشق و آگاهی دست خالی بیرون نمی‌رود.

رازهای گاهان، عطش پژوهشگران و شیفتگی عاشقان را تسکین می‌دهد و دشواری‌های فهم معنای آن، اندیشه را ورزیده و خرد را می‌پروراند. اشوزرتشت، اندیشه را در یک بسته‌بندی زیبا به ما هدیه نکرده است، بلکه تلاش کرده است به ما اندیشیدن را بیاموزاند؛ او همچون راهنمایی دانا، چراغ مانتره را به دستمان می‌دهد و ما را به هزرتوی پر پیچ‌وخم خرد می‌برد، هزرتویی که خود ده سال اندیشید تا کلید کشف آن را به دست آورد.

## درباره‌ی سرودهای گاهان

بر پایه‌ی کتاب دینکرد<sup>۳</sup>، اوستای زمان ساسانی شامل بیست و یک نسک بود که به سه کتاب هفت نسکی تقسیم می‌شد. این تقسیم‌بندی به طور نمادین از روی سرود «یثا‌هو» انجام شده بود که دارای بیست و یک واژه و سه بیت هفت واژه‌ای است.

بخش نخست، به نام «گاسانیک/ گاهانیک»، شامل هفت نسک بوده است به نام‌های: ستوت‌یشت، سوتگرنسک، ورشت‌مانسرنسک، بگنسک، وشتک‌نسک، هاڈخت‌نسک و سپندنسک. سرودهای اشوزرتشت، بخشی از ستوت‌یشت، و شش نسک دیگر شامل شرح و تفسیر سرودهای گاهان بوده است.

- 26 - Kanga, K.E. 1914. *Gāthā bā mānī* (Gujarati). Bombay.
- 27 - Kellens, J. & E. Pirart. 1988- 1991. *Le Textes Vieil-Avestiques*. 3 vol. Wiesbaden.
- 28 - Kuiper, F. B. J. 1964. «The Bliss of Aša», *IJ 8*. pp. 96- 129.
- 29 - 1964. «On Yasna 30.7», Dr. J.M. Unvala Memorial Volume. pp. 80- 88.
- 30 - Khabardar, A.F. 1949. *New light on the Gathas of Holy Zarathushtra*. Bombay.
- 31 - Lentz, W. 1954. *Yasna 28, Kommentierte Übersetzung und Kompositions-Analyse* (Akademie der Wissenschaften und der Literature, No 16).
- 32 - Lommel, H. 1971. *Die Gathas des Zarathustra*. Basel-Stuttgart.
- 33 - Malandra, W. W & P. Ichaporria. 2010. *The Pahlavi Yasna of the Gāthās and Yasna Haptanhāiti*. With the collaboration of H. Humbach. USA.
- 34 - Mills, L.H. 1894. *A Study of the Five Zarathushtrian (Zoroastrian) Gāthās*, with Texts and Translations. Leipzig.
- 35 - Monna, M.C. 1978. *The Gathas of Zarathustra*. Amsterdam.
- 36 - Punegar, Kh. H. 1929. *The Gāthās* (The K.R. Cama Oriental Institute Journal, No.12). Bombay.
- 37 - Schmidt, H.P. 1968. «Die Komposition von Yasna 49», *Pratidānam*. pp. 170- 192.
- 38 - Schmidt, H.P. & W. Lentz & S. Insler. 1985. «Form and Meaning of Yasna 35», *American Oriental Society Essay*, No. 10. New Haven.
- 39 - Smith, M. W. 1929. *Studies in the Syntax of the Gathas of Zarathushtra*. Philadelphia.
- 40 - Taraporewala, I.J.S. 1951. *The Divine Songs of Zarathushtra*. Bombay.
- 41 - Tavadia, J. 1952. «The first three Gathas of Zarathustra and the Four Principal Prayers in Avestan. Text, translation and commentary (Indo-Iranian Studies II)», *Viśva-Bharati Studies*, No. 15. Bombay.

- از میان ترجمه و تفسیرهایی که به زبان فارسی درباره‌ی گاهان انجام شده است، می‌توان به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره کرد:
- ۱ - آذرگشسب، فیروز. ۱۳۸۳. گات‌ها، سرودهای زرتشت. تهران: فروهر.
- ۲ - ابوالقاسمی، ۱۳۸۲. یسن ۵۳ وهیشتوابشت گاه: اندرز زرتشت. تهران: فروهر.
- ۳ - پورداد، ابراهیم. ۱۳۳۶. یادداشت‌های گات‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴ - ۱۳۵۴. گات‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵ - جعفری، علی‌اکبر. ۱۳۵۹. ستوت یسن. تهران: فروهر.
- ۶ - دوستخواه، جلیل. ۱۳۷۴. اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی. تهران: مروارید.
- ۷ - شوشتری، عباس. ۱۳۵۴. گات‌ها، سرودهای زرتشت. تهران: چاپخانه خرمی.
- ۸ - شهزادی، رستم. ۱۳۸۱. برگردان گات‌ها. تهران: فردوس.
- ۹ - عالیخانی، بابک. ۱۳۷۹. بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی. تهران: هرمس.
- ۱۰ - گات‌های زرتشت، متن تطبیقی بر اساس هشت ترجمه فارسی. ۱۳۸۷. به کوشش فرانک دونلو. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- ۱۱ - وحیدی، حسین. ۱۳۶۶. گات‌ها، سرودهای مینوی زرتشت. تهران: آفتاب.

### سخن آخر

در دایره سخن، کاملتر و زیباتر از شعر وجود ندارد، به همین دلیل شعر بهترین بستر برای ظهور و تجلی عرفان می‌شود که آن هم کامل‌ترین و زیباترین راه دریافت حقیقت است. بحث شعر و عرفان، بحث زیبایی و عشق، بحث هنر و معنا، بحث آینه و خداست. این انس و الفت دیرین و دلنشین بین شعر و عرفان، آب حیات است که به ادب و فرهنگ این مرز و بوم، عمری جاودانه بخشیده است، چنانکه تا هزاران سال دیگر نیز، در هر جای این کره‌ی خاکی، هرکه تاری از این رشته را به دست گیرد، باز هم قلبش خواهد لرزید.

گاهان بی‌اغراق نمونه‌ای کامل و بی‌مانند از بازتاب ژرف‌ترین حقایق مینوی در آینه‌ی شعر است؛ حقایقی مینوی که ارمغان «مینوی خرد» (سپنته‌مینوی) به جهان بشریت است، ارمغانی فرازمانی و فرامکانی از زبان پیامبر ایران باستان اشوزرتشت سپیتیمان، برای همه‌ی کسانی که خواستار شنیدن‌اند و آرزو دارند به خوشبختی برسند، آن خوشبختی راستینی که راه آن از خوشبخت کردن دیگران می‌گذرد.

دیده می‌شود؛ برای نمونه آخرین قطعه از هات ۳۰ (قطعه ۳۰/۱۱) با جمله‌ی *hyaṭ tā urvātā sašaθā* پایان می‌یابد که با اولین جمله از هات ۳۱ (*tā vē urvātā marəntō*) کاملاً مربوط است؛ همینطور آخرین قطعه از هات ۴۹ (قطعه ۴۹/۱۲) با جمله‌ی *kaṭ tōi ašā zbayentō avanḥō* که در اولین قطعه از هات ۵۰ (قطعه ۵۰/۱) با جمله‌ی *kaṭ mōi urvā isē čahyā avanḥō* ادامه می‌یابد.

علاوه بر این، قطعه اول و آخر هر هات نیز به هم مربوط‌اند؛ مثلاً در قطعه اول و یازدهم هات ۲۸، از «سپنته‌مینوی» سخن به میان آمده است؛ قطعه ۲۹/۱ با واژه‌ی *xšmaibyā* «شما» آغاز و قطعه ۲۹/۱۱ با واژه‌ی *yūšmāvatom* «شما» به پایان رسیده است؛ قطعه ۳۰/۱ با جمله‌ی *aṭ tā vaxšyō* «اکنون این‌ها [سخنان] را خواهیم گفت» آغاز و قطعه ۳۰/۱۱ با جمله‌ی *aṭ aipī tāiš anḥaitī uštā* «به وسیله این [قوانین/سخنان]، خوشبختی [برای شما] خواهد بود» پایان گرفته است. این پیوستگی و نظام حیرت‌آور، در سراسر گاهان، بین هر دو قطعه از هر هات نیز وجود دارد. گاهی اوقات این پیوستگی به گونه‌ای است که تفسیر یک قطعه بدون توجه به دیگری، ناممکن است. مثلاً در هات ۲۸، غیر از قطعه اول، بقیه قطعات دو به دو به یکدیگر وابسته‌اند. بنابراین با توجه به دلایلی که ذکر شد، جابجا کردن هات‌ها و پاره‌های گاهان منطقی و درست به نظر نمی‌رسد.

### ترجمه و تفسیر گاهان

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، بررسی‌هایی که درباره‌ی گاهان<sup>۶</sup> انجام شده، چندبرابر پژوهش‌هایی است که پیرامون بخش‌های دیگر اوستای قدیم یا اوستای جدید، انجام گرفته است. در این بخش به گوشه‌ای از ترجمه‌ها و تفسیرهای گاهان به زبان‌های گوناگون اشاره می‌شود.

مشخصات برخی از پژوهش‌هایی که درباره‌ی گاهان به زبان‌های اروپایی منتشر شده است، به ترتیب زیر است:

- 1- Andreas, F. C. 1909. «Die dritte Ghāthā des Zurathušthro (josno 30)», *Nachrichten der Gottinger Wissenschaftlichen Gesellschaft (NGWG)*. pp. 42-49.
- 2- Andreas, F. C. and J. Wackernagel. 1911. «Die vierte Ghāthā des Zurathušthro (Josno 31)», *NGWG*. pp. 1-34.
- 3 - 1913. «Die erste, zweite and fünfte Ghāthā des Zurathušthro (Josno 28, 29, 32)», *NGWG*. pp. 363-85.
- 4 - 1931. «Die erste, zweite and fünfte Ghāthā des Zurathušthro (Josno 28, 29, 32)», *Anmerkungen, NGWG*. pp. 304-29.
- 5 - Anklesaria, B. T. 1952. *The Holy Gathas of Zarathushtra*. Bombay.
- 6 - Bartholomae, C. 1879. *Die Gāthās und heiligen Gebete des altiranischen Volkes*. Halle.
- 7 - 1905. *Die Gatha's des Awesta, Zarathustra's Verspredigten*. Strassburg.
- 8 - Beekes, R.S.P. 1988. *A Grammer of Gatha-Avestan*. Leiden.
- 9 - Bode, F. A. & P. Nanavutty. 1952. *Songs of Zarathushtra the Gathas*. London.
- 10 - Duchesne-Guillemin, J. 1948. *Zoroastre: Étude critique avec unetraductioncommentée des Gāthās*. Paris.
- 11 - 1959. *The Hymns of Zarathustra, Being a Translation of the Gathas Together With Introduction and Commentary*. tr. M. Henning. London.
- 12 - 1973. «On the Complaint of the Ox-Soul», *Journal of Indo-European Studies I*. pp. 101- 104.
- 13 - Dumézil, G. 1965. «A propos de la plainte du l'Ame du Bœuf (Yasna 29)», *Bull. dul'Académie Royal de Belgique (VeSérie)* 51. pp. 23- 51.
- 14 - Gershevitch, I. 1952. «Review of Duchesne-Guillemin, Songs of Zoroaster», *Journal of the Royal Asiatic Society (JRAS)*. pp. 174- 178.
- 15 - Hinz, W. 1960. «Gathisches», *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes (WZKM)*. pp. 78- 86.
- 16 - Humbach, H. 1952. «Yasna 31.13», *Münchener Studien zur Sprachwis (MSS)* 1. pp. 25- 28.
- 17 - 1956. «Rituelle Termini Technici in den aw. Gathas», *MSS* 8. pp. 78- 83.
- 18 - 1956. «Gathisch-awestische Verbalformen», *MSS* 9. pp. 66- 78; *MSS* 10. pp. 34- 44.
- 19 - 1959. *Die Gathas des Zarathustra*, 2 vols. Heidelberg.
- 20 - 1991. *The Gāthās of Zarathushtra and the Other Old Avestan Texts*. In collaboration with J. Eifenbein & P.O. Skjærvnø. Heidelberg.
- 21 - Humbach, H. & P. Ichaporria. 1994. *The heritage of Zarathushtra : A new translation of his Gāthās*. Heidelberg.
- 22 - Humbach, H. & Klaus Fais. 2010. *Zarathushtra and his Antagonists, A Sociolinguistic Study with English and German Translation of his Gāthās*. Wiesbaden.
- 23 - Ichaporria. 1994. *The Heritage of Zarathushtra*, Heidelberg.
- 24 - Insler, S. 1970. «On Yasna 30.1 and 31.7», *KZ* 84. pp. 187- 201.
- 25 - 1975. *The Gāthās of Zarathustra (Acta Iranica 8)*. Leiden.

# دکتر دالی دستور رهبری معنوی با عمری خدمت و دانش

نگارش دکتر خسرو اسفندیار مهرفر  
برگردان به پارسی گلسا شاپور غیبی

## سال‌های نخست در بمبئی:

دالی دستور در بمبئی هند، در خانواده‌ای زرتشتی چشم به جهان گشود؛ خانواده‌ای که بنیانش بر اساس ارزش‌های بخشش و خدمت بنا شده بود. او در جامعه‌ای پر جنب و جوش پارسیان بمبئی رشد یافت و از همان کودکی تحت تأثیر پدر و مادری قرار گرفت که ایمانشان را نه تنها در گفتار، بلکه در کردار نشان می‌دادند. سال‌ها بعد، هنگامی که پس از درگذشت والدینش مشغول مرتب‌کردن خانه آن‌ها بود، دسته‌هایی از رسیدهای کمک‌های خیریه را پیدا کرد؛ نشانه‌هایی ملموس از سخاوتی که از کودکی برای او الگو شده بود. او بعدها می‌گفت: «آیین ما به ما می‌آموزد که دین خود را به جامعه ادا کنیم.» همین باور، بعدها به محور اصلی زندگی پر بار و کم‌نظیر او تبدیل شد.

## تحصیلات و شکل‌گیری شخصیت:

دالی دستور مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه بمبئی دریافت کرد. او در دانشگاه بمبئی پایه‌های فکری و علمی خود را شکل داد؛ پایه‌هایی که در تمام مسیر حرفه‌اش همراهش ماندند. حتی در همان سال‌های نخست، علاقه‌اش هم به علوم انسانی و هم به علوم تجربی بود؛ گرایشی که بعدها در زندگی‌اش به پیوندی میان موفقیت حرفه‌ای و خدمت به جامعه، و میان پژوهش علمی و ارزش‌های معنوی انجامید.

## نیجریه: فصل نخست (۱۹۶۱-۱۹۶۴)

در سال ۱۹۶۴، دالی، پس از پایان تحصیلاتش در دانشگاه بمبئی، راهی سفری شد که به فصلی ده‌ساله در نیجریه انجامید. او به‌عنوان پژوهشگر وابسته به سازمان جهانی بهداشت (WHO) به کادر بیمارستان دانشگاهی ایبادان در نیجریه پیوست. در دانشگاه ایبادان، به‌عنوان پژوهشگر ارشد روان‌پزشکی و هماهنگ‌کننده پروژه اسکیزوفرنی سازمان جهانی بهداشت فعالیت کرد.

در سال‌های حضورش در نیجریه، در کنار پژوهش‌های تخصصی روان‌پزشکی، روی پروژه‌ای کار می‌کرد که در آن شیوه درمان بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی نزد درمانگران سنتی روستاها با مراقبت‌هایی که پزشکان در بیمارستان‌ها ارائه می‌دادند مقایسه می‌شد. نتایج این بررسی شباهت قابل‌توجهی را نشان می‌داد. او بعدها می‌گفت: «در روستاها، فرد بیمار را طرد نمی‌کردند؛ او را همچون عضوی از خانواده می‌پذیرفتند و در جمع خود نگه می‌داشتند.» به باور او، این نگاه شباهت بسیاری به روحیه و شیوهی زرتشتی داشت.

تجربه‌ی او در نیجریه تأثیری عمیق بر نگرش حرفه‌ای‌اش در سال‌های بعد گذاشت. او در همین دوران ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد؛ پسرانش زوبین و فرهاد، و دخترش ناتاشا، در همین سال‌ها به دنیا آمدند.

## مهاجرت به کانادا:

آغازی نو (۱۹۷۳): در سال ۱۹۷۳، دالی به همراه خانواده‌اش به مونترآل کانادا مهاجرت کرد. او نیز، مانند بسیاری از مهاجران، با چالش آغاز زندگی در سرزمینی تازه روبه‌رو بود؛ در حالی که می‌کوشید سنت‌های فرهنگی و دینی‌ای را که بخش مهمی از هویتش بودند حفظ کند. اوایل دهه ۱۹۷۰ هم‌زمان با افزایش مهاجرت از جنوب آسیا به کانادا، جامعه زرتشتیان مونترآل نیز رو به گسترش بود. دالی



دستور خیلی زود به یکی از چهره‌های اثرگذار این جامعه تبدیل شد و نقشی مهم در شکل‌گیری نهادها و زیرساخت‌هایی ایفا کرد که زمینه رشد و شکوفایی آن را فراهم ساختند.

## پیوستن به بیمارستان داگلاس:

دستور به‌عنوان پژوهشگر سالمندشناسی به بیمارستان داگلاس پیوست و بعدها به‌عنوان روان‌شناس بالینی در همان‌جا استخدام شد. بیمارستان داگلاس در آن زمان یکی از مراکز پیشرو روان‌پزشکی به‌شمار می‌رفت و بخش خدمات سالمندان آن، محیطی ایده‌آل برای دالی فراهم کرد تا آموزش‌ها و تجربه‌اش در سازمان جهانی بهداشت را با علاقه روزافزونش به سالمندی و زوال عقل پیوند دهد.

## پیشگامی در مراقبت از بیماران مبتلا به زوال عقل (۱۹۶۱-۱۹۶۲)

## بنیان‌گذاری انجمن آلزایمر مونترآل:

دستور یکی از بنیان‌گذاران انجمن آلزایمر مونترآل (ASM) بود و نخستین گروه حمایتی شهر برای پرستاران افراد مبتلا به زوال عقل را راه‌اندازی کرد. او بعدها ریاست انجمن آلزایمر مونترآل و نیز معاونت انجمن آلزایمر کانادا را بر عهده گرفت و از این جایگاه‌ها برای حمایت از بهبود خدمات درمانی، افزایش بودجه پژوهشی، و ارتقای آگاهی عمومی درباره زوال عقل بهره برد.

## ادامه تحصیل و مسیر دکتری:

دستور نشان داد که برای دنبال‌کردن آرزوهای علمی هیچ‌گاه دیر نیست. او در سال‌های بعد، مدرک دکتری روان‌شناسی بالینی خود را از دانشگاه کنکوردیا در مونترآل دریافت کرد. رساله دکتری او در سال ۱۹۹۸ با عنوان «سرعت و عوامل پیش‌بینی‌کننده پیشرفت زوال عقل از نوع آلزایمر بر پایه مقیاس HDS» نه تنها دستاوردی مهم در مسیر علمی شخصی او بود، بلکه سهمی ارزشمند در درک روند پیشرفت بیماری آلزایمر ایفا کرد.

میراثی ماندگار: دکتر دستور با همکاری دکتر مارتین کول، روان‌پزشک سالمندان و استاد روان‌پزشکی دانشگاه مک‌گیل، «مقیاس سلسله‌مراتبی زوال عقل» (HDS) را برای ارزیابی و پیش‌آگهی زوال عقل طراحی کرد؛ ابزاری که بعدها به یکی از معیارهای استاندارد این حوزه تبدیل شد.

این مقیاس هنوز هم به‌طور گسترده توسط پزشکان در سراسر جهان استفاده می‌شود و به بیماران بی‌شماری کمک کرده است تا مراقبت‌های مناسب‌تری دریافت کنند و پژوهشگران نیز درک دقیق‌تری از روند پیشرفت زوال عقل به دست آورند. اهمیت این دستاورد را نمی‌توان نادیده گرفت. در دورانی که ارزیابی زوال عقل اغلب بر قضاوت‌های شخصی و روش‌های ناهماهنگ استوار بود، HDS رویکردی نظام‌مند و مرحله‌بندی‌شده ارائه داد که امکان تشخیص دقیق‌تر، پیش‌بینی بهتر روند بیماری و برنامه‌ریزی درمانی مؤثرتر را فراهم می‌کرد.

**رهبری علمی و بالینی:**

مسیر حرفه‌ای دکتر دستور پیوسته رو به پیشرفت بود. او به‌عنوان استادیار در دانشکده روان‌پزشکی دانشگاه مک‌گیل و عضو مرکز مطالعات سالمندی مک‌گیل فعالیت کرد. همچنین به‌عنوان سرپرست بالینی در گروه روان‌شناسی دانشگاه‌های کنکوردیا، مک‌گیل و مونترآل، نسل تازه‌ای از روان‌شناسان بالینی را آموزش داد.

**دگرگون کردن مراقبت از بیماران از طریق طراحی محیط درمان:**

دیدگاه دکتر دستور تنها به درمان پزشکی محدود نمی‌شد، بلکه کل فضای مراقبتی را دربر می‌گرفت. او نقشی اساسی در ایجاد نخستین برنامه تخصصی کبک برای بیماران مبتلا به زوال عقل همراه با اختلالات روان‌پزشکی در بیمارستان داگلاس داشت؛ برنامه‌ای که مدلی جامع از مراقبت پیوسته ارائه می‌داد و شامل مرکز روزانه، کلینیک حافظه و بخشی با ۱۸ تخت بستری بود.

او از سال ۱۹۹۸ تا زمان بازنشستگی‌اش در ۲۰۱۳، به‌عنوان مدیر بالینی و اجرایی برنامه زوال عقل در مؤسسه داگلاس فعالیت کرد و نقش مهمی در شکل‌دادن به سیاست‌ها و شیوه‌های درمانی این مرکز داشت. مقالات متعدد و سخنرانی‌های بین‌المللی او درباره بیماری آلزایمر، نوآوری‌های مونترآل را به جامعه پزشکی جهان معرفی کرد.

**ساختن جامعه زرتشتی در آمریکای شمالی:**

دکتر دالی دستور هم‌زمان با تثبیت جایگاه حرفه‌ای خود، بخش بزرگی از زندگی‌اش را صرف حفظ و تقویت جامعه زرتشتی در سرزمین تازه‌اش کرد.

**رهبری در کبک (۱۹۷۹-۱۹۸۱):**

او از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ ریاست انجمن زرتشتیان کبک (ZAQ) را بر عهده داشت؛ دوره‌ای هفت‌ساله که مقطع زمانی مهمی در شکل‌گیری و رشد این جامعه به شمار می‌رفت. در آن سال‌ها، بسیاری از زرتشتیان تازه به کبک مهاجرت کرده بودند و در تلاش بودند ضمن سازگاری با جامعه جدید، سنت‌ها و هویت فرهنگی خود را نیز حفظ کنند.

توانایی دکتر دستور در ایجاد پیوند میان زندگی حرفه‌ای‌اش در جامعه کانادایی و تعهد عمیقش به جامعه دینی خود، او را به رهبری ایده‌آل برای این دوران گذار تبدیل کرده بود. او پیوندهای اجتماعی را تقویت کرد، از برنامه‌های فرهنگی حمایت نمود و در ایجاد زیرساخت‌هایی که به زرتشتیان کبک امکان حفظ هویت دینی و فرهنگی‌شان را می‌داد، نقشی کلیدی ایفا کرد.

**برگزاری کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی (۲۰۰۷):**

در سال ۱۹۸۲، زمانی که هنوز ریاست انجمن زرتشتیان کبک را بر عهده داشت، دکتر دستور ریاست کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی را نیز عهده‌دار شد. این رویداد بزرگ، زرتشتیانی از سراسر ایالات متحده و کانادا را گرد هم آورد تا درباره چالش‌های جامعه، تبادل تجربه‌ها و تقویت پیوند میان جوامع زرتشتی گفت‌وگو کنند.

موفقیت این کنگره، توانایی‌های مدیریتی و سازمان‌دهی دکتر دستور را به‌خوبی نشان داد و جایگاه او را به‌عنوان رهبری با نگاهی فراتر از مرزهای محلی و در مقیاسی قاره‌ای تثبیت کرد.

**ریاست فدراسیون فزانا: نگاهی در مقیاس قاره‌ای**

تأثیر دکتر دستور فراتر از مرزهای محلی رفت و سراسر آمریکای شمالی را دربر گرفت. او به‌عنوان رئیس فدراسیون انجمن‌های زرتشتی آمریکای شمالی

(FEZANA) فعالیت کرد؛ سازمانی فراگیر که نمایندگی ۲۷ انجمن عضو و حدود ۳۰ هزار زرتشتی در ایالات متحده و کانادا را بر عهده دارد.

دوران ریاست او هم‌زمان با مقطعی سرنوشت‌ساز برای جامعه زرتشتیان آمریکای شمالی بود؛ دوره‌ای که این جامعه از نسل نخست مهاجرانی که بیشتر بر حفظ سنت‌های فرهنگی ایرانی و هندی تمرکز داشتند، به‌تدریج به جامعه‌ای مهاجر و یکپارچه‌تر تبدیل می‌شد که می‌کوشید ضمن حفظ هویت دینی خود، حضوری فعال و کامل در زندگی آمریکای شمالی داشته باشد.

رهبری دکتر دستور و دانش عمیقش از سنت‌های زرتشتی، او را نزد سنت‌گرایان معتبر و مورد احترام می‌کرد. در عین حال، فعالیت‌های او در حوزه گفت‌وگوی بین‌ادیان باعث شده بود کسانی که خواهان تعامل بیشتر آیین زرتشتی با جهان معاصر بودند نیز به او اعتماد داشته باشند.

**هفتمین کنگره جهانی زرتشتیان (۲۰۰۰)**

در سال ۲۰۰۰، دکتر دستور ریاست مشترک هفتمین کنگره جهانی زرتشتیان را در هیوستون تگزاس بر عهده داشت. این رویداد از آن جهت اهمیت ویژه‌ای داشت که نخستین کنگره جهانی زرتشتیان بود که در آمریکای شمالی برگزار می‌شد؛ نمادی از جایگاه روزافزون جامعه زرتشتیان مهاجر در جهان.

کنگره جهانی زرتشتیان که هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شود، نزدیک‌ترین چیزی است که جامعه جهانی زرتشتی به یک گردهمایی فراگیر و متحد دارد. برنامه‌ریزی چنین رویدادی مستلزم هماهنگی میان جوامع زرتشتی در کشورهای مختلف، مدیریت تدارکات پیچیده، و طراحی برنامه‌هایی با اهداف گوناگون مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی است.

کنگره هیوستون هزاران زرتشتی را از ایران، هند، پاکستان، ایالات متحده، کانادا، بریتانیا، استرالیا و دیگر کشورها گرد هم آورد. برای بسیاری از زرتشتیان مهاجر، این گردهمایی تجربه‌ای امیدبخش و هویت‌آفرین بود؛ نشانه‌ای از اینکه جامعه زرتشتی، با وجود جمعیت اندک و پراکندگی جغرافیایی، همچنان پویا و متحد باقی مانده است.

**مجله فزانا: نزدیک به دو دهه رهبری تحریریه**

دکتر دستور از بهار ۲۰۰۶ تاکنون سردبیر اصلی مجله فزانا، نشریه رسمی و شاخص این فدراسیون، بوده است. این دوره که اکنون به دو دهه نزدیک می‌شود، یکی از طولانی‌ترین و اثرگذارترین دوره‌های سردبیری در رسانه‌های زرتشتی آمریکای شمالی به‌شمار می‌رود.

**ثبت تاریخ زندگی جامعه زرتشتی**

در دوران سردبیری دکتر دستور، این مجله به مهم‌ترین سند تاریخی زندگی زرتشتیان آمریکای شمالی در آغاز قرن بیست‌ویکم تبدیل شد. مجله هر سال چهار بار منتشر می‌شود و رویدادهای اجتماعی، مباحث دینی، تغییرات جمعیتی، فعالیت‌های بین‌ادیانی و تجربه‌های روزمره زرتشتیان در زندگی آمریکای شمالی را ثبت و مستند می‌کند.

دکتر دستور به‌خوبی می‌دانست که صرفاً یک خبرنگار یا مجله منتشر نمی‌کند؛ بلکه در حال ساختن آرشیوی تاریخی برای نسل‌های آینده است.

این مجله نقشی مهم در ایجاد حس پیوند و هویت مشترک میان زرتشتیان ایفا کرده است. رویکرد تحریریه دکتر دستور نیز به‌گونه‌ای بوده که صداها و دیدگاه‌های متنوع، از مناطق مختلف، نسل‌های گوناگون و گرایش‌های متفاوت، همگی جایگاهی در نشریه داشته باشند.

**شماره‌های ویژه و موضوعات مهم جامعه**

در دوران مدیریت دکتر دستور، مجله فزانا شماره‌های ویژه متعددی درباره موضوعات مهم و تأثیرگذار جامعه منتشر کرد، از جمله:

- **بیستمین سالگرد فزانا (تابستان ۲۰۰۷):** نگاهی جامع به دو دهه نخست فعالیت این فدراسیون
- **۲۵ زرتشتی تأثیرگذار آمریکای شمالی (تابستان ۲۰۱۲):** منتشر شده به مناسبت بیست‌وپنجمین سال تأسیس فزانا. نام این «۲۵ زرتشتی تأثیرگذار آمریکای شمالی» در جلد ۲۶ شماره تابستان/اوت ۲۰۱۲ مجله فزانا آمده است.
- **منشور کوروش (تابستان ۲۰۱۳):** هم‌زمان با نمایش این اثر در آمریکای شمالی، همراه با تصاویر ماندگار و مقالات پژوهشی درباره میراث زرتشتی
- **سالمندی در آمریکای شمالی (پاییز ۲۰۱۶):** بررسی نیازهای زرتشتیان بالای ۵۵ سال

● **برابری جنسیتی (زمستان ۲۰۱۶):** نگاهی به نقش زنان در جوامع زرتشتی  
● **سی‌امین سالگرد فزانا (بهار ۲۰۱۷):** شماره‌ای که خود دکتر دستور به‌عنوان سردبیر مهمان تهیه کرد.

● **علم و معنویت (پاییز ۲۰۱۷):** بررسی پیوند اندیشه زرتشتی و علم مدرن  
● **رهبران نوظهور (بهار ۲۰۱۸):** معرفی نسل تازه رهبران جامعه  
این شماره‌های موضوعی، چشم‌انداز تحریریه دکتر دستور را به‌خوبی نشان می‌دهند: پرداختن هم‌زمان به پرسش‌های ماندگار دینی و چالش‌های معاصر؛ حفظ سنت در کنار تعامل با جهان مدرن.

#### دقت و حرفه‌ای‌گری در کار تحریریه

دکتر دستور همان دقت و سخت‌گیری‌ای را که در پژوهش‌های علمی خود داشت، به کار تحریریه نیز وارد کرد:

کیفیت بالای طراحی و انتشار، همراه با عکس‌های حرفه‌ای و ارائه بصری دقیق پایبندی به اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، از جمله بررسی صحت اطلاعات و منابع ارائه دیدگاه‌های متنوع درباره مسائل بحث‌برانگیز حفظ استانداردهای علمی در کنار نثر روان و قابل‌فهم وجود بخش‌هایی به زبان فارسی برای اعضای فارسی‌زبان جامعه او همچنین تیمی متعهد و حرفه‌ای را گرد هم آورد و سال‌ها حفظ کرد؛ از جمله لیلای ام. آلفونس به‌عنوان مشاور تحریریه، شاهرخ خانی‌زاده در بخش گرافیک، و نویسندگان و ستون‌نویسان مختلف.

با انتشار چهار شماره در سال طی نزدیک به بیست سال، دکتر دستور بر انتشار حدود ۷۵ تا ۸۰ شماره نظارت داشته است؛ هر شماره معمولاً بیش از ۱۰۰ صفحه. این حجم عظیم کار، حاصل هزاران ساعت تلاش تحریریه و مستندسازی جامع زندگی زرتشتیان آمریکای شمالی است.

#### کمیته بورسیه تحصیلی: سرمایه‌گذاری برای آینده

دکتر دستور به‌عنوان رئیس کمیته بورسیه تحصیلی فزانا، بر اعطای صدها هزار دلار بورسیه به دانشجویان شایسته‌ی زرتشتی که در مسیر تحصیلات عالی بودند نظارت داشت.

این برنامه بورسیه در واقع سرمایه‌گذاری راهبردی برای آینده جامعه زرتشتی به‌شمار می‌رفت؛ حمایتی از جوانان مستعد زرتشتی در مسیر آموزشی و حرفه‌ای‌شان.

رهبری دکتر دستور در این حوزه تنها به مدیریت برنامه محدود نمی‌شد. او معیارهای روشنی برای انتخاب دریافت‌کنندگان بورسیه تعیین کرد، دامنه‌ی برنامه را گسترش داد، روند پیشرفت دانشجویان را پیگیری نمود و آن‌ها را تشویق کرد پس از تثبیت جایگاه حرفه‌ای خود، به جامعه بازگردند و به دیگران کمک کنند؛ چرخه‌ای پایدار از حمایت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

#### پارلمان ادیان جهان: رهبری جهانی در گفت‌وگوی بین ادیان

##### انتصابی تاریخی (۲۰۱۶)

در سال ۲۰۱۶، دکتر دستور به‌عنوان عضو هیئت امنای پارلمان ادیان جهان انتخاب شد و در آن زمان تنها زرتشتی حاضر در این هیئت بود. انتخاب او نشان‌دهنده این باور بود که می‌تواند با نگاهی بین‌ادیانی - نگاهی که ریشه در هویت زرتشتی‌اش داشت اما به آن محدود نمی‌شد - در مواجهه با چالش‌های بشریت نقش‌آفرین باشد.

پارلمان ادیان جهان که نخستین‌بار در سال ۱۸۹۳ در شیکاگو برگزار شد، قدیمی‌ترین، بزرگ‌ترین و فراگیرترین گردهمایی بین‌ادیانی جهان به‌شمار می‌رود. مأموریت آن ایجاد همدلی و همکاری میان جوامع دینی و معنوی جهان و تقویت تعامل آن‌ها با نهادهای اثرگذار جهانی برای ساختن جهانی عادلانه‌تر، صلح‌آمیزتر و پایدارتر است.

##### رسیدن به مقام نایب‌رئیس (۲۰۲۰-۲۰۲۲)

نقش‌آفرینی مؤثر دکتر دستور باعث شد به مقام نایب‌رئیس هیئت امنای برسد؛ یکی از عالی‌ترین جایگاه‌های رهبری در جنبش جهانی گفت‌وگوی بین ادیان. او در این جایگاه، پارلمان را در یکی از دشوارترین دوره‌هایش - دوران همه‌گیری کووید-۱۹ - همراهی کرد؛ دوره‌ای که نیازمند بازاندیشی در شیوه گردهمایی و گفت‌وگوی ادیان جهان در فضای مجازی بود.

سه دوره حضور او در هیئت امنای برخی از مهم‌ترین گردهمایی‌های پارلمان هم‌زمان شد؛ از جمله پارلمان تورنتو در سال ۲۰۱۸ و پارلمان مجازی ۲۰۲۱.

#### پر رنگ کردن حضور زرتشتیان در عرصه جهانی

تلاش و پیگیری دالی دستور باعث شد آیین زرتشتی در پارلمان ۲۰۱۸ تورنتو و پارلمان مجازی ۲۰۲۱ حضوری گسترده، اثرگذار و معنادار داشته باشد. این حضور کاملاً هدفمند بود؛ او باور داشت که زرتشتیان، با وجود جمعیت اندکشان در جهان، دیدگاه‌های ارزشمندی برای گفت‌وگوی بین ادیان، حفاظت از محیط‌زیست و اخلاق‌مداری در زندگی دارند.

#### دفاع از کرامت زنان

دکتر دستور عضو کارگروه زنان پارلمان ادیان جهان نیز بود و تلاش می‌کرد صدای زنان و دیدگاه‌های آنان جایگاهی محوری در گفت‌وگوهای بین‌ادیانی داشته باشد. در فوریه ۲۰۱۷، او به‌عنوان سخنران ویژه در نشست ویدئویی جهانی با موضوع «کرامت زنان در ادیان جهان» شرکت کرد.

کارگروه زنان پارلمان، رهبری زنان در ادیان مختلف را ارج می‌نهد و به دنبال راه‌هایی برای تقویت همزیستی و همدلی بین ادیان از طریق برجسته‌کردن نقش زنان است. حضور دکتر دستور در این مجموعه، تلفیقی از تجربه‌ی حرفه‌ای، رهبری اجتماعی و نگاه بین‌ادیانی اوست.

#### آنچه او را به رهبری مؤثر تبدیل کرد

توانایی کم‌نظیر دکتر دالی دستور در ایجاد پیوند میان جهان‌های متفاوت، او را به عضوی اثرگذار در پارلمان تبدیل کرده بود:

● **دقت علمی:** پیشینه او در روان‌شناسی و پژوهش درباره زوال عقل باعث می‌شد با رویکردی مبتنی بر شواهد و تحلیل علمی به گفت‌وگوهای بین‌ادیانی نگاه کند.

● **تجربه رهبری اجتماعی:** دهه‌ها مدیریت در نهادهای زرتشتی، مهارت ایجاد تفاهم و اجماع را در او پرورش داده بود.

● **درک فرهنگی عمیق:** زندگی در هند، نیجریه و کانادا، نگاه او را نسبت به تفاوت‌های فرهنگی گسترده و عمیق کرده بود.

● **حمایت از حقوق زنان:** فعالیت‌های او در زونتا و سازمان ملل، تعهدش به برابری جنسیتی را تقویت کرده بود.

● **او به‌خوبی فایده‌ی مأموریت پارلمان بود:** «اندیشیدن در مقیاس جهانی» و پرداختن به چالش‌هایی که همه بشریت با آن روبرو هستند؛ از تغییرات اقلیمی و حقوق زنان گرفته تا حل منازعات و نقش دین در گسترش صلح و عدالت.

#### میراث و ادامه راه

وقتی دکتر دستور در پایان سال ۲۰۲۱ از هیئت امنای پارلمان کناره‌گیری کرد، فزانا از او به‌عنوان «مدافع و نماینده برجسته آیین ما در این صحنه جهانی» قدردانی کرد.

جانشین او، مهروخ متافرام، جایگاهی را در یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌ادیانی جهان به ارث برد که دکتر دستور پایه‌های آن را بنا کرده بود.

#### حمایت از زنان در عرصه‌های گوناگون

تعهد دکتر دستور به توانمندسازی زنان در سطوح مختلف، از عرصه‌های جهانی تا فعالیت‌های محلی، نمود پیدا کرد.

#### زونتا اینترنشنال

او به‌عنوان عضو سازمان زونتا اینترنشنال و رئیس بین‌المللی کمیته «جایگاه زنان» این سازمان، در زمینه حمایت از حقوق زنان و توانمندسازی آنان در سطح جهانی فعالیت می‌کرد. تمرکز زونتا بر ارتقای جایگاه زنان در سراسر جهان، کاملاً با ارزش‌ها و تخصص دکتر دستور همسو بود.

#### سازمان ملل متحد

دکتر دستور در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد نیز حضور داشت و در آنجا، هم از دانش حرفه‌ای خود بهره می‌گرفت و هم از تجربه‌اش به‌عنوان زنی پیشرو در جوامع دینی و علمی. او توانست میان فعالیت‌های محلی‌اش در مونت‌آل و تلاش‌های جهانی برای دفاع از حقوق زنان پیوند برقرار کند.

#### شورای زنان مونت‌آل

او در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ ریاست شورای زنان مونت‌آل را بر عهده داشت و در این جایگاه نیز به فعالیت‌های اجتماعی و حقوق زنان ادامه داد. دکتر دستور باور داشت که ایجاد تغییر واقعی نیازمند حضور و مشارکت در همه سطوح است؛ از نهادهای بین‌المللی گرفته تا سازمان‌های محلی.

**پلی زنده میان جهان‌ها**

زندگی دکتر دالی دستور نمونه‌ای از برتری هم‌زمان در چندین عرصه است. او هرگز ناچار نشد میان موفقیت حرفه‌ای و خدمت به جامعه، میان دقت علمی و تعهد معنوی، یا میان شهروندی کانادا و هویت زرتشتی یکی را انتخاب کند. کار او در حوزه مراقبت از بیماران مبتلا به زوال عقل، ریشه در درک فرهنگی عمیقش از مفهوم خانواده و اجتماع داشت. رهبری او در جامعه زرتشتی از دانش حرفه‌ای‌اش در پژوهش، سازمان‌دهی و ارتباطات بهره برده است. فعالیت‌های بین‌ادیانی‌اش نیز از پیوند عمیقش با سنت زرتشتی و توانایی‌اش در تعامل سازنده میان فرهنگ‌های مختلف قدرت گرفته است.

**میراث و تأثیر ماندگار**

اکنون در دهه هشتم زندگی، دکتر دستور همچنان به تأثیرگذاری خود ادامه می‌دهد. مقیاس سلسله‌مراتبی زوال عقل همچنان توسط پزشکان در سراسر جهان استفاده می‌شود. انجمن آلزایمر که او از بنیان‌گذارانش بوده، هنوز به خانواده‌های مونترآل خدمات ارائه می‌دهد. بورسیه‌ای که به نام او ایجاد شده، همچنان از پژوهشگران جوان حمایت می‌کند. و مجله‌ای که او سردبیر آن است، همچنان در حال ثبت و تقویت جامعه زرتشتی است.

اما شاید مهم‌ترین میراث او، الگویی است که از «شهروندی مسئولانه و فعال» ارائه می‌دهد: ترکیب پیش‌تاز بودن در حرفه همراه با خدمت اجتماعی، دقت علمی همراه با حفظ فرهنگ، و دستاوردهای فردی همراه با مسئولیت‌های جمعی.

**جمع‌بندی: زندگی‌ای بر پایه اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک**

از مبنی تا نیجریه و مونترآل، از پژوهش در شاخه‌ی روان‌پزشکی تا نوآوری در مراقبت از زوال عقل، از رهبری جامعه‌ی محلی تا گفت‌وگوی جهانی میان ادیان، دکتر دستور همواره نشان داده است که موفقیت و خدمت نه دو ارزش متضاد، بلکه مکمل یکدیگرند.

او از طریق کار علمی خود به کاهش رنج انسان‌ها کمک کرده است؛ از طریق رهبری اجتماعی‌اش، پیوندهای فرهنگی را تقویت کرده است؛ از طریق فعالیت‌های بین‌ادیانی، پله‌هایی از تفاهم ساخته است؛ و از طریق تلاش‌هایش در حمایت از زنان، برای عدالت گام برداشته است.

در شخصیت دکتر دالی دستور، نه فقط یک متخصص برجسته یا یک رهبر اجتماعی متعهد، بلکه تجسمی کامل از این حقیقت دیده می‌شود که معنادارترین زندگی، زندگی در خدمت دیگران است — اصلی که فراتر از هر سنت دینی بوده و به‌زیباترین شکل در ارزش‌های زرتشتی که مسیر زندگی او را هدایت کرده‌اند نمود یافته است.

«آیین ما به ما می‌آموزد که دین خود به جامعه را ادا کنیم.» — دکتر دالی دستور



او همچنین نایب‌رئیس «اوبرژ ما دلن» بود؛ پناهگاهی برای زنان بی‌خانمان. این مسئولیت نشان‌دهنده تعهد عمیق او به حمایت از آسیب‌پذیرترین افراد جامعه بود؛ ارزشی که ریشه در آموزه‌های زرتشتی داشت. او در این مسیر، دانش و تجربه حرفه‌ای خود در حوزه سلامت روان و خدمات اجتماعی را نیز به کار گرفت.

**تقدیرها و افتخارات**

دستاوردهای دکتر دستور، هم در عرصه علمی و هم در خدمت به جامعه، بارها مورد تقدیر قرار گرفت:

جایزه‌ی Outstanding Zarathushti (۱۹۹۴): تقدیر جامعه زرتشتی از خدمات او  
«۲۵ زرتشتی برجسته و تأثیرگذار» (۲۰۱۲): انتخاب به‌عنوان یکی از اثرگذارترین زرتشتیان دوران معاصر

جایزه یک عمر دستاورد MCSA (۲۰۱۹): از سوی مرکز مطالعات سالمندی مک‌گیل، در قدردانی از فعالیت‌های او در حوزه مراقبت از بیماران مبتلا به زوال عقل از سال ۱۹۷۳

جایزه یک عمر دستاورد فزانا (۲۰۲۴): به پاس خدمات برجسته او به جامعه جهانی زرتشتی، رهبری بین‌ادیانی، و پیشرفت در روان‌شناسی بالینی و پژوهش‌های زوال عقل

**در متن تقدیرنامه فزانا در سال ۲۰۲۴ آمده بود که:**

«دستاوردهای دکتر دستور همچنان نسل‌های مختلف را الهام می‌بخشد تا در مسیر تعالی گام بردارند و در عین وفاداری به میراث فرهنگی خود، نقشی معنادار در جامعه گسترده‌تر ایفا کنند.»

**هدیه هشتادسالگی: جایزه پژوهشی دکتر دالی دستور (۲۰۲۴)**

در سال ۲۰۲۰ و هم‌زمان با هشتادمین سالروز تولدش، دکتر دستور به‌جای دریافت هدیه، تصمیم گرفت خود هدیه‌ای ماندگار ببخشد. او به همراه خانواده‌اش «جایزه پژوهشی دکتر دالی دستور» را در دانشگاه مک‌گیل بنیان گذاشت تا از دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشکده فیزیوتراپی و کاردرمانی که در زمینه پژوهش‌های مرتبط با زوال عقل فعالیت می‌کنند حمایت شود.

ایجاد این صندوق به پیشنهاد پسرش زوبین (BEng'۹۱) به میراثی خانوادگی تبدیل شد که نه تنها از دکتر دستور، بلکه از پیوند عمیق خانواده او با دانشگاه مک‌گیل نیز تجلیل می‌کرد؛ از جمله فرهاد (BSc'۸۸)، ناتاشا (MDCM'۹۶)، عروسش یاسمین (MSc'۹۲) و نوه‌اش جهان که در آن زمان در دانشگاه مک‌گیل تحصیل می‌کرد.

**بازنشستگی و نداوم فعالیت (۲۰۱۴-تاکنون)**

دکتر دستور در سال ۲۰۱۳ از سمت‌های خود شامل استادیار بخش روان‌پزشکی، مدیر مشترک برنامه‌ی اختلالات شناختی همراه با بیماری‌های روان‌پزشکی در مرکز لوین، و عضو مرکز مطالعات سالمندی دانشگاه مک‌گیل بازنشسته شد. اما بازنشستگی به معنای کناره‌گیری از فعالیت نبود. او همچنان به فعالیت‌های زیر ادامه داد:

- ایراد سخنرانی‌های عمومی درباره حافظه و سالمندی موفق
- ارائه مشاوره به مراقبان بیماران در زمینه مدیریت استرس
- ادامه سردبیری مجله فزانا (FEZANA Journal)
- ریاست کمیته بورسیه تحصیلی فزانا
- مشارکت در گفت‌وگوها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی جامعه
- در سال ۲۰۲۲، او به‌همراه نواز مرچنت مقاله‌ای تحلیلی با عنوان «پیری در جهان زرتشتی» منتشر کرد؛ جمع‌بندی‌ای شایسته از تخصص او در حوزه سالمندی و تعهدش به جامعه

**خانواده و فلسفه‌ی شخصی**

در سراسر مسیر حرفه‌ای چشمگیری، دکتر دستور همواره پیوندهای عمیق خانوادگی خود را حفظ کرده و کارش را بر پایه ارزش‌های زرتشتی بنا کرده است. او ساده می‌گوید: «آیین ما به ما می‌آموزد که دین خود به جامعه را ادا کنیم.» او به یاد می‌آورد زمانی که پس از درگذشت والدینش خانه آن‌ها را مرتب می‌کرد، «ده‌ها رسید کمک‌های خیریه» پیدا کرد؛ نشانه‌ای روشن از اینکه سخاوت از کودکی در زندگی او نهادینه شده بود. این سنت، که ریشه در آموزه‌های



# سنج

## ساز نامکار شاهنامه

### مینا عرشی

می‌خواهد با جنبیدن رخس از جای آنها نیز سنج و درای بکوبند:

بکوبید چون من بجنبم ز جای  
 زمین را سراسر کنید آبنوس  
 شمایم بر فرازید سنج و درای

بگرد سواران و آوای کوس  
 در داستان بهرام گور هنگامی که مرد دهقان همراه گرازی نزد پادشاه می‌رود و از  
 پنهان شدن احتمالی گنجی در زمینش وی را آگاه می‌گرداند، در چگونگی پی بردن  
 به گنج می‌گوید:

شگفتی خروشی به گوش آدمم  
 کزان بیم جای خروش آدمم  
 همی اندران جای آواز سنج

خروشش همی ره نماید به گنج  
 در هنر نمایی انوشیروان در میدان‌گاه رزم برابر فرستادگان چینی گفته شده است:  
 خروش آمد و ناله‌ی کرنای

هم از پشت پیلان جرنگ درای  
 تیریه زنان پیش بردند سنج  
 زمین آمد از سم اسبان برنج

در پی بی‌احترامی فرزند قیصر پس از مرگ پدرش، انوشیروان فرستاده‌ای را همراه  
 نامه‌ای نزد فرزند وی روانه می‌سازد، اما قیصر جوان با وی به زشتی رفتار کرده با  
 بی‌احترامی فرستاده را باز می‌گرداند، انوشیروان از این برخورد رنجیده‌خاطر گشته  
 همراه سپاهی به سوی روم می‌تازد تا به گفته‌ی خود روم را زان پس شوم سازد:  
 بفرمود تا بر درش کرنای

دمیدند با سنج و هندی درای  
 همه کوس بر کوهی ژنده پیل  
 بیستند و شد روی گیتی چو نیل

در شبیخون زدن پیران درمرز ایران و کشتن شبانان ایرانی چنین آمده است:  
 گزین کرد زان لشکر نامدار

سواران شمشیر زن سی هزار  
 برفتند نیمی گذشته ز شب  
 نه بانگ تیریه نه بوق و جلب

پس از پیروزی سپاه ایران در نبرد یازده رخ هنگامی که ترکان به دشت نبرد می‌روند  
 و پهلوانان خود را کشته می‌بینند سوگواری و فغان آنان را چنین بیان کرده است:  
 که گرد شد دشت چون تیره شب

شگفتی برآمد ز هرسو جلب  
 خروشیدن کوس با کرنای  
 بجنباند آن دشت گویی ز جای

درنبرد بزرگ کیخسرو با افراسیاب پس از گذشتن خسرو از جیحون در نبرد دوباره  
 وی با افراسیاب آمده است:  
 چو آمد به نزدیک گلزیون

زمین شد بسان که بیستون  
 همی لشکر آمد سه روز و سه شب  
 جهان شد پرآشوب جنگ

سنج (پهلوی = zil) که آن را چلب، چلب و جلب نیز می‌نامند، یکی از ابزارهای  
 موسیقی است که کوتاه شده‌ی سرنج است. در زبان هندی آن را جهانج گویند و در  
 تازی سنج نوشته می‌شود. گویا در ایران این ساز گونه‌ای از ساز چنگ بوده است  
 که بعدها از میان رفته و یا با همان نام چنگ از آن یاد شده و نام سنج با توجه به  
 گونه‌ی تازی آن به همان سازی گفته شده که عرب آن را صنج می‌نامد، چنان‌که در  
 مفاتیح العلوم خوارزمی آمده است: «سنجی که عرب بدان آشناست آن است که از  
 مس سازند و یکی را بر دیگری کوبند، اما آن سنج که تارها دارد مخصوص عجم و  
 معرب است.» همچنین زمخشری زیر واژه‌ی چنگ آورده است: «(چنگ) بر دو قسم  
 است یکی دو صفحه‌ی برنجین که بر هم زنند و دیگر را که چنگ یا صنج ذوالاوتار  
 گویند و وترش از ابریشم بوده و از قبیل عود و چغانه و جز آن باشد.» بنابراین  
 می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که سنجی که در ایران نواخته می‌شده است سازی  
 زهی و بزهی بوده است اما سنجی که عرب بدان آشنا بوده است سازی کوبه‌ای بوده  
 که امروزه نیز نواخته می‌شود. اما از اینکه چگونه این دو گونه‌ی متفاوت نام یکسانی  
 یافته‌اند آگاهی در دست نیست.

فردوسی در شاهنامه از سنج و جلب هر دو، به شمار یکسان نام برده است در  
 شاهنامه این ساز، همان ساز کوبه‌ای است که در جنگ‌ها همراه درای و کوس و  
 گاووم به صدا درمی‌آید این ساز هر چند سازی رزمی است اما گاه در پیشواز و یا  
 میدان هنرنمایی بزرگان نیز نواخته می‌شود.

در رقتن سام به خواست منوچهر، پس از آگاهی پادشاه از دلدادگی زال به رودابه،  
 به بارگاه وی در پذیرایی از او آورده شده است:  
 سپاهی که از کوه تا کوه مرد

سپر در سپر ساخته سرخ و زرد  
 ابا کوس و با نای رویین و سنج  
 ابا تازی اسپان و پیلان و گنج

در آزمون منوچهر زال را در هنرهای رزمی و آماده ساختن میدان برای هنرنمایی  
 زال آمده است:  
 بفرمود تا سنج و هندی درای

به میدان گذارند با کرنای  
 ابا نیزه و گرز و تیر و کمان  
 برفتند گردان همه شادمان

پس از شکست بربرستان از کاوس شاه هنگامی که پیران آن دیار نزد کاوس رفته  
 و خود را بازگذار ایران می‌خوانند، کاوس خواهش آنان را پذیرفته، آنان را می‌بخشد  
 سپس به سوی مکران حرکت می‌کند:  
 ببخشود کاوس و بنواختشان

یکی راه و آیین نو ساختشان  
 وزان جایگه بانگ سنج و درای  
 برآمد ابا ناله کرنای

در داستان گوی زدن سیاوش با افراسیاب در میدان چوگان آورده شده است:  
 خروش تیریه ز میدان بخاست  
 همی خاک با آسمان گشت راست

از آوای سنج و دم کره نای  
 تو گفتمی بجنبید میدان ز جای  
 در نبرد رستم با شنگل و خاقان هنگامی که وی به میدان می‌رود از ایرانیان



## حیوانات؛ آینهای برای انسان است

سوسن کیانی یزدی

حیوانات برخلاف انسان، به طبیعت آسیب نمی‌زنند، محیط زیست را تخریب نمی‌کنند، آب و خاک و هوا را آلوده نمی‌سازند و منابع طبیعی را به هدر نمی‌دهند.

تصور کنید اگر حیوانات قدرت سخن گفتن داشتند، بی‌گمان از شیوه زندگی ما شکایت می‌کردند؛ اینکه چرا به طبیعت آسیب می‌زنیم، جنگ می‌کنیم، اسراف می‌کنیم و حتی به خود حیوانات ظلم روا می‌داریم.

چه خوب بود اگر ما انسان‌ها کمی از غرور خود می‌کاستیم و از طبیعت و حیوانات درس می‌آموختیم؛ از وفاداری بی‌قید و شرط سگ، آزادگی و پرواز پرندگان، و تلاش و پشتکار زنبور و مورچه.

شاید جالب باشد بدانیم که بسیاری از فناوری‌های پزشکی و مهندسی امروز نیز الهام‌گرفته از دنیای حیوانات هستند؛ از ربات‌های زنبوری گرفته تا پهپادهایی الهام‌گرفته از سنجاب پرنده و حتی سوزن‌های جراحی بدون درد که ساختاری شبیه خرطوم پشه دارند.

به یاد داشته باشیم که حیوانات نیز مانند انسان‌ها حق حیات دارند و شایسته احترام‌اند. برای برخی انسان‌ها این احترام تا آنجا اهمیت دارد که به گیاهخواری روی می‌آورند، زیرا باور دارند حیوانات نباید خورده شوند.

حتی در اوستا، در بخشی از «ستایش با خدا»، در کنار آتش، آب، زمین و مردم، از گوسفند نیز نام برده شده است. همچنین می‌دانیم که در آیین هندو، گاو موجودی مقدس و قابل احترام است.

گاندی نیز به زیبایی گفته است:

«عظمت یک ملت و پیشرفت اخلاقی آن را می‌توان از نحوه رفتار آن ملت با حیوانات قضاوت کرد.»

گاهی فکر می‌کنم دنیای بدون حیوانات چه دنیای بی‌روح، غمگین و بی‌نشاطی می‌بود. وقتی در ذهنم دنبال دلیل این احساس می‌گردم، می‌بینم حیوانات موجوداتی بی‌تکلف و بی‌ریا هستند؛ خود واقعی‌شان هستند، در پی آزار دیگران نیستند و مانند دوستی واقعی به حرف‌هایت گوش می‌کنند. بی‌آزارند و ضرری به ما نمی‌رسانند و در یک کلام، از بسیاری از خصلت‌های ناپسندی که در وجود ما «اشرف مخلوقات» دیده می‌شود، دور هستند. شاید همین ویژگی‌هاست که آن‌ها را دوست داشتنی می‌کند.

ممکن است بسیاری از شما با این مقایسه موافق نباشید، اما هزاران پژوهش علمی درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های رفتاری، هوشی، بیولوژیکی، عاطفی و اجتماعی انسان و حیوانات انجام شده است.

برتری انسان نسبت به حیوان، در نیروی تفکر، خلاقیت و قدرت انتخاب اوست؛ در حالی که حیوانات بیشتر تابع غریزه هستند. انسان توانایی ساختن و در عین حال تخریب را دارد و همین ویژگی جهان را تغییر می‌دهد. این توانایی‌ها سبب برتری انسان می‌شود، اما اگر از این قدرت به درستی استفاده نکند، از انسانیت خود دور می‌شود. چنان‌که شیخ بهایی می‌فرماید:

آدمیزاده طرفه معجونی است  
کز فرشته سرشته وز حیوان  
گر کند میل این، شود کم از این  
ور کند میل آن، شود به از آن



## اورنج کانتی

روزهای یکشنبه در مرکز برگزار می‌شود.

برای آگاهی بیشتر درباره کلاس‌ها و نام‌نویسی، به تارنمای: [czc.org/art](http://czc.org/art) بنگرید.

به آگاهی می‌رسانیم که برای بهره‌مند شدن از مزایای مرکز، لازم است هموند مرکز شده و هموندی سالانه خود را نو کنید. هموندی مرکز از آغاز ژانویه تا پایان دسامبر همان سال اعتبار دارد.

گروه هموندی (Membership) مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، سامانه نوگردانی خودکار هموندی را راه‌اندازی کرده است. برای آگاهی بیشتر و راهنمایی درباره هموند شدن، به تارنمای: [membership.czc.org](http://membership.czc.org) بنگرید.

### حمایت از سلامت روانی در جامعه‌مان

در راستای آرمان‌های گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا - اورنج کانتی برای ایجاد محیطی حمایت‌گر و همدل در جامعه، با خوشحالی اعلام می‌کنیم که بخش سلامت روان از این پس در خبرنامه هفتگی ما گنجانده خواهد شد.

هدف از این بخش، افزایش آگاهی، کاهش برچسب‌زنی (استیگما) و ارائه منابع و مطالبی است که به بهبود سلامت روانی و عاطفی هموندان جامعه کمک کند. امیدواریم این بخش به منبعی برای حمایت، دلگرمی و گفت‌وگوی سازنده تبدیل شود.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با تلاش و همکاری داوخواهان (داوطلبان) گرمای جامعه‌مان رشد کرده و به راه خود ادامه داده است. بدون یاری شما، نگهداری این یادمان زرتشتی و فراهم کردن فضایی برای گردهمایی جامعه ممکن نبود.

اکنون از شما درخواست می‌کنیم، اگر به جامعه خود مهر می‌ورزید و دوست دارید در پیشرفت آن سهیم باشید، بخشی از وقت و توانایی خود را به‌گونه داوخواهانه در اختیار مرکز بگذارید. چه تنها چند ساعت زمان داشته باشید و چه مایل به همکاری گسترده‌تر باشید، یاری شما برای ما بسیار ارزشمند است.

ما در حال گردآوری اطلاعات داوخواهان هستیم تا در زمان نیاز بتوانیم با شما تماس بگیریم.

این مرکز به همه ما تعلق دارد و آرزو داریم برای نسل‌های آینده نیز پایدار و پویا بماند. بیایید با هم تلاش کنیم تا آن را زنده و فعال نگه داریم. اگر مایل به همکاری داوخواهانه هستید، به تارنمای مرکز مراجعه کرده و فرم مربوطه را پر کنید.

از هموندان گرمای درخواست می‌کنیم با دهش خود از مرکز زرتشتیان

گهنبار چهره همسپت‌میدیم‌گاه، که ویژه آفرینش انسان است، با همکاری گروه گهنبار، از ساعت ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۱۵ مارچ ۲۰۲۶، روز انارام ایزد، در مرکز برگزار شد.

آیین جاسبزبادِ روز نخست سال نو، در نخستین روز فروردین‌ماه، شنبه ۲۱ مارچ، از ساعت ۴ تا ۶ پسین در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار شد. در این روز، خانواده‌های روانشادان دولت یکتاهی (گنجی)، شیرین بهرامی (زایری) و روانشاد موبد رستم ثالث در مرکز حضور داشتند.

همزمان با آیین جاسبزباد تازه‌درگذشتگان در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، گروه بانوان سفره‌ای یادبود برای جاویدنامان ایران برپا کردند. این سفره در پاسداشت یاد و خاطره جاویدنامان ایران و برای سرافرازی میهن گسترده شد. جشن نوروز، زادروز اشوزرتشت و دید و بازدید نوروزی، با همکاری گروه جشن‌ها، از ساعت ۶ پسین روز شنبه ۲۸ مارچ، همراه با برنامه‌های شاد هنری و فرهنگی و با باشندگی شمار زیادی از همکیشان در مرکز برگزار گردید.

جشن فروردینگان (فرودگ)، با همکاری گروه بانوان و همراه با اوستاخوانی موبد اشکان باستانی، از ساعت ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۱۲ اپریل در مرکز برگزار شد و یاد و خاطره عزیزانی که دیگر در کنار ما نیستند گرمای داشته شد.

گهنبار چهره میدیوزرم‌گاه، با همکاری گروه گهنبار، از ساعت ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۳ می ۲۰۲۶ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا - اورنج کانتی برگزار شد. در ادامه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی مرکز، سخنرانی ویژه سلامت و بهداشت روان توسط آرمین سلامتی برگزار شد. در این نشست، به نقش کلیدی بهداشت روان در کیفیت زندگی، کاهش استرس و ایجاد آرامش درونی پرداخته شد تا با هم بیاموزیم، گفتگو کنیم و گامی به سوی زندگی سالم‌تر برداریم.

گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، کلاس‌های آموزش موسیقی شامل تار، پیانو، دف و تنبک را به‌صورت حضوری در مرکز برگزار می‌کند.

گروه‌نوازی و آموزش دف، توسط استاد آرزو کوچکان، برای همه گروه‌های سنی و در تمامی سطح‌ها، بامداد روزهای یکشنبه در مرکز برگزار می‌شود.

همچنین آموزش رقص دو نفره و گروهی برای پسران و دختران در گروه‌های سنی مختلف، توسط بانو پری با بیش از ۳۰ سال پیشینه آموزش، در سبک‌های ایرانی، هیپ‌هاپ، کاپل، ترکی، کردی، سماع، فلامینگو و باله،



### اوستاخوانی :

بانو منیژه غیرتی برای اوستا خوانی همسر و برادرشان روانشادان جهانگیر فریدون چمی و جمشید موبد مهربان غیرتی ۵۰ دلار. اوستا خوانی توسط موبد فریبرز شهزادی انجام و این مبلغ را به مرکز دهش نمودند. بانو ونوس و بیژن کشورستانی برای اوستا خوانی روانشادان زربانو آذرباد جهانبخش زاده و سرور صفاهانی ملک زاده و هماروانان ۱۵۲ دلار. آقای رستم قرئی کرمانی برای اوستا خوانی روانشادان سرور شهریاری و بهرام قرئی کرمانی و هماروانان ۲۰۲ دلار. آقای موبد فریبرز شهزادی مبلغ ۸۰۰ دلار برای اوستا خوانی های روانشاد فرنگیس خسروانی جم ترکی را به مرکز دهش نمودند. آقای بیژن شایسته برای اوستا خوانی روانشاد لهراسب اسفندیار شایسته ۶۰ دلار. بانو گیتی اردیبهشتی کسروی برای اوستا خوانی روانشاد مهندس ارسطو خداداد کسروی ۱۰۱ دلار. بانو سرور خسرو پورمزدایی برای اوستا خوانی روانشاد بیژن آذرباد مزدایی ۱۱۰ دلار. بانو پروین اشیدری از لندن برای اوستا خوانی های روانشاد دکتر شاپور همزاد اشیدری ۸۰ دلار. بانو دکتر نوشین و آقای هوشنگ فرهمند برای اوستا خوانی روانشاد همایون کیانی آبادی ۱۱۰ دلار.

### پرسه و درگذشتگان

به روان همه درگذشتگان پارسا درود باد  
 آیین پرسه روانشاد فرنگیس نمیری کلانتری در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار شد.  
 درگذشت روانشادان: فرنگیس نمیری کلانتری - رستم همتی - فرنگیس خسروانی جمترکی - مهندس تقی شرکا - دکتر شاپور همزاد آبادی و همایون کیانی آبادی را به خانواده های آن روانشادان و خانواده های وابسته و دوستان و آشنایان آرامش باد گفته، آموزش و شادی روان تازه درگذشتگان و تندرستی و دیرزیوی خانواده را از اهورامزدا خواهانیم.

### اسامی دهشمندان گهنبار

از تاریخ ۲۰۲۶/۰۴/۰۱ تا ۲۰۲۶/۰۳/۰۵ (سه چهره)  
 اسامی افرادی که ۵۰ دلار یا بیشتر برای برگزاری مراسم گهنبار دهش نموده اند:  
 کل هزینه گهنبار همسپت میدیم گاه (۲۰۲۵/۱۶/۰۳) به مبلغ ۳،۱۰۳ دلار، توسط خانم ها دکتر پریناز و افسانه، و آقای شهرام آبیاری، بنامگانه مادرشان روانشاد کیاندرخت باستانی اله آبادی، دخت مروارید و کیخسرو، دهش شده است. (این دهش پیش تر اعلام نشده بود.)

کالیفرنیا، که یکی از نهادهای شناخته شده زرتشتی در آمریکای شمالی است، پشتیبانی کنند.  
 در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، با ارائه کمک های پزشکی و آموزش های دینی، ارزش های اشا (راستی) و وهومن (نیک اندیشی) را زنده نگه می داریم و برای پیشبرد جامعه خود تلاش می کنیم.  
 با همیاری و کمک مالی خود، ما را در ادامه این راه یاری رسانید. سپاسگزاریم.  
 دهش شما از بخشودگی مالیاتی برخوردار است.

### دهشمندان:

بانو ایراندخت جهانیان ۶۵۰ دلار.  
 بانو مهوش فرزانه ۱۰۱ دلار.  
 آقای سیروس گنجی بنامگانه روانشاد دولت همان یکتاهی درآیین جاسبزباد نوروز ۱۰۱ دلار.  
 بانو فرزانه ثالث بنامگانه روانشاد موبدیار رستم بهرام ثالث درآیین جاسبزباد نوروز ۱۰۱ دلار.  
 بانو سیمین و آقای پرویز اردشیر پور ۲۰۲ برای دلاردهش و ناهار روز یکشنبه.  
 بانو مهرناز زائری بنامگانه روانشاد شیرین جمشید بهرامی درآیین جاسبزباد نوروز ۱۰۱ دلار.  
 آقای دکتر فرزین مهرداد ۱۰۰ دلار.  
 بانو منیژه غیرتی بنامگانه برادر و همسرشان روانشادان جمشید موبد مهربان غیرتی و جهانگیر فریدون چمی ۲۰۲ دلار.  
 خانم دکتر گوهر خسروی بنامگانه پدرشان روانشاد دکتر فریدون خسروی برای سایبان همیشگی مرکز ۵۰۰ دلار.  
 آقای شاهین باستانی ۵۰ دلار.  
 آقای دکتر بهرام و بانو مهناز فرهادیه ۱۰۰ دلار.  
 دهش شماری از دانشندان در سالن برای ناهار روز یکشنبه ۱۲ اپریل ۹۰۰ دلار.  
 بانو شیرین همایی بنامگانه روانشادان مهربان دینیار همایی و کامران بابک سهرابیان ۱۰۰۰۰ دلار.  
 آقای دکتر شهرام قندهاری زاده ۱۵۰۰ دلار.  
 دهش شماری از دانشندان در سالن برای ناهار روز یکشنبه ۲۶ اپریل ۱۵۰ دلار.  
 موجودی صندوق دهش نیا شگاه باز شده در روز یکشنبه ۲۶ اپریل ۱۱۵۲۰ دلار.  
 آقای امید پارسایی ۲۰۰ دلار.  
 بانو مهرناز معصومی ۳۰۰ دلار.  
 خیراندیش ۱۰۰ دلار.  
 آقای کورش آبادانی ۱۰۰ دلار.  
 آقای رستم شیرمردیان ۱۰۰ دلار.  
 آقای کورش ایرانزمینی ۱۰۰ دلار.  
 آقای آبتین فرهمند ۱۵۰ دلار.  
 بانو کتی کیخانزاده ابراهیمی ۴۰۰ دلار.  
 بانو مینا مهین ۱۱۰ دلار.  
 آقای پرویز مهین ۱۰۳ دلار.  
 آقای جمشید فرامرز ۲۵۰ دلار.  
 بانو مهرناز معصومی ۲۰۰ دلار.  
 آقای جک معلم ۵۱ دلار.  
 آقای فرزین نوروزی بنامگانه روانشادان منوچهر خداداد نوروزی - مهربایی خداداد نوروزی - مروارید نوشیروان یزدانی اله آبادی - شهریار خداداد باستانی اله آبادی ۴۰۴ دلار.  
 بانو دکتر نوشین و آقای هوشنگ فرهمند بنامگانه روانشاد همایون کیانی آبادی برای ناهار روز یکشنبه ۲۵۰ دلار.  
 آقای اردشیر باغخانیان بنامگانه روانشادان اختر و کیخسرو باغخانیان برای ناهار روز یکشنبه ۱۱۰ دلار.



آقایان داریوش، سیروس و مهرداد گنجی، بنامگانه مادرشان روانشاد دولت یکتایی

#### اسامی افرادی که ۱۰۰ دلار دهش نموده‌اند:

آقای آرمین سلامتی، بنامگانه پدرشان روانشاد هوشنگ سلامتی  
خانم شیرین مزدیسنی، بنامگانه روانشاد رستم نامدار مزدیسنی  
خانم هما و آقای خسرو اهورایی، برای تندرستی یک خیراندیش، به نیت تندرستی  
خانم شیرین خوش‌سر، بنامگانه همسرشان روانشاد فریبرز رستم خوش‌سر  
خانم مهیندخت یزدانی بیوکی و آقای برزو کوشش  
آقای کورش ایران‌زمین  
خانم شیرین فلفلی، بنامگانه روانشاد جمشید رستم دهموبد نصرآبادی  
خانم نپتون نیک‌انجام، بنامگانه روانشاد فردوس بخردان  
آقای دکتر رستم ولی، بنامگانه روانشادان ماه‌پرویز شاهویر، رستم خدارحم خسرو و رستم فریدون  
خانم دلارام مهررستمی، برای سلامتی شیرین و آقای بهرام مهررستمی  
خانم شیرین همایی، بنامگانه روانشادان مهربان همایی و نوه عزیزشان کامران سهرابیان  
آقای بابک خدادادی، بنامگانه روانشادان فرخنده رستم خدادادی و هرمزدار جهانبخش خدادادی  
یک خیراندیش  
آقای اردشیر سامیا کلانتری  
یک خیراندیش: ۸۰ دلار  
یک خیراندیش، بنامگانه روانشادان پروانه مهری، جهانگیر فلفلی و ایرج فرامرزی: ۷۰ دلار  
آقای مهربان دهموبد نصرآبادی، بنامگانه گهنبار اجدادی: ۶۰ دلار  
خانم شهرزاد و آقای کورش رتشتاری: ۵۱ دلار

#### اسامی افرادی که ۵۰ دلار دهش نموده‌اند:

خانم شیرین مستغنی، برای سلامتی جوانان  
خانم مهین پارسی، برای تندرستی خانواده  
خانم شهین گجگینی، بنامگانه روانشاد کتابون گجگینی  
خانم بهناز و آقای ایرج سلامتی، بنامگانه درگذشتگان  
خانم کیانوش بهدینان، برای سلامتی خانواده  
خانواده همایون مندگاری شریف‌آباد، بنامگانه روانشاد البرز کاموسی شریف‌آباد  
دو نفر خیراندیش  
خانم کتابون بهمن باستانی  
با سپاس فراوان از تمامی موبدان، دهشمندان و دیگر افرادی که همواره در برگزاری آیین گهنبارها به‌گونه داوخواهانه (داوطلبانه) خدمت کرده‌اند، برای همگی تندرستی، شادکامی و پیروزی آرزو داریم.

خانم‌ها فرشته، آرتیمیسی و پارمیس، به همراه آقای دکتر نیکان خطیبی: ۱۵۰۰ دلار

خانم فرزانه دینیاریان و آقای رستم رستمی عصرآبادی، بنامگانه روانشادان فریدون رشید رستمی عصرآبادی، سرور رشید دینیاریان، اردشیر بهرام خدادادی، شاپور بهمرد دینیاریان، فرنگیس خدارحم نوش‌زادی و دولت خدارحم نوش‌زادی، زحمت تهیه ۳۵۰ عدد نان خانگی را کشیده و آن را به باشندگان گهنبار میدیاریم‌گاه پیشکش کردند.

یک خیراندیش: ۵۰۰ دلار  
آقای شاه‌جهان کسروی: ۴۵۰ دلار  
خانم شیرین امانت، بنامگانه خانواده شاه‌وز: ۳۰۰ دلار  
خانم دکتر نوشین و آقای هوشنگ فرهنگ، بنامگانه روانشاد همایون کیانی‌آبادی: ۲۵۰ دلار  
خانم شهناز کیانیان و آقای کیخسرو کیانیان، بنامگانه روانشاد شاپور کیانیان و مروارید (آذرمیدخت کیانیان): ۲۵۰ دلار  
یک خیراندیش: ۲۲۰ دلار  
خانم مزده هروسف اورمزدی، بنامگانه عمویشان روانشاد دکتر هوشنگ هروسف: ۲۰۱ دلار

خانم فریبا مستغنی، برای سلامتی خانواده: ۲۰۰ دلار  
آقای مهران فلفلی، بنامگانه روانشادان ایرج فرامرزی، جهانگیر فلفلی و پروین مهری: ۲۰۰ دلار  
خانم نپتون نیک‌انجام، بنامگانه روانشاد فردوس بخردان: ۲۰۰ دلار  
آقای دینار دمهری، برای سلامتی خانواده و پیروزی ایران: ۱۵۱ دلار  
یک خیراندیش: ۱۵۰ دلار  
خانم شیرین خسروی، بنامگانه روانشادان سیمین ماوندادی و بهمن خسروی: ۱۱۰ دلار  
نیکو و کاوه مزدیسنی: ۱۲۰ دلار  
یک خیراندیش: ۱۲۰ دلار

خانم مینا و آقای کیخسرو سروشیان، برای سلامتی خانواده: ۱۱۶ دلار  
اسامی افرادی که ۱۰۱ دلار دهش نموده‌اند:  
آقای اردشیر باغخانیان، بنامگانه برادرشان روانشاد اردوان باغخانیان  
آقای سهیل سروشیانی، برای سلامتی خانواده  
خانم گوهر پوروفاداری، برای سلامتی همسرشان مهربان دهموبد نصرآبادی

یک خیراندیش، برای سلامتی نیکان خدادادی  
آقای فرهاد خسروی  
خانم گیتا یکتایی و آقای سیروس گنجی  
آقای اردشیر مهرشاهی، بنامگانه پدرشان روانشاد شهریار مهرشاهی  
آقای نیکان خدادادی  
آقای شهرام آذرکیوان، بنامگانه پدر و مادرشان روانشادان مهرپروین کرمانی و شهریار آذرکیوان



### سندیگو

گروه مدیران زرتشتیان سندیگو با افتخار گزارشی از عملکرد چشمگیر این مرکز را به آگاهی همکیشان گرامی میرساند. در تاریخ ۲۱ مارچ گروه جشن‌های مرکز زرتشتیان سندیگو برنامه دید و بازدید نوروزی را از ساعت ۱ تا ۵ پسین برگزار کرد.

جمع بسیار زیادی از ایرانیان زرتشتی و غیر زرتشتی و حتی غیر ایرانی در این جشن حضور بهم رساندند. در ابتدای ورود، دو نونهال زرتشتی با اینه و گلاب به میهمانان خوش آمد گویی کردند و سپس مردم به دید و بازدید پرداختند و با شیرینی‌های نوروزی و چای پذیرایی شدند. در ادامه با سرودن بندهایی از گاتها توسط دختران زرتشتی برنامه بصورت رسمی آغاز گردید. سپس همگی به احترام سرود ای ایران بر پا خاستند و به همخوانی این سرود پرداختند. پس از آن طی سخنرانی به تاریخچه نوروز و پیدایش آن اشاره شد. در ادامه گروه کر زرتشتیان سندیگو اولین اجرای خود را با هدایت استاد فرزند گودرزی به نمایش گذاشتند. این برنامه با استقبال بی‌نظیر باشندگان همراه بود. در میانه برنامه دو قطعه بسیار با ارزش از سفره هفت سین که توسط دو بانوی زرتشتی به صورت دست ساز تهیه شده بود بصورت مزایده با مبالغ بالا به فروش رسید و سود حاصل از فروش به مرکز زرتشتیان سندیگو هدیه شد. در انتها عمو نوروز با حضور ناگهانی بر صحنه، شور و شادی را برای کودکان و بزرگسالان به ارمغان آورد. شایان ذکر است که ماشین فروش خوراک‌های ایرانی در خارج از مرکز در طول مدت جشن در حال پخت و ارائه خوراک به باشندگان بود.

گروه گهنبار، در تاریخ ۱۱ آپریل، گهنبار چهره میدیوزرمگاه (آفرینش آسمان) را با دهش خانم پریچهر خرمایی به نامگانه همسرشان شادروان آقای دینیار خسرویانی برگزار کرد. اوستا خوانی این گهنبار توسط موبدان فریریز شهزادی، انوشه باستانی و دکتر بهرام فیروزگری انجام شد. برنامه‌های آینده مرکز:

گروه سرگرمی‌ها، تور یکروزه گردش به Valley Center را در تاریخ ۳۱ می و گردهمایی سفره همگانی BBQ در تاریخ ۱۳ جون برگزار خواهد کرد. گهنبار آینده در تاریخ ۲۸ جون گهنبار میدیوشهمگاه و جشن تیرگان به طور همزمان در پارک San Dieguito County Park به صورت سفره همگانی برگزار خواهد شد.

گردهمایی بزرگسالان زرتشتی سومین شنبه هر ماه از ساعت ۱۰:۳۰





بهرام بانکی ۱۰۱ دلار به یاد مادرش فرنگیس پارسى بانکی  
پانتیس سروش ۱۰۱ دلار به یاد مادر بزرگش همایون شاه گشتاسبی  
میترایزدانی بیوکی و کامبیزمرزبانى ۱۰۱ دلار  
شهریار زائری ۱۰۰ دلار برای گهنبار، به یاد مادرش فیروزه شهریاری کلانتری  
فرین ایرانپور ۱۰۰ دلار  
محمود عابدینی ۱۰۰ دلار  
سهراب خوبچهر ۱۰۰ دلار به یاد پدر و مادرش  
رائیتی و شهریار روارى ۸۱ دلار  
ماهرخ و فیروزه موتافرام ۵۱ دلار

### گزارش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا لوس آنجلس

گهنبار چهره همس پت میدیم گاه پسین روز دوشنبه ۱۶ مارچ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا لوس آنجلس برگزار شد. این گهنبار با اوستا خوانی موبدیاران کدبان پرویز منوچهری و بانوان نوشین جهانگیری، میترایزدانی و آرمیتا دلال همراه بود در این آیین همچنین به شرکت کنندگان در همایش اوستاخوانی که از سوی گروه فرهنگی اشتاد برگزار شده بود جوایزی اهدا شد. همچنین از باشندگان در گهنبار با لک، میوه، سیروگ و خوراک پذیرایی شد.

مراسم زیبا و سنتی چهارشنبه سوری شامگاه سه شنبه ۱۷ مارچ با باشندگی صدها نفر از همکیشان و ایرانیان شهر لوس آنجلس در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد و ایرانیان با سپردن رنج های خود به آتش به استقبال نوروز رفتند.

آیین جاسزباد و پرسه همگانی نخست سال به یاد درگذشتگان سال پیش روز شنبه ۲۱ مارچ ۲۰۲۶ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا لوس آنجلس برگزار شد. همچنین روز یکشنبه ۲۲ مارچ آیین دید و بازدید نوروزی با حضور همکیشان ساکن لوس آنجلس برگزار شد.

گهنبار چهره «میدیوزم گاه» روز شنبه ۲ ماه می به همت گروه فرهنگی-آموزشی «اشتاد» و کمیته گهنبار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا لوس آنجلس در این مرکز برگزار شد.

این مراسم با اوستا خوانی موبدیاران بانو آرمیتا دلال و کدبان پرویز منوچهری برگزار شد و گروه فرهنگی و آموزشی اشتاد هدایایی به شرکت کنندگان و برندگان مسابقه ای به مناسبت آفرینش آسمان اهدا کرد. همچنین از دست اندرکاران و کمک کاران چهره گهنبار تقدیر شد.

بامداد تا ۲ پسین برگزار میگردد. این گردهمایی شامل آموزش زبان انگلیسی، یوگا، بینگو، سخنرانی و نهار میباشد. تمرین گروه کر مرکز زرتشتیان سنديگو دو جمعه در هر ماه برگزار میگردد. جلسات شب شعر در اولین یکشنبه هر ماه از ساعت ۵:۳۰ پسین با حضور چشمگیر ایرانیان سنديگو برگزار میشود. تمرین فوتبال هر هفته یکشنبه پسین با حضور نوجوانان، جوانان و بزرگسالان برگزار می گردد.

### خیراندیشانی که این مرکز را کمک نموده اند:

خیراندیشان ویژه:

آریانا (۱۲ساله)، وستا (۱۰ساله)، و یسنا (۴ساله) برادفیلد ۴۱ دلار از پس انداز شخصی  
رایان نمیرانیان (۱۱ساله) ۱ دلار، عیدی عمو نوروزو خود را اهدا کرد  
سایر خیراندیشان:  
ریتا و داریوش بستانی ۲۷۱۳ دلار از محل فروش مربای خانگی  
پریچهر خرمایی ۱۱۰۰ دلار برای اجرای مراسم توسط موبد فریبرز شهزادی، به یاد همسرش دینیار خسروییانی  
گروه دندانپزشکی کودکان آکسس (Access Children's Dental Group) ۱۰۰۰ دلار  
سلطان کولکری بوستانی ۶۰۱ دلار به یاد همسرش داریوش بوستانی  
هما زرتشتی ۵۰۰ دلار  
فرهاد علمداری ۴۵۰ دلار برنده مزایده نقشه ایران در بازار نوروزی و اهدای دوباره به مرکز  
مهوش پارسایی و دکتر تیرانداز گشتاسبی ۳۰۰ دلار برای گهنبار  
آرمیتا نورآیین ۳۰۰ دلار برای موبد فریبرز شهزادی جهت اجرای اوستای تندرستی  
دکتر شاهرخ تورنجی ۲۰۰ دلار  
منیژه بنشاهی ۲۰۰ دلار هزینه اوستا خوانی موبد فریبرز شهزادی به مناسبت سال همسرشان رستم بنشاهی  
رستم اخترخاوری ۱۲۰ دلار برنده مزایده سبد گل بازارچه نوروزی  
نگین مندگاری شریف آباد ۱۰۱ دلار  
پروین و شهناز غیبی ۱۰۱ دلار به یاد خواهرشان گیتا غیبی  
همایون دولت زاده ۱۰۱ دلار برای گهنبار



از دستداران پذیرایی میشود. با سپاس از موبد دکتر نوشین جهانگیری برای برگزاری این برنامه آموزنده.

تراست مروارید گیو ۳۰۰۰ دلار کمک به بازسازی مرکز  
 سپاس ویژه از کدبان پرویز آدرهیی بابت تهیه، تعویض و نصب چراغ های  
 محوطه پارکینگ و همچنین سرویس سیستم تهویه مطبوع مرکز به رایگان  
 خانواده یزدانی ۱۰۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 بانو شهناز فرحزادی ۱۰۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 تراست خانواده نامداری ۲۲۰۰ دلار کمک به بازسازی مرکز  
 بانو فرشته مزدیسی ۷۰۰ دلار کمک به بودجه گروه آموزش  
 بانو بهین بهدینان ۳۰۰ دلار به نامگانه داریوش، کامیار و فریدون بهدینان  
 کمک به بودجه گهنبار  
 بانو نغمه و کدبان مهدی توانا ۲۰۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 بانو منیژه گنجی و کدبان جهانگیر ارجاسبی ۱۰۰ دلار کمک به بودجه  
 عمومی مرکز

سپاس ویژه از کدبان کیکاووس ورجاوند و کدبان کیوان افشاری علی  
 آباد برای نصب رایگان سیستم دوربین مداربسته مرکز  
 بانو سرور پهلوان ۱۰۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 کدبان اشا لر کلانتری ۶۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 کدبان گشتاسب رستمی ۶۷ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 بانو بنفشه ورهرام ۳۵۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 کدبان کریمی ۱۲۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 بانو افسون آبادیان ۲۵۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 بانو آذرکیوان ۵۰ دلار کمک به بودجه عمومی مرکز  
 بانو سرور پهلوان ۲۸۰ دلار کمک به گهنبار  
 بانو مهین خورشیدیان ۴۰ دلار کمک به گهنبار  
 بانو ماهرخ بخشی ۶۰ دلار کمک به گهنبار  
 بانو آرتمیس جوانشیر ۱۰۱ دلار کمک به گهنبار  
 بانو آریتا افشاری ۱۰۱ دلار کمک به گهنبار  
 بانو نیلوفر خدادادی ۱۰۱ دلار کمک به گهنبار  
 خانواده افسری ۱۰۱ دلار کمک به گهنبار  
 خانواده خورشیدیان ۵۰ دلار کمک به گهنبار

مسابقات «تخته نرد» روز یکشنبه سوم ماه می در مرکز زرتشتیان  
 کالیفرنیا لوس آنجلس برگزار شد و جوایزی به برندگان اول و دوم این  
 پیکارها اهدا شد

ساسان کمالی، مجری باسابقه و محبوب رادیو و تلویزیون از شرکت  
 کنندگان این مسابقات بود.

با سپاس از کدبان هوشنگ مهرخاوندی و کدبان هوشنگ پورهمانی برای  
 هماهنگی و برگزاری این مسابقات

گروه فرهنگی-آموزشی استاد هر ماه برنامه گردهمایی استاد را در  
 مرکز زرتشتیان کالیفرنیا لوس آنجلس برگزار میکند. در این برنامه که با  
 استقبال دستداران روبرو شده است سعی میشود تا مهارت های زندگی و  
 دانستی های روز با استفاده از مفاهیم دینی و ملی به باشندگان آموزش  
 داده شود و با سفره همگانی که از خوراک های سالم تشکیل شده است



216  
June 2026

# CHEHREH NAMA

Publication of California Zoroastrian Center

[www.czcjournal.org](http://www.czcjournal.org)

HAPPY  
TIRGAN  
FESTIVAL



Non-profits Org  
U.S. Postage  
PAID  
Permit No. 12300  
Huntington Beach, CA 92647

California Zoroastrian Center  
Hazard Ave 8952  
Westminster, CA 92683

## Editor's note :

The beauty of Zoroastrian philosophy is that it makes us responsible for what we do with the life that was given to us. We are active participant who should make decisions based on ASHA" the ultimate truth". When coupled with resilience and righteous acts, it promotes this existence. The moments that test us in our personal lives give us a window to reflect and redirect our energy with an open mind and get past the obstacles that seem impossible to overcome.

Our guest editor Orang and his invited guests capture this beautifully by sharing their experiences and wisdom.

In this issue we honor Dolly Dastoor as we hear about the life she has led and whose magnificent presence has enriched the Zoroastrian community in diaspora and I for one am lucky to have known her.

May we all be visionaries who can reach beyond our day to day existence and make this planet one where our descendants can thrive and progress and ultimately continue to pay it forward.

*Ushta,  
Fariba*

**For your advertisement needs  
contact Cheherenama at:  
(714) 893 4737  
czcjournal@cninfo.org**

Cheherenama creative director:  
**Shahin Khorsandi**  
Cheherenama web :  
**Ramin Shahriari**

**Shahin Khorsandi**

**Meher Star Studios**

**Owner & Creative Director**

Art Direction, Graphic Design, Branding, Jewelry Design

**Contact us for free consultation**

(843) 222-0067 | meherbabashah@gmail.com

California Zoroastrian Center

8952 Hazard Ave Westminster,  
CA 92683

Cheherenama's Email:  
cninfo@czcjournal.org

Tel: (714)893 4737 Fax:  
(866)741-2365

CZC publication website:  
www.czcjournal.org

You can donate  
online to any CZC publication  
by going to:  
www.czcjournal.org and at the of  
bottom of the page you will see  
the following:

please consider donating to  
cheherenama

Thank you  
CZC will send you IRS accepted  
receipt IRS for any donation of  
amount.

Editorial Policy:

The opinions expressed in  
articles we publish are those of the authors ,  
and may or may not represent the views of  
the Editorial Board of Cheherenama, or the

Board of Directions of CZC

Cheherenama is a quarterly publication  
published in March, June, September and  
December



## Truth in the World: A Zoroastrian Approach to Truth, Responsibility, and Modern Life

### Reflection Two: The Collapse of Inherited Trust

Morgan Paul Lewis

For most of human history, trust was not something people chose. It was something they inherited. You trusted the priest because he stood at the altar. You trusted the king because he wore the crown. You trusted the institution because it had always been there, because your parents did, because your grandparents did, because questioning it would have felt like questioning reality itself.

That world is gone. What we are living through now is not simply a crisis of confidence or a passing phase of skepticism. It is the collapse of inherited trust. Institutions no longer receive moral authority by default. They are asked to justify themselves, and again and again they have failed to do so.

This failure did not come from one moment or one scandal. It came from accumulation. From repeated revelations of abuse quietly protected. From power exercised without accountability. From truth bent for convenience, profit, or control. From leaders who demanded obedience while exempting themselves from consequence. Over time, the promise that institutions existed to serve the good became harder to believe. So people stopped believing it.

When trust collapses, something deeper than confidence is lost. Trust is not merely belief in competence. It is belief in alignment—the sense that those who hold authority are oriented

toward truth rather than advantage, toward responsibility rather than preservation of status. When that alignment is broken, no amount of tradition can restore it.

Many observers interpret this moment as moral decay. They see distrust and assume nihilism. But that reading misses something essential. Much of today's distrust is not born from indifference. It is born from disappointment—from people who expected better and were repeatedly shown worse. When someone says they no longer trust religious institutions, political systems, media, or corporate power, they are not always rejecting the idea of truth. Often, they are refusing to continue lending moral authority to structures that have not earned it.

This is why appeals to “restore trust” feel hollow. Trust cannot be commanded. It cannot be mandated. It cannot be revived by insisting that institutions are still necessary, still important, still sacred. Trust emerges only when actions and values align over time. Without that alignment, requests for trust sound less like invitations and more like threats.

Zoroastrian thought anticipated this problem long before modern institutions existed. Zarathustra did not ground truth in office, lineage, or tradition. He did not ask people to believe because he spoke. He asked them to listen, to discern, and to choose. Authority,

in this vision, does not originate from position. It originates from alignment with Asha.

When inherited trust collapses, many people feel unmoored. The familiar anchors are gone, but nothing solid has replaced them. In that vacuum, two opposing reactions tend to emerge. Some people surrender to cynicism, deciding that no truth exists at all and that everything is manipulation. Others rush to attach themselves to new certainties—often louder, harsher, and more absolute than the old ones ever were. Neither response actually resolves the problem.

Cynicism mistakes disillusionment for wisdom. It assumes that because authority has lied, truth itself must be an illusion. But skepticism without responsibility does not free the mind. It merely abandons it. When nothing is believed, anything can be justified, and power quietly reasserts itself in less visible forms.

The opposite reaction is equally dangerous. When people are stripped of trusted structures, they often seek replacement authorities that promise clarity without complexity. This is how demagogues rise, how conspiracy thinking spreads, how rigid ideologies flourish. Certainty becomes intoxicating precisely because trust has been broken elsewhere. The promise is simple: believe this, reject doubt, and you will feel whole again. But this wholeness is false. It is built on the same foundation that failed before: the transfer of moral responsibility away from the self.

Zoroastrianism offers a third way—one that neither denies truth nor outsources it. Asha is not something handed down intact from institution to individual. It is something each person must actively align with through thought, word, and action. The collapse of inherited trust is not a spiritual disaster from a Zoroastrian perspective. It is a test—a moment that reveals whether people are willing to carry responsibility themselves rather than borrowing it from structures.

Even if old institutions regain power, they cannot regain innocence. Once trust is broken, it cannot be made unconscious again. The question is no longer how to return to inherited certainty, but how to live honestly without it. From the standpoint of Asha, this is not a fall from grace. It is a maturation. Humanity is being forced to confront the difference between loyalty and integrity, between tradition and truth, between obedience and responsibility.

The danger of this moment is not confusion itself, but what people do to escape it. When trust collapses, the temptation is to fill the silence as quickly as possible. Noise feels safer than uncertainty. Outrage feels better than humility. Certainty, even when false, feels more comforting than the slow work of discernment.

This is why so much modern discourse feels performative rather than sincere. People do not argue to understand; they argue to belong. Positions are adopted not because they have been examined, but because they signal identity. Truth becomes secondary to affiliation. From a Zoroastrian lens, this is a subtle form of Druj—not because disagreement is wrong, but because distortion enters when truth is bent to serve fear, status, or belonging.

Asha requires something far more demanding. It asks that you slow down when others rush. That you listen when others shout. That you remain willing to revise your position when evidence changes, even at the cost of social comfort. This is not neutrality. It is moral courage.

Living this way means accepting a certain loneliness. Those who refuse easy narratives often find themselves between camps, mistrusted by all sides—too critical for the faithful and too principled for the cynical. But this in-between space is precisely where ethical clarity is forged. Zarathustra did not speak from within the safety of consensus. He spoke from the tension of discernment.

It also means acknowledging your own vulnerability to distortion. No one stands outside influence. Everyone is shaped by fear, hope, memory, and desire. The discipline is not pretending purity, but remaining attentive to motive. Why do I want this to be true? What discomfort would it relieve? What responsibility would it remove? This kind of self-examination is rare, not because it is inaccessible, but because it is uncomfortable. It dismantles the illusion that moral clarity can be achieved without effort.

If no institution can be trusted automatically, how does one learn to trust at all? Zoroastrian thought does not offer an escape from responsibility through distrust. It offers a method for rebuilding trust from the inside outward. Asha is not something granted by authority; it is something cultivated through alignment between thought, word, and action. Trust, in this sense, is not belief in a system, but confidence in a process.

Belief asks you to accept claims. Alignment asks you to observe patterns. Over time, patterns reveal whether something coheres or corrodes—whether it strengthens life or diminishes it, whether it invites accountability or avoids it. Trust becomes earned, not inherited.

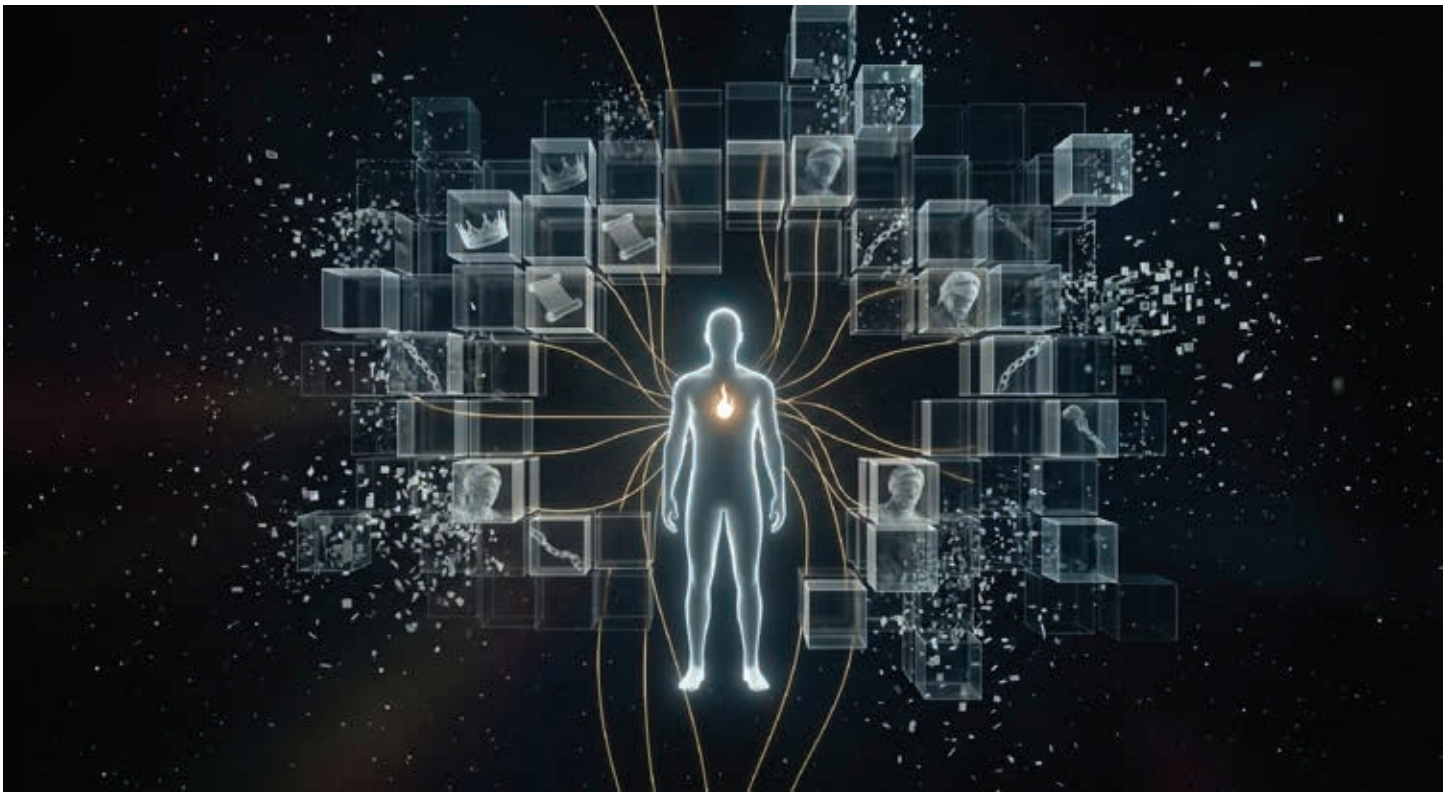
Applied to modern life, this reframes how one evaluates leaders, movements, ideas, and even oneself. Instead of asking, “Do I agree with this?” the deeper question becomes, “Does this produce clarity or confusion?” Instead of asking, “Does this make me feel safe?” the more honest question is, “Does this help me act more responsibly?”

This approach removes the false binary between blind faith and total skepticism. One can remain open without being naïve. One can be critical without becoming corrosive. Asha is neither gullibility nor suspicion. It is attentiveness.

This has implications for leadership as well. In a Zoroastrian frame, leaders are not those who claim moral authority, but those who model discernment publicly. They show how decisions are made, how uncertainty is handled, how mistakes are corrected. Authority comes from transparency, not dominance. When this ethic is absent, institutions rot. They may continue to function administratively, but they lose moral gravity. People sense this intuitively. It is why trust erodes even when systems insist nothing is wrong. Druj often survives by pretending stability.

This is particularly relevant for those wounded by religious institutions. Many have learned, understandably, to associate moral language with manipulation. The answer is not to abandon moral language altogether, but to reclaim it from coercion. Zoroastrian ethics does not demand submission. It demands participation. To live in alignment is not to obey blindly, but to continually choose coherence over chaos, even when doing so costs certainty.

In much of modern discourse, responsibility is framed as compliance: follow the rules, stay within the lines, avoid blame. But this version of responsibility collapses the moment the



rules themselves become incoherent or corrupt. When systems fail, compliance becomes complicity. Zoroastrian ethics locate responsibility elsewhere. It begins not with obedience, but with discernment. Each individual is expected to actively distinguish between Asha and Druj—not once, but continuously. No institution, no leader, no tradition can absolve a person of moral agency.

Modern life encourages speed. Zoroastrian wisdom encourages pace. Not slowness for its own sake, but deliberateness. The space between stimulus and response is where responsibility lives. Without that space, even good intentions become dangerous.

There is a quiet resistance embedded in this approach. In an age that rewards outrage, Asha resists hysteria. In an age that monetizes attention, Asha resists distraction. In an age that demands instant allegiance, Asha resists premature certainty. This resistance is not loud. It looks like someone refusing to repeat a claim they have not examined. It looks like someone choosing restraint where retaliation would be applauded. Discernment takes more effort than reaction. Holding complexity takes more strength than choosing a side.

Many people carry a wound where faith once lived. They learned early that belief was enforced, that doubt was dangerous, that questions were signs of moral failure rather than intellectual integrity. Over time, fear replaced reverence, obedience replaced understanding, and institutions meant to cultivate wisdom became instruments of control. It is no surprise that so many now turn away not from the sacred itself, but from the structures that claimed to own it.

Zoroastrianism offers something different—not because it promises certainty, but because it honors choice. It does not demand belief under threat. It does not teach that humanity is

broken beyond repair. It begins instead with trust: that human beings are capable of discernment, that conscience matters, and that truth strengthens when freely chosen.

Asha does not ask you to surrender your mind. It asks you to use it. It does not ask you to silence your questions. It invites them. It does not require fear to keep you close. It trusts that truth, once seen, will be chosen again and again.

In a world shaped by anxiety, outrage, and inherited wounds, faith without fear is quietly radical. It does not shout. It does not threaten. It simply lives, and in doing so, reminds others that another way has always been possible.

That way does not begin in institutions or declarations. It begins where it always has—within the human capacity to recognize what is right, to choose it freely, and to carry it forward without force. This is how truth survives.



Morgan Paul Lewis is a writer, graduate student, and longtime practitioner of Zoroastrianism. For nearly thirty years, he has studied and practiced the faith, with a particular focus on its ethical teachings, the Gathas, and the living pursuit of Asha. His reflections explore

how Zoroastrian wisdom can speak to modern life, moral choice, community, and personal responsibility. He is currently completing a Master of Science in Cybersecurity at DePaul University, concentrating in Network Infrastructure, and writes regularly on Zoroastrian philosophy and contemporary practice.

# Resiliency through the Teachings of Zoroastrianism

When the world feels overwhelming and hardship seems relentless, we look for wisdom that can guide us through. The three essays in this issue offer exactly that, drawing on the ancient teachings of Zarathushtra to show that resilience is not simply about enduring difficult times. It is about actively choosing to grow through them. Through the concepts of *Asha* (truth and righteousness), *Frashokereti* (the renewal of the world), and the practice of aligning our thoughts, words, and deeds, these writers remind us that we each have the power to be among those who renew the world.



## Resilience Through the Lens of Zoroastrianism: A Personal Journey

By: Orang Demehry

Over the past five years, I have been on a tumultuous journey filled with significant life changes that tested my resilience. I faced a long and challenging divorce, loss of my two children, job loss, failed business, medical issues, and the daunting task of starting over financially. At times, it felt like I was trapped on a relentless rollercoaster of hardship. Yet even in the darkest stretches, I came to sense something I could not fully name; an unseen protection that had followed me my entire life, quietly guiding me through each valley without my knowing. Entangled into these tests were moments of profound transformation, personal growth, and unexpected joy. Drawing from the principles of Zoroastrianism, I discovered a pathway to resilience rooted not only in endurance, but in deep and abiding gratitude. Gratitude for everything that led me to this moment.

### The Struggles: A Five-Year Odyssey

The onset of my recent obstacles began with a difficult divorce that spanned five prolonged years. This process was emotionally draining and fraught with conflict, leading to feelings of separateness and sorrow. Compounding this pain was the alienation from my children, who were caught in the crossfire of a contentious divorce. The emotional toll was immense; I felt a deep sense of loss and bitterness, as if a part of my identity had been stripped away.

As if the universe had other plans, I unexpectedly lost my job shortly after and subsequently a failed business venture. This loss not only impacted my financial stability but also my sense of purpose. The relentless pressure of managing my personal life while seeking new employment felt overwhelming. To add to this, I faced medical

issues that required attention, further complicating my situation. It was a perfect storm of challenges that left me feeling defeated. And yet, looking back now, I can see that every one of those storms was also a forge, shaping and refining me, building me into who I am today. I did not know it then, but I was being held even when I could not feel it.

### The Turning Point: Discovering Resilience

Amidst these hardships, I began to seek comfort and strength through self-reflection and the teachings of spiritual Zoroastrianism. At its core, Zoroastrianism stresses the duality of good and evil, the importance of individual choice, and faith in the ultimate triumph of good. These principles resonated deeply with me as I wrestled with my circumstances.

One of the key teachings of Zoroastrianism is the concept of "Asha" (also happens to be my son's name), which is order, truth, and righteousness. I realized that while I could not control the events unfolding around me, I could choose how to respond. This realization became a trigger for change in my life. I began to focus on what I could control: my thoughts, my actions, and my commitment to self-care. And slowly, gratitude entered that space. I found myself saying thank you for the strength I did not think I had. Strength that appeared precisely when it was most needed, as if it had always been there, waiting to be called upon.

### The Power of Self-Care and Mental Well-Being

Recognizing the importance of self-care was a key moment in my journey. I learned to prioritize my mental and emotional health, carving out time for activities that brought me joy and fulfillment.

I immersed myself in meditation, a practice that Zoroastrians value for fostering inner peace and clarity. Through meditation, I found a sanctuary within the chaos, a space to reconnect with myself and cultivate resilience. In those quiet moments, gratitude began to take root. Not the easy gratitude of comfortable days, but a harder, truer kind: gratitude for every difficulty that had cracked me open enough to let the light in.

Zoroastrianism teaches that maintaining mental well-being is vital for a fulfilling life. I embraced this mindset, engaging in practices that nurtured my spirit. Whether it was through reading, journaling, learning a new instrument/hobby, or spending time in nature, I aspired to create a balanced life that celebrated my needs.

#### New Connections and Rediscovering Joy

As I focused on my well-being, I discovered new places and met incredible people who enriched my life. Each encounter felt like a gift, reminding me of beauty and kindness. I began to explore things that were either out of my comfort zone or things I had put on hold, attending community events and traveling to new destinations. These experiences reignited my sense of adventure and curiosity, qualities that had been overshadowed by my struggles. I began to see these meetings not as coincidences, but as the work of something unseen. A protection and guidance that had accompanied me my entire life, quietly arranging the moments I needed even when I was too broken to ask for them.

In addition to developing new connections, I also took the time to reconnect with old friends and family members. The support and love of those who truly cared for me became a lifeline during the most challenging moments. I found comfort in the shared stories, laughter, and the sense of belonging that comes from genuine relationships. Zoroastrian teachings emphasize the importance of community and support, and I felt this truth echo deeply as I rebuilt my social network.

#### Love in Unexpected Places

Perhaps the most surprising and uplifting aspect of my journey was meeting the light of my life. Just when I thought I had lost everything, love found its way back into my heart. This new relationship blossomed amidst the backdrop of my struggles, and it became a source of strength and joy. Together, we navigated the complexities of life, supporting one another through our individual challenges.

Our relationship is a testament to the resilience of the human spirit. Zoroastrianism teaches that love and compassion are powerful energies that can heal wounds and remake lives. In finding love, I discovered a renewed sense of hope and purpose. This connection not only brought happiness but also encouraged me to continue my journey of self-discovery and growth.

#### Starting Over: A New Chapter

Starting over financially was daunting, but it became a necessary step towards rebuilding my life. I welcomed the challenge of creating a new financial footing with the same determination I had applied to other aspects of my life. I sought out new job opportunities and networked with professionals. The process was not without difficulties, but I approached it with the mindset that each setback was an opportunity for growth.

Zoroastrianism teaches that every individual has the power to shape their destiny through their choices and actions. I began to view my financial situation as a chance to learn and develop resilience, rather than a burden. With each small victory, I felt a sense of empowerment that fueled my determination to keep moving forward.

## Embracing Life's Dualities

Through this journey, I have come to embrace the dualities of life. The joy and the pain, the challenges and the triumphs. Zoroastrian philosophy emphasizes the importance of recognizing both good and evil, understanding that life is a spectrum of experiences. This perspective allowed me to find meaning in my struggles and appreciate the growth that emerged from them.

While the past five years have been filled with difficulties, they have also been marked by deep personal evolution. Each setback became a stepping stone toward self-discovery. I learned to appreciate the small victories, celebrate the moments of joy, and cultivate gratitude for the lessons learned along the way. I began to understand that the challenges had not happened to me but they had happened for me. They shaped and refined me, burning away what was not essential, and building in its place something more resilient, more compassionate, and more alive. Thank you, I learned to say, for everything that has led me to this moment.

## Conclusion: The Path Ahead

Reflecting on my journey, I am grateful for the resilience that has emerged from my experiences. The teachings of Zoroastrianism have provided a framework through which I can understand my struggles and find strength in my choices. I am reminded that resilience is not merely about enduring hardships but also about embracing the fullness of life; the highs and the lows.

Today, I stand at the cusp of a new chapter, one that is filled with hope, love, and the promise of new beginnings. I carry with me the understanding gained from my journey, a testament to the power of resilience and the essence of humanity. As I continue to steer life's complexities, I do so with a renewed sense of purpose and an unwavering belief in the potential for growth and transformation. And I carry, too, a gratitude that reaches forward into the unknown. Thank you for what is coming, even though I cannot yet see it. This trust, this open-handed thanks offered to a future not yet revealed, may be the deepest expression of resilience I have found.

In the spirit of Zoroastrianism, I commit to living a life guided by truth, compassion, and the pursuit of goodness. Through this commitment, I find strength, both for myself and for those around me, as I embrace the beautiful journey that lies ahead. I am grounded in gratitude; for the unseen hand that steadied me when I could not stand, for the fire of hardship that forged me into someone stronger than I knew, and for the open road of what is yet to come. To be grounded in gratitude is not to pretend the pain was not real. It is to trust, deeply and wholly, that it was never wasted.



**Orang Demehry** was born in Iran and moved to Northern Virginia at the age of five. He was an active member of the Zoroastrian community, founding the Washington DC Metropolitan Zoroastrian Youth Club and serving with the ZAMWI organization, and was honored with the Mehraban Zartoshty Outstanding Young Zarathushti Award in 1998. He holds a degree in Accounting, a Master's in

Computer Information Systems, and is a Certified Public Accountant. Orang is a senior audit, risk, and cybersecurity executive with over 30 years of experience across banking, financial services, technology, and government sectors, advising Boards and Audit Committees on governance, regulatory compliance, and operational resilience.

# Integrity: The path to personal resiliency

By: Arash Anooshriviani

Photo courtesy of Bing Free Wallpaper Galleries

Thousands of miles of steel wires support the weight of the elegant bridge spanning the channel between the Pacific Ocean and the San Francisco Bay in Northern California. These wires, bundled together into larger, integrated cables, provide the Golden Gate Bridge with the strength and flexibility needed to withstand nature's powerful forces—dramatic tides, unrelenting summer fog, strong ocean winds, and even the occasional earthquake—as well as the many thousand human-made vehicles that cross its mile-long span each day.

Three-and-a-half millennia ago, Zarathushtra composed 17 poetic hymns that were passed down through an oral tradition for over 1500 years before finally being written down during the Sassanian times. Zarathushtra's "Gathas" outline a roadmap for a life of goodness, integrity, and progress. The simple mantra of "good thoughts, good words, good deeds," (humata, hukhta, havareshtha) passed down by generations of Zoroastrians throughout the world, can be seen as a call to personal and spiritual integrity and captures the essence of the "religion of good conscience," Zoroastrianism.

Zarathushtra's philosophy asserts that we all have a bit of the divine creative mind within us, and that when we practice using this "good mind," (spenta mainyu, vohu mana) we strengthen our abilities to envision goodness, righteousness, and progress (the path of asha) in an imperfect world. Zarathushtra then challenges us to translate that progressive vision into concrete efforts to renew and perfect our societies and the world. In fact, his worldview suggests that humans play a critical role in pushing back against the spiritual forces of destruction, decay, and chaos (angra mainyu, leading to the spread of druj, or "the Lie"). When thinking becomes words, and words become action in service of progress, we each are contributing to a more kind, just, and perfect world.

Thus, the Zoroastrian approach to life encourages us all to put into daily practice the tools we have been endowed with: 1) use our good mind and best thinking to understand truth, goodness, and a path to progress, 2) communicate our best thinking and our understanding to others, and 3) turn our best ideas into actions that improve ourselves, our families, our communities, and the world. This elegant structure also happens to be the path to personal and spiritual integrity.

Dictionary definitions of the concept of integrity include words such as "wholeness," "genuine," "unimpaired," "purity," "unadulterated," "steadfast," "undivided," "morally sound," "honesty," "uprightness," and "freedom from corrupting influence of motive." Zarathushtra's philosophy challenges all of us to aspire to this state of emotional, cognitive, and spiritual coherence. To be clear, the path of asha—of righteousness and integrity—is not an easy one. Following it requires persistence, consistency, practice, and perhaps even some trial and error. It requires humility, a willingness to hear new points of view, and an openness to different approaches to experiencing the world. It also demands that we look beyond simply our own comfort, interests, and desires in order to see what is best overall and for all. Wealth, fame, and power for their own sake and not in service of the greater good are the path of "the Lie." Decay, destruction, degradation are the consequence of choices made solely to satisfy our self-focused desires.

Aligning our thoughts, speech, and actions with righteousness reduces the risk that we might make poor choices based on fear, contradictory beliefs, thought errors, hypocrisy, or self-doubt (though humility and an openness to new information and other's

perspectives remains an essential part of "good thinking"). It is when every aspect of our lives work together, in harmony and truth, toward a goal of bettering the world for all, that we gain a strength and flexibility that helps us withstand difficult times.

Resilience can be defined as "the capacity to withstand or recover quickly from difficulties," "toughness," "strength of character," "adaptability," and "the ability to bounce back." Although the temperaments or personality types we are born with can predispose us to varying amounts of resiliency, there is a fair amount of evidence that we can learn to build up our capacities to withstand, adapt to, and recover from difficult experiences. Appreciating the good in the world, focusing on personal mission and life goals, practicing effective stress management, embracing change as an opportunity for growth, and fostering connections with others are all strategies for fostering increased mental, emotional, and spiritual strength and resilience.

The Zoroastrian worldview inherently aligns with a life of resilience-building, regardless of where on the adaptability or "bounce-back-ability scale" we may start. The focus on managing our minds with clear thinking, lifelong learning and improvement, and mission-driven action in service of others are the recipe for personal and community strength and flexibility. As we each move along our path toward asha, using our intrinsic good mind as our guide, we gain a clarity and internal strength that gives us a remarkable resilience in the face of adversity. We can attain a state of consciousness and of connection with goodness that comes from the consistent, persistent use of our good conscience in service of the greater good. What else is resilience if not the knowledge that—much like our distant ancestors—we have the tools, talents, and skills to not just survive, but thrive, as we work to refresh and renew an imperfect and sometimes challenging world?

As with the Golden Gate Bridge, the simple and elegant spiritual framework Zarathushtra shared so many centuries ago gives us the resilience to weather the forces that challenge us in life. Choosing to align with goodness, righteousness, and progress in the world encourages the mental, emotional, and spiritual strength and flexibility needed to live a positive, productive, and happy life. Zarathushtra imagined a world in which all people were striving for this goal. Can we?

Now, perhaps more than ever before in recent memory, we need people of good conscience to help address the conflicts our world faces. Let us each start with ourselves, committing to a life of integrity, focusing on using our good minds, speaking clearly, and taking action in the ways we believe we can help move society forward. And with each small positive action, we will be heeding Zarathushtra's ancient call to "be among those who refresh the world."



Arash Anoshiravani, a husband, father, and physician residing in San Francisco, CA. He dedicates his professional life to helping teenagers and young adults navigating complex health and life choices. His family have been his inspiration as he works to live by Zoroastrian principles. He firmly believes that Zarathushtra's ancient teachings offer a refreshingly modern approach to a life of integrity, goodness, and genuine happiness.



## Frashokereti

By: Shahriar Shahriari

A flawed outgrowth of modern life is the separation of its various aspects. As a natural outcome of reductionism, we compartmentalize the various aspects of our lives: our professional life, our personal life, our family, finances, friends, health, wealth, relationships, and spiritual life are all placed into neatly labeled boxes.

We allocate time for each: it is my meditation or prayer time, gym time, “quality time” with the kids, time to focus on my clients, and my favorite of all these absurdities— “me—time”.

Yet life does not actually function this way. Life is an amalgamation of all its aspects, continuously interacting and shaping one another. Just as white light is the seamless blending of all colors of the rainbow, a life of integrity is the never-ending dance of all its dimensions.

Everything influences and impacts everything else. There is no separation. And they are all necessary. The spiritual and the material are simply different expressions of the same individual, the same soul. Work is prayer. Quality time is a meditation. Financial success may arise from spiritual clarity. Contentment is a byproduct of a perspective. Desire and needlessness can coexist.

According to Zarathushtra, spiritual progress is attained through volitional and conscious participation in the physical. Paraphrasing Yasna 30.9; “May we be among those who renew the world.” This is his highest wish for humanity — the path by which we approach Ahura Mazda.

But what does it actually mean? What is required of us to become renewers of the world? There is no simple answer. Becoming such a person demands many things.

First, it requires clarity of perception. We must see the world as it is, not merely as we are told it is, nor should our perspective be tainted by selective recognition, nor by stories that we tend to put

upon things out there to justify, marginalize or condemn.

Next comes clarity of vision – a vision of the ideal. We must tap into our higher mind to discern what aligns with Ahura Mazda’s plan. We arrive at such clarity through reason, intuition, inspiration, dreams, and any number of processes that bring deeper understanding.

Then comes perhaps the most difficult task: discerning whether renewal calls for modification or replacement. Improvement and modification are easier and require less energy. Replacement is far more demanding, because it begins with destruction— eliminating what exists to make room for the new. This step often demands courage and determination.

Frashokereti – the Renewal of the world – is a tough proposition. Destruction is as much a part of it as creation. Nature illustrates this well. In permaculture, mushrooms are called the “teeth of the forest”. Mushrooms grow where there is deadwood that needs to be digested. It is the quickest biological mechanism of turning deadwood into food for younger trees.

Worms are also amazing creatures. They take the fallen leaf in a forest and not only turn them into rich compost, but actually take it underground and spreads it where it is most useful.

Frequent forest fires are known for their beneficial impact by quickly clearing the underbrush and deadwood, with little harm to the living trees. If they are reduced in frequency, the build up of fuel will make the next fire deadly for the living trees and animals.

Both mushrooms and worms, as well as natural disasters are destructive servants of nature.

In our modern mindset, shaped by reductionism, we tend to label destruction as “bad” and creation as “good.” Yet in reality and from a spiritual perspective, this distinction is incomplete. Mindless,



orgiastic destruction— such as war or terrorism— is not aligned with Frashokereti (even though from a more expansive perspective, that too is part of Frashokereti – but that is another story for another time).

Every renewal requires some measure of mindful and conscious destruction, because What is built upon unresolved decay will inherit its weakness. True creation is lighter, cleaner, and more precise when it follows complete dismantling. It does not need to fight the past, because the past has already been laid to rest.

So, what does it take to be positively destructive? First and foremost, it needs the willingness to let go of what is. Then it requires energy. It takes effort to remove what no longer serves– be it a dilapidated building, a hollow ritual, an outdated wardrobe, or a dysfunctional relationship. It also takes courage to stand in the emptiness that follows the eradication. To face the void, to stand in “nothingness” requires a tremendous amount of courage and faith in oneself as well as trust in life’s processes— trust that Asha is at work.

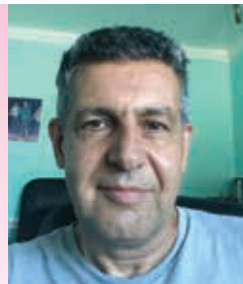
Generally, it is good practice to pause in the emptiness and regroup, to take in the vacant landscape and clarify our vision of what is to be the new embodiment, and whether it is worthy of devoting part of our life force to bring it into being.

Finally comes the action required for creating and building the new. That part, paradoxically, is the easy part. Because it simply requires consistency and determination, and it continually renews our energy as progress becomes visible.

Frashokereti is not just a nice slogan. Frashokereti is hard work. It demands clarity, vision, courage, poise, and the willingness to devote our life force to it. It requires us to be present in all aspects of our lives. It directs us to see the spiritual in the material, and to form the material in the shape of the spiritual. It calls for integrity and

wholeness, to be fully ourselves and one with the world, to destroy with ease and create with ease. It simply demands us to be the highest we can be and to give the best we can give.

To live Frashokereti is to refuse fragmentation. It is to accept the responsibility of renewal— destruction and creation — within ourselves and in the world, again and again. In doing so, we do not escape life; we sanctify it. We become, in the deepest Gathic sense, among those who renew the world.



**Shahriar Shahriari**, born in Iran and educated in England and Canada, resides in Los Angeles. In the 1980s and 1990s, he lived in Vancouver, actively participating in Zoroastrian youth activities. He authored “Thus Spake the Real Zarathustra” and created

Zarathushtra.com as the internet gained prominence. Shahriar has delivered numerous presentations and written many articles on Zarathushtra’s teachings but has maintained a low profile for the past two decades.

*Ultimately, these three voices converge on a single truth: that the path through adversity is not found by escaping life’s struggles, but by meeting them with clarity, courage, and good conscience. Zoroastrianism teaches us that renewal, of ourselves and of the world, begins with each of us, one thought, one word, and one action at a time.*

# Dr. Dolly Dastoor: A Life of Science, Service, and Spiritual Leadership

By: Khosro Esfandiari Mehrfar (K. E. Mehrfar)

## Early Years in Mumbai

Dolly Dastoor was born in Mumbai, India, into a Zoroastrian family that embodied the values of giving and service. Growing up in the vibrant Parsi community of Mumbai, young Dolly was shaped by parents who lived their faith through actions. Years later, when cleaning out her late parents' house, she would discover stacks of donation receipts—tangible evidence of the generosity that had been modeled for her from childhood. “Our faith teaches us to give back,” she would later reflect, a principle that became the guiding thread of her remarkable life.

## Education and Formation

Dastoor received her B.A. and M.A. from Bombay University, where she developed the intellectual foundations that would serve her throughout her career. Even in these early years, her interests spanned both the humanities and sciences, foreshadowing a life that would bridge professional achievement and community service, empirical research and spiritual values.

## Nigeria: The First Chapter (1973-1964)

In 1964, fresh from her studies at Bombay University, Dolly embarked on what would become a decade-long chapter in Nigeria. She joined the University College Hospital in Ibadan, Nigeria, working as a WHO Research Fellow. At the University of Ibadan, she served as a Senior Research Fellow in Psychiatry and project coordinator for the World Health Organization's (WHO) schizophrenia project.

In this Nigerian period, beyond the technical psychiatric research, one project had her comparing the treatment of schizophrenics by traditional healers in their villages with those being looked after by doctors in hospitals. The outcomes were similar. “In the villages, they would adopt the person with the disease and treat them as family. They just brought them into the fold,” The Zoroastrian way, she observed.

The Nigeria years profoundly influenced her later approach in her profession. She married and started a family, welcoming sons Zubin and Farahad, and daughter Natasha during this period.

## Immigration to Canada: A New Beginning (1973)

In 1973, Dolly arrived in Montreal, Canada, with her family. Like millions of immigrants before and since, she faced the challenge of establishing herself in a new country while maintaining the cultural and religious traditions that defined her identity.

The early 1970s saw increasing immigration from South Asia to Canada, including a growing Zoroastrian community in Montreal. Dastoor would soon become a central figure in building the institutional infrastructure that would allow this community to thrive.

## Joining the Douglas Hospital

Dastoor joined the Douglas Hospital as a research fellow in



geriatrics, and was later hired as a clinical psychologist. The Douglas Hospital was already a leading psychiatric facility, and its geriatric services provided Dastoor with the perfect environment to combine her WHO training with her emerging interest in aging and dementia.

## Pioneering Dementia Care (2013-1973) -

### Founding the Alzheimer Society of Montreal

Dastoor became one of the founders of the Alzheimer Society of Montreal (ASM), where she established the city's first support group for caregivers of people with dementia.

Dastoor later served as President of the ASM and Vice-President of the Alzheimer Society of Canada, using these positions to advocate for better care, increased research funding, and greater public awareness of dementia.

### Pursuing Advanced Education: The Ph.D. Journey

Demonstrating that it's never too late to pursue academic goals, Dastoor earned her Ph.D. in Clinical Psychology from Concordia University, Montreal, later in life. Her 1998 doctoral thesis, “Rate and Predictors of Decline in Dementia of the Alzheimer Type as measured by the HDS,” represented both a personal academic achievement and a significant contribution to understanding dementia progression.

The Hierarchic Dementia Scale: A Lasting Contribution  
Dr. Dastoor in collaboration with geriatric psychiatrist and McGill



psychiatry professor Dr. Martin Cole, developed the Hierarchic Dementia Scale (HDS) for Assessment and Prognosis of Dementia, a tool that has become a standard in the field. This scale remains widely used by physicians worldwide, helping countless patients receive appropriate care and enabling researchers to better understand the trajectory of dementia.

The importance of this contribution cannot be overstated. At a time when dementia assessment was often subjective and inconsistent, the HDS provided a systematic, hierarchic approach that allowed for more accurate diagnosis, prognosis, and treatment planning.

#### Academic and Clinical Leadership

Dr. Dastoor's career advanced steadily. She became an Assistant Professor in the Department of Psychiatry at McGill University and a member of the McGill Centre for Studies in Aging. She also served as Clinical Supervisor in the Department of Psychology at the Universities of Concordia, McGill, and Montreal, training the next generation of clinical psychologists.

#### Transforming Patient Care Through Design

Dr. Dastoor's vision extended beyond medical treatment to encompass the entire care environment. She was instrumental in developing Quebec's first Program in Dementia with Psychiatric Comorbidity at the Douglas Hospital, which provided a comprehensive continuum of care model including a Day Center, Memory Clinic, and an 18-bed unit.

As Clinical-Administrative Manager of the Dementia Program at the Douglas Institute from 1998 until her retirement in 2013, she shaped policy and practice across the institution. Her extensive publications and global lectures on Alzheimer's disease shared

Montreal's innovations with the international medical community.

#### Building the Zoroastrian Community in North America

While establishing herself professionally, Dr. Dolly simultaneously dedicated herself to preserving and strengthening the Zoroastrian community in her adopted homeland.

#### Leadership in Quebec (1985-1978)

From 1978 to 1985, Dr. Dastoor served as President of the Zoroastrian Association of Quebec (ZAQ)—a seven-year tenure during a critical period in the community's development. These were years when many Zoroastrians were newly arrived immigrants facing the challenge of maintaining their traditions while integrating into Quebec society.

Dr. Dastoor's ability to bridge her professional life in mainstream Canadian society with her deep commitment to her religious community made her an ideal leader for this transitional period. She strengthened community ties, championed cultural initiatives, and helped establish the infrastructure necessary for Zoroastrians in Quebec to maintain their religious and cultural identity.

#### Organizing the North American Zoroastrian Congress (1982)

In 1982, while still serving as President of the Zoroastrian Association of Quebec, Dr. Dastoor chaired the North American Zoroastrian Congress. This massive undertaking brought together Zoroastrians from across the United States and Canada to discuss community challenges, share best practices, and strengthen inter-community bonds.

The Congress's success demonstrated Dr. Dastoor's organizational abilities and established her as a leader with a continental rather than merely local vision.

#### FEZANA President: A Continental Vision

Dr. Dastoor's influence extended across North America through her service as President of the Federation of Zoroastrian Associations of North America (FEZANA), the umbrella organization representing 27 member associations and approximately 30,000 Zoroastrians across the United States and Canada.

Her presidency came during a critical transitional period when the North American Zoroastrian community was evolving from first-generation immigrants focused on preserving Iranian and Indian cultural practices to a more integrated diaspora community seeking to maintain religious identity while fully participating in North American life.

Dr. Dastoor's leadership and her deep knowledge of Zoroastrian tradition gave her credibility with traditionalists. Her interfaith work gave her credibility with those who wanted Zoroastrianism to engage with the broader world.

#### The 7th World Zoroastrian Congress (2000)

In 2000, Dr. Dastoor co-chaired the 7th World Zoroastrian Congress in Houston, Texas. This was particularly significant as the first World Congress held in North America, symbolizing the growing importance of the diaspora community.

The World Zoroastrian Congress, held every four years, serves as the closest thing the global Zoroastrian community has to a unified gathering. Planning such an event requires coordination with

communities across multiple countries, management of complex logistics, and creation of programming serving multiple purposes—religious, cultural, social, and educational.

The Houston Congress brought together thousands of Zoroastrians from Iran, India, Pakistan, the United States, Canada, the United Kingdom, Australia, and beyond. For many diaspora Zoroastrians, it was an affirming experience—proof that our community, though small and dispersed, remained vibrant and united.

### The FEZANA Journal:

#### Nearly Two Decades of Editorial Leadership

Since Spring 2006, Dr. Dastoor has served as Editor-in-Chief of the FEZANA Journal, the flagship publication of FEZANA. This tenure, now approaching two decades, represents one of the longest and most influential editorship in North American Zoroastrian media.

#### Building a Chronicle of Community Life

Under Dr. Dastoor's editorship, the Journal has become the primary historical record of North American Zoroastrian life in the early 21st century. Four times a year, the Journal documents community events, theological discussions, demographic changes, interfaith developments, and the everyday experiences of Zoroastrians navigating life in North America.

Dr. Dastoor understood that she wasn't just producing a newsletter or a journal—she was creating a historical archive.

The Journal provides crucial connection and shared identity. Dr. Dastoor's editorial approach ensures that diverse voices from different regions, age groups, and perspectives all find space in the publication.

#### Special Issues Marking Community Milestones

Under Dr. Dastoor's leadership, the Journal has produced numerous special issues addressing critical community topics:

- FEZANA's 20th Anniversary (Summer 2007): A comprehensive look at the federation's first two decades
- The north America 25 most influential Zoroastrians (Summer 2012) in celebration of the quarter century of FEZANA establishment. The names of these "25 most influential Zoroastrians of North America" can be seen in Volume 26 of FEZANA Summer/August 2012 edition
- The Cyrus Cylinder (Summer 2013): Recognizing the exhibition's



North American tour with “memorable images and scholarly articles of our Zoroastrian heritage”

- Aging in North America (Fall 2016): Addressing the needs of Zoroastrians 55+
  - Gender Equality (Winter 2016): Examining women's roles within Zoroastrian communities
  - FEZANA 30th Anniversary (Spring 2017): Which Dr. Dastoor herself guest-edited
  - Science and Spirituality (Fall 2017): Exploring Zoroastrian thought and modern science
  - Emerging Leaders (Spring 2018): Highlighting the next generation
- These thematic issues demonstrate Dr. Dastoor's editorial vision: addressing both timeless religious questions and contemporary challenges, honoring tradition while engaging with modernity.

#### Editorial Excellence

- Dr. Dastoor brought to the Journal the same rigor she applied to her scientific work:
- High Production Values: Professional design, quality photography, careful visual presentation
- Editorial Integrity: Fact-checking, source verification, error correction
- Balanced Coverage: Multiple perspectives on controversial issues
- Accessibility: Scholarly standards maintained while remaining readable
- Bilingual Elements: Farsi sections serving Persian-speaking members
- She assembled and has maintained a dedicated team including consultant editor Lylah M. Alphonse, graphics expert Shahrokh Khanizadeh, and various columnists.
- With four issues per year for nearly 20 years, Dr. Dastoor has overseen approximately 75-80 issues, each typically 100+ pages. This represents thousands of hours of editorial work and a comprehensive documentation of North American Zoroastrian life.

#### Academic Scholarship Committee: Investing in the Future

As Chair of FEZANA's Academic Scholarship Committee, Dr. Dastoor has overseen the distribution of hundreds of thousands of dollars in scholarships to deserving Zoroastrian students pursuing higher education.





The scholarship program represents strategic investment in the community's future, by supporting talented young Zoroastrians through their educational journeys.

Dr. Dastoor's leadership included establishing clear selection criteria, expanding the program's reach, tracking recipients' achievements, and encouraging them to give back once established in their careers—creating a virtuous cycle of support.

### **Parliament of the World's Religions: Global Interfaith Leadership - A Historic Appointment (2016)**

In 2016, Dr. Dastoor was elected as a Trustee to the Board of the Parliament of the World's Religions, becoming the only Zoroastrian on the Board at that time. Her election recognized her as someone who could contribute to addressing humanity's challenges from an interfaith perspective informed by but not limited to her Zoroastrian identity.

The Parliament of the World's Religions, first convened in Chicago in 1893, represents the world's oldest, largest, and most inclusive interfaith gathering. Its mission is to cultivate harmony among the world's religious and spiritual communities and foster their engagement with the world's guiding institutions to achieve a just, peaceful, and sustainable world.

### **Rising to Vice-Chair (2021-2020)**

Dr. Dastoor's exceptional contributions led to her elevation to Vice-Chair of the Board of Trustees, one of the highest leadership positions in the global interfaith movement. In this role, she helped guide the Parliament through one of its most challenging periods—the COVID-19 pandemic—which required re-imagining how the world's faiths could gather and dialogue virtually.

Her tenure of 3 terms, spanned some of the Parliament's most significant gatherings, including the Toronto 2018 Parliament and the virtual 2021 Parliament.

### **Amplifying Zoroastrian Voices**

Dolly's dedication resulted in large, meaningful and powerful representation of the Zoroastrian faith at the Toronto 2018 and virtual 2021 Parliaments. This was strategic—she ensured that Zoroastrians, despite being a small global community, had vital perspectives to offer on interfaith dialogue, environmental stewardship, and ethical living.

### **Championing Women's Dignity**

Dr. Dastoor served as a member of the Women's Task Force of the

Parliament, working to ensure women's voices and perspectives were central to interfaith dialogue. In February 2017, she participated as a featured speaker in a global video call on "The Dignity of Women Across the World's Religions."

The Women's Task Force celebrates women's leadership across religions and explores ways of fostering interfaith harmony that champions women's contributions. Dr. Dastoor's participation brought together her professional expertise, community leadership experience, and interfaith vision.

### **What Made Her Effective**

- Dr. Dolly Dastoor's unique ability to bridge multiple worlds made her particularly effective as a Parliament Trustee:
- Scientific Rigor: Her psychology and dementia research background meant she approached interfaith dialogue with evidence-based thinking
- Community Leadership: Decades leading Zoroastrian organizations gave her practical consensus-building skills
- Cultural Sensitivity: Living in India, Nigeria, and Canada gave her genuine appreciation for differences
- Women's Advocacy: Work with Zonta and the UN informed her commitment to gender equity
- She embodied the Parliament's requirement to "think globally," addressing challenges facing all humanity—climate change, women's rights, conflict resolution, and religion's role in promoting peace and justice.

### **Legacy and Succession**

When Dr. Dastoor stepped down from the Parliament Board at the end of 2021, FEZANA thanked her for being "a champion of our faith on this world stage." Her successor, Mahrukh Motafram, inherited a seat at one of the world's most important interfaith organizations—a foundation Dr. Dastoor had built.

### **Women's Advocacy Across Multiple Platforms**

Dr. Dastoor's commitment to women's empowerment manifested across multiple levels, from global to local.

### **Zonta International**

As a member of Zonta International and International Chair of Zonta's Status of Women Committee, she worked on global advocacy and women's empowerment. Zonta's focus on advancing women's status worldwide aligned perfectly with Dr. Dastoor's values and expertise.

### **United Nations**

She participated in the UN Commission on the Status of Women, bringing both her professional expertise and her experience as a woman leader in religious and scientific communities, connecting local Montreal work with global women's rights advocacy.

### **Montreal Council of Women**

Serving as President of the Montreal Council of Women (2021-22), Dr. Dastoor continued advocacy at the local level, demonstrating that effective change requires engagement at multiple scales—from global institutions to local organizations.

### **Auberge Madeleine**

Her role as Vice President of Auberge Madeleine, a shelter for

homeless women, reflects commitment to serving society's most vulnerable—a core Zoroastrian value. This work applied her professional understanding of mental health and social services.

### Recognition and Honors

Dr. Dastoor's dual contributions to science and community have been widely recognized:

- **Outstanding Zarathushti Award (1994):** Recognition from the Zoroastrian community
- "25 Distinguished Zoroastrians Who Made a Difference" (2012): Selected as one of the most impactful Zoroastrians of the modern era
- **MCSA Lifetime Achievement Award (2019):** From McGill Centre for Studies in Aging, recognizing her dementia care work since 1973
- **FEZANA Lifetime Achievement Award (2024):** For extraordinary contributions to the global Zoroastrian community, interfaith leadership, and advancements in clinical psychology and dementia research
- The 2024 FEZANA citation noted how "Dr. Dastoor's achievements continue to inspire generations to strive for excellence and remain rooted in their cultural heritage while contributing meaningfully to the broader society."

### The 80th Birthday Gift: Dr. Dolly Dastoor Research Award (2020)

On her 80th birthday in 2020, rather than receiving gifts, Dr. Dastoor chose to give. She and her family established the Dr. Dolly Dastoor Research Award at McGill University to support graduate students in the School of Physical and Occupational Therapy focusing on dementia research.

The fund was established at her son Zubin's (BEng'91) suggestion, creating a legacy honoring not just Dr. Dastoor but her family's deep McGill ties: son Farahad (BSc'88), daughter Natasha (MDCM'96), daughter-in-law Jasmine (MSc'92), and grandson Jehan, who was attending McGill at the time.

### Retirement and Continuing Engagement (-2013Present)

Dr. Dastoor retired in 2013 from her positions as Assistant Professor in the Department of Psychiatry, Co-Director of the Program for Dementia with Psychiatric Co-Morbidity at the Moe Levin Centre, and member of the McGill Centre for Studies in Aging.

But retirement didn't mean disengagement. She continues:

- Giving public talks on memory and successful aging
- Advising caregivers on stress management
- Serving as Editor-in-Chief of FEZANA Journal
- Chairing FEZANA's Academic Scholarship Committee
- Participating in community discussions and planning
- In 2022, she co-authored a white paper with Nawaz Merchant titled "Aging Around the Zarathushti World"—a fitting synthesis of her expertise in aging and her community commitment.

### Family and Personal Philosophy

Throughout her remarkable career, Dr. Dastoor has maintained strong family connections and grounded her work in Zoroastrian values. "Our faith teaches us to give back," she says simply.

She remembers cleaning out her late parents' house and finding "so many donation receipts"—evidence that generosity was modeled from childhood. This tradition, rooted in Zoroastrian teachings, has

been passed through generations of her family.

### A Living Bridge Between Worlds

Dr. Dolly Dastoor's life exemplifies excellence in multiple domains simultaneously. She hasn't had to choose between professional achievement and community service, between scientific rigor and spiritual commitment, between Canadian citizenship and Zoroastrian identity.

Her dementia care work was enhanced by cultural understanding of community and family. Her Zoroastrian leadership benefited from professional expertise in research, organization, and communication. Her interfaith work drew strength from deep roots in her own tradition combined with ability to work across boundaries.

### Legacy and Continuing Impact

Now in her 80s, Dr. Dastoor continues making contributions. The Hierarchic Dementia Scale continues serving physicians worldwide. The Alzheimer Society she helped found continues supporting Montreal families. The scholarship in her name continues supporting emerging researchers. The Journal she edits continues documenting and strengthening the Zoroastrian community.

But perhaps her greatest legacy is the model she provides of engaged citizenship: professional excellence combined with community service, scientific rigor combined with cultural preservation, individual achievement combined with collective responsibility.

### Conclusion: A Life of Good Thoughts, Good Words, Good Deeds

From Mumbai to Nigeria to Montreal, from psychiatry research to dementia care innovation, from local community leadership to global interfaith dialogue, Dr. Dastoor has consistently demonstrated that excellence and service are not competing values but complementary ones.

Through her scientific work, she has helped ease suffering. Through her community leadership, she has strengthened cultural bonds. Through her interfaith work, she has built bridges of understanding. Through her advocacy for women, she has worked for justice.

In Dr. Dolly Dastoor, we see not just a distinguished professional or dedicated community leader, but a complete embodiment of the principle that the most meaningful life is one lived in service to others—a principle that transcends any single religious tradition even as it is perfectly exemplified by the Zoroastrian values that have guided her remarkable journey.

**"Our faith teaches us to give back."** — *Dr. Dolly Dastoor*



Dr. Khosro Esfandiari Mehrfar came to U.S. in 1979 to pursue his higher education. He has served the Zoroastrian communities in various capacities. Dr. Mehrfar lives in Orange County, California with his wife Roya and their families.

# Connected Futures: A Zoroastrian-Led Digital Education Initiative in Sacramento

Parshan Khosravi

Earlier this year, the Sacramento Zoroastrian Association (SZA) hosted Connected Futures: A Digital Education Conference, a full-day program dedicated to digital literacy, community empowerment, and technology education.

The conference was organized in collaboration with the Iranian American Cultural & Educational Center (IACEC) and the World Zoroastrian Chamber of Commerce – California (WZCC-CA) and brought together more than one hundred participants from across the Sacramento region.

The event reflected the growing role that Zoroastrian organizations and professionals are playing in shaping conversations around technology, entrepreneurship, and community development.

## Zoroastrian Leadership in Action

The conference was planned and coordinated by Parshan Khosravi, President of the World Zoroastrian Chamber of Commerce – California. Through WZCC-CA, Khosravi has been working to strengthen networks among Zoroastrian professionals, entrepreneurs, and business leaders throughout the state.

Opening remarks were delivered by Khodadad Pashutanizadeh, President of the Sacramento Zoroastrian Association, Moe Golshani, President and CEO of IACEC, and Parshan Khosravi.

Throughout the day, speakers explored how digital technology is transforming areas such as finance, entrepreneurship, civic engagement, and education.

## Technology, Innovation, and Community

Highlights of the program included a presentation by Dr. Bahram Varjavand, founder of the digital platform PolgozAr, which aims to connect Zoroastrians around the world through a virtual community space.

Entrepreneur Soroush Behmardi Kalantari, co-founder of ByGen AI, discussed how artificial intelligence and data-driven systems are transforming business processes and creating new opportunities for startups.

Other sessions focused on cybersecurity, financial literacy, and the intersection of technology and public policy, featuring speakers such as Davood Ghods, former Director of the California State Data Center, and Aria Ghafari, Chief of Staff to California State Senator Tom Umberg.

The conference also featured a panel discussion on the future of work in the digital economy, moderated by HR professional Nerissa Mavalvala, with panelists including Davood Ghods, Adam Hafei, Benafsha Irani, and student speaker and fellow SZA member Daniel Jamshid Dinyari.

## Empowering the Next Generation

The final session featured Delnavaz “Della” Dastur, a computer science educator, and her daughter Parinaz Dastur, founder of the nonprofit Tech Together, which promotes access to computer science education for girls and underrepresented students.

Building on the success of Connected Futures, Tech Together will host a hackathon on May 23–24 at the Sacramento Zoroastrian Association, continuing the momentum around youth engagement and digital innovation. Community members interested in this program can find out more and register through the following link:

<https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLSdDajUa91cAEAKnDyCkZ6VSeqyKWXtDtnahttvRVPr8GVnQ/viewform>

Not only did this event feature a number of prominent Zoroastrian business leaders and experts from across Northern California, it was also entirely run and managed by Zoroastrian leaders, including board members of the WZCC-CA and youth volunteers from the Sacramento Zoroastrian Association.

## Rebuilding the Zoroastrian Business Network

The conference also marked an important step in the revitalization of the World Zoroastrian Chamber of Commerce – California.

WZCC-CA is currently expanding its network and actively seeking to connect with Zoroastrian entrepreneurs, professionals, and business leaders throughout California. By rebuilding the chamber's presence in the state, the organization hopes to foster mentorship, networking opportunities, and collaborative economic initiatives within the community.

Zoroastrians interested in joining the network can register through the following form or by emailing WZCC-CA president Parshan Khosravi at [parshankhosravi@gmail.com](mailto:parshankhosravi@gmail.com):

WZCC-CA Membership Form:

<https://forms.gle/mT6YqMS8DQdMGU8q7>

Events like Connected Futures demonstrate how Zoroastrian institutions continue to evolve and respond to the challenges and opportunities of the modern world—bringing together tradition, innovation, and community leadership.

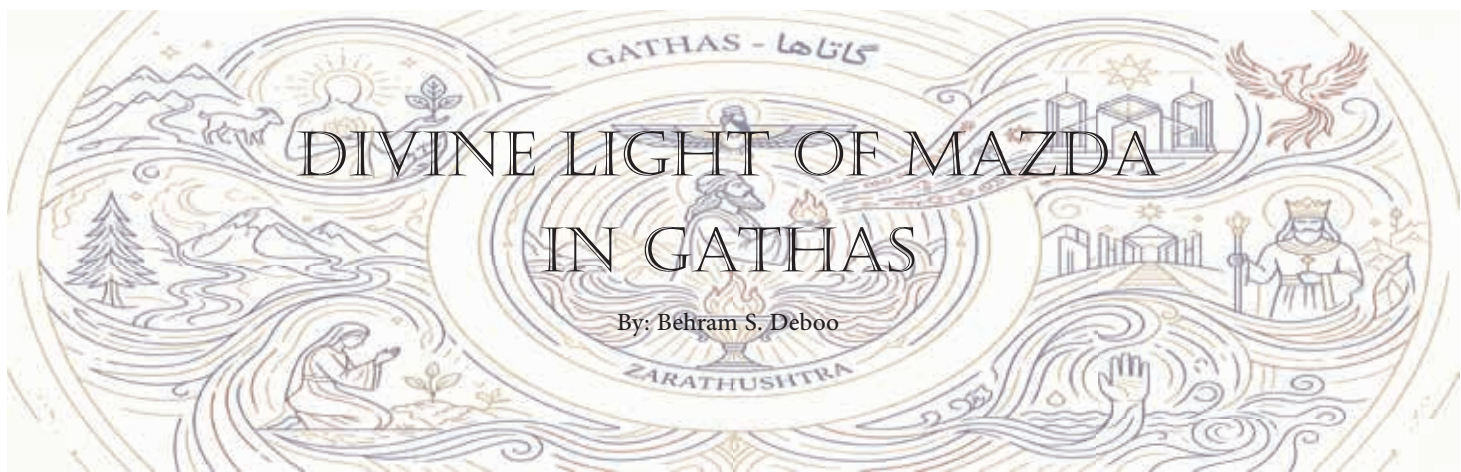


Parshan Khosravi is a first-generation Iranian American immigrant, policy advocate, business leader, and community organizer serving as the President of the World Zoroastrian Chamber of Commerce – California, where he helps grow and support zoroastrian businesses and entrepreneurs in California. In his day role, Parshan serves as the California Policy Director for uAspire, a national nonprofit advocating for education access and equity.

An active faith leader, Parshan is involved in a number of roles including the chair Advocacy Committee for the Federation of Zoroastrian Associations of North America and the chair of the 7th World Zoroastrian Youth Congress Zoroastrian Congress. Parshan's work has been featured across various national and international interfaith programs such as the Parliament of World Religions, 8WZYC, 12WZC, 18NAZC, Religions For Peace International, and the Parliament of World Religions.

In his spare time, Parshan also runs his own business, KHK Solutions LLC, where he helps with fundraising, capacity building, and organizational development for a wide range of community-based and mission-driven organizations. In 2024, his work there saw KHK Solutions be nominated as the Rising Business of the Year by the OC Iranian American Chamber of Commerce.

A double alum of the University of California, Parshan received his Bachelor's degree in Political Science and Education Sciences from UC Irvine and his Master's degree in Public Policy from the UCLA Luskin School of Public Affairs.



# DIVINE LIGHT OF MAZDA IN GATHAS

By: Behram S. Deboo

The divine light of Mazda Ahura is one of the Gathas' primary themes. Since all fire emits light and is coexistent within fire, we will discuss the fire revealed by Zarathushtra in his discourses in the Gathas before and after the creation.

In Yasna 31.7, he says:

**ýastá<sup>1,2</sup> mañtá<sup>3</sup> pouruyô<sup>4</sup> raochêbîsh<sup>5</sup>-rôithwen<sup>6</sup> hvâthrâ<sup>7</sup> hvô<sup>8</sup> khraithwâ<sup>9</sup> dâmish<sup>10</sup> ashem<sup>11</sup> -ýâ<sup>12</sup> dârayat<sup>13</sup> vahisstem<sup>14</sup> manô<sup>15</sup>, mazdâ<sup>15</sup> mainyû<sup>16</sup> ukhshyô<sup>17</sup> -ýê<sup>18</sup> â<sup>19</sup> nûrêmchît<sup>20,21</sup> ahurâ<sup>22</sup> hâmo<sup>23</sup>.**

He<sup>2</sup> who<sup>1</sup> in the very beginning<sup>4</sup> conceived<sup>3</sup> the thought<sup>3</sup>, "Let the light<sup>7</sup> stream through the expanding spaces<sup>6</sup> to generate starry firmaments<sup>5</sup> (cosmoses)."<sup>7</sup> With wisdom<sup>9</sup>, He<sup>8</sup> created<sup>10</sup> the cosmic order<sup>11</sup> through which<sup>12</sup> He upholds<sup>13</sup> the best mind (best creative, cosmic mind). This<sup>14</sup> (creation), O Mazda<sup>15</sup>, is still growing<sup>17</sup> through (your creative) spirit<sup>16</sup> which<sup>18</sup>, O Ahura<sup>22</sup> has remained the same,<sup>23</sup> indeed<sup>21</sup>, up to<sup>19</sup> now<sup>20</sup>. (2, 3).

In my opinion, this verse is critical as it addresses the Creation of the Cosmos. Here we see that it is the light of Mazda along with His thinking mind that created the star-filled heavens and the cosmic order for the whole cosmos to function. It is through Asha that He upholds The Best Mind and so He has remained the same as He was before and after the creation. In Avesta, fire as the cosmic fire of creation is intricately linked with Asha, the cosmic laws through which the cosmic order in the universe is sustained. The symbol of Asha Vahishta, the best truth or righteousness is the physical as well as spiritual fire.

In Yasna 31.19, it is the glowing fire of Mazda with which He hands out justice to both the righteous and unrighteous. Though many physical and chemical activities go in the non-moving fire like our solar system, it is the sunlight which travels at a speed of 180,000 miles per second and reaches the earth in eight minutes.

In Shahnameh, Ferdowsi writes that Zarathushtra held up a sensor containing a flame and said to King Vishtasp «Look upon the heavens and the earth. God made them not with dust and water. Look upon the fire and behold therein how they were created.»

In Yasna 30.1, He proclaims that if you follow the revealed manthras for Vohu Manah and Asha, we will envision the realms of light here and there. The beauty of this verse is his assurance that the manthras were revealed to him by Mazda for the welfare of the humankind.

**At<sup>1</sup> tâ<sup>2</sup> vakhshyâ<sup>3</sup> isheñtô<sup>4</sup> - ýâ<sup>5</sup> mazdâthâ<sup>6</sup> hyatchît<sup>7</sup> vídushê<sup>8</sup> staotâchâ<sup>9</sup> ahurâi<sup>10</sup> - ýesnyâchâ<sup>11</sup> vanghêush<sup>12</sup> mananghó<sup>13</sup> humâzdrâ<sup>15</sup> ashâ<sup>16</sup> ýaechâ<sup>17</sup> - ýâ<sup>18</sup> raochêbîsh<sup>19</sup> daresatâ<sup>20</sup> urvâzâ<sup>21</sup>. O eager seekers<sup>4</sup>, now<sup>1</sup> I shall speak<sup>3</sup> to (you) these<sup>2</sup> (manthras) which<sup>5</sup> are revealed (given) by Mazda,<sup>6</sup> indeed<sup>7</sup>, for the sake<sup>7</sup> of knowing<sup>8</sup>, the hymns of praise<sup>9</sup> unto Ahura<sup>10</sup>, prayers<sup>11</sup> for Vohu<sup>12</sup>**

**Mano<sup>15</sup>, and<sup>17</sup> good uplifting words<sup>15</sup> which<sup>17</sup> are for Asha<sup>16</sup> (truth). And through<sup>17</sup> which<sup>18</sup> you<sup>20</sup> will have<sup>20</sup> joyful<sup>21</sup> vision<sup>20</sup> of both<sup>19</sup> the realms<sup>19</sup> of light.<sup>19</sup> (2, 3).**

We see that Zarathushtra provides us a path of enlightenment; thus, he is sharing the Divine attributes with us and how to reach to that highest culmination point.

In Yasna 28.2, he talks about the wellbeing in both the existences, physical as well as spiritual:

**O Mazda, I who approach you through Vohu Manah, the good mind, would like you to grant me the rewards leading to the enhancements of well-being in both the existences (worlds), the physical and that of mental (spiritual) through the law of righteousness and through which You lead your supporters (seekers, faithful) to the abode of Light.**

In the above verse, we see that Zarathushtra connects everyone with oneness of light by showing a way to be enlightened and leading them to the sovereignty of light unlike other religious scriptures where man's destiny depends on the founder or deity alone.

In Yasna 32.2, Ahura Mazda is a good friend of sun-like truth. It means the truth is like the rays of light of the sun. Thus, light is the symbol of Asha, truth.

In Yasna 31.3, **Ýâm<sup>1</sup> dâ<sup>2</sup> mainyû<sup>3</sup> athrâchâ<sup>4</sup>- ashâchâ<sup>5,6</sup> chòish<sup>7</sup> rânôibyâ<sup>8</sup> khshnûtem<sup>9</sup>**

**And grant<sup>2</sup> the blissful joy<sup>9</sup> which<sup>1</sup> you have promised<sup>7</sup> to both the followers<sup>8</sup> through the mental spirit<sup>3</sup> and fire<sup>4</sup> of (yours) and<sup>5</sup> Asha<sup>6</sup>. (2)**

In Yasna 30.5, Zarathushtra requests us to choose Spenishta Mainyu (the most holy spirit) who is clothed in the hardest stones (imperishable light of the firmaments) to perform the righteous deeds which will please Ahura Mazda. Spenishta Mainyu is the most creative, imperishable cosmic energy of Mazda. And it is light. In the similar manner, this idea is very well echoed in Yasna Haptanghaiti 36.3.

In fact, Yasna 36 is composed and dedicated to the fire in Gathic Avesta by the disciples of Zarathushtra during his life or closely after his death.

In Yasna 31.3: And grant the bliss which you have promised to both the devoted followers through the spiritual fire of (yours) and Asha. Afterwards both will have that wisdom of discernment of the rules. O Mazda, speak to us, for (our) knowing, with the tongue of Your (Thy) mouth, so that I may convert all the living to believe. (2).

In Yasna 34.4 of the Ahunavaiti Gatha, Zarathushtra says we long for your strong fire of thought which guides clearly and brings joy.

In Yasna 43.4, I shall realize that you are firm and holy, O Mazda, when the superiority of good thought comes to me from that hand

which you hold the rewards which you assign to the deceitful one and to the truthful one by the heat of your fire strong through the truth. (5).

In Yasna 43.9, Zarathushtra offers his homage to the fire of Mazda.

In Yasna 43.4, Zarathushtra says:

**at thwâ mênghâi taxmemcâ speñtem mazdâ**

**hyat tâ zastâ yâ tú hafshî avâ**

**yâ dâ ashîsh dregvâitê ashâunaêcâ**

**thwahyâ garemâ âthrô ashâ-aojanghô**

**hyat môi vanghêush hazê jimat mananghô.**

**Translated Text:**

**Wise One, I realize You to be powerful and progressive because You help with Your own hand.**

**You give rewards to both the wrongful and the righteous by means of the warmth of Your fire which is mighty through righteousness, and through which strength of good mind comes to me. (7).**

It is clear that Mazda gives the rewards to both the parties, truthful and untruthful by the heat of the fire which is strong through Asha.

When we perform the Koshti prayer, we pray:

**Kêm<sup>1</sup>-nâ<sup>2</sup> mazdâ<sup>3</sup> mavaitê<sup>4</sup> pâyûm<sup>5</sup> dadât,<sup>6</sup>  
hyat<sup>7</sup> mâ<sup>8</sup> dregvâ<sup>9</sup> didareshatâ<sup>10</sup> aênanghê<sup>11</sup>  
anyêm<sup>12</sup> thwamât<sup>13</sup> âthraschâ<sup>14</sup> mananghaschâ<sup>15,16</sup>  
ýayâ<sup>17</sup> shyaothanâish<sup>18</sup> ashem<sup>19</sup> thraoshtâ<sup>20</sup> ahurâ<sup>21</sup>  
tâm<sup>24</sup> môi<sup>25</sup> dâstvâm<sup>25</sup> daênayâi<sup>26</sup> frâvaochâ<sup>27</sup>. (Yasna 46.7).**

**What<sup>1</sup> person<sup>2</sup>, O Wise One<sup>3</sup>, gives<sup>6</sup> me<sup>7</sup> protection<sup>8</sup>  
when<sup>7</sup> the evil person<sup>9</sup> stares fiercely<sup>10</sup> at me<sup>8</sup> for harm<sup>11</sup>,  
other than<sup>121</sup> Your<sup>13</sup> Fire<sup>14</sup> and<sup>16</sup> Mind<sup>16</sup>?  
Through these two<sup>17</sup> deeds<sup>18</sup> righteousness<sup>19</sup> flourishes<sup>20</sup>, O Ahura<sup>21</sup>!  
Declare<sup>27</sup> clearly<sup>27</sup> to me<sup>25</sup> that<sup>24</sup> knowledge<sup>25</sup> of inner-self<sup>26</sup> to me<sup>25</sup>.  
(2)**

In Atash niyaesh, we pray we revere the fire of Ahura Mazda which is the giver of good things and the highest Yazata. Then fire is made 'the son of 'Ahura Mazda'. In Gathas, Zarathushtra does not define fire as Mazda's son but refers to the fire as «Thwa athra sukhra meaning Your radiant, blazing fire. "It is the Mazda's fire which started time and space when the creation began. As one astrophysicist said, "We are children of the star dust." However, I believe 'son' is metaphorically used as His Entire Creation.

In Atash Niyaesh, we pray: nemase tê âtarsh mazdâ ahurahe hudhâ mazishta ýazata.

It means, "Homage to you, O Fire of Ahura Mazda, O good created, great Yazata."

Here we are asked to pray the Fire of Mazda Ahura which is noticeably clear. Later it becomes 'puthra', the son of Ahura Mazda. Probably, all physical fires in the cosmos are His creation.

However, Ardeshir Papekan, the founder of the Sassanian dynasty started the cult of Verahram (Behram), the divinity responsible in helping to win the war. So, every time, he won a war, he built the Fire Temple and named Atashe Verahram. Thus, there was a beginning of Atash Behrams which continued thereafter even though we lost Iran to Arabs and Mazda Yasna to Islam. In the end, I would pray that if we are the followers of Mazda Ahura, we should build the Fire Temple in His name.

In the end, I believe Zarathushtra was not content with his own illumination. He wanted his followers to achieve the same luminosity

of the soul as he had attained. That is the greatness of Zarathushtra - unparalleled and incomparable in the history of humanity.

#### REFERENCES :

1. Dastur Bode, Framroze Ardeshir and Nanavutty, Pилоo, *Songs of Zarathushtra*, 1952
2. Deboo, Behram S. Senior Editor, *The Zoroastrian Journal*. Fall 1915
3. IBID, Translation of Gathas of Ahunavaiti (to be published) and other verses
4. Duschesne-Guillemin, *The Hymns of Zarathustra*, translated from French by Mrs. M. Henning, 1992
5. Helmut Humbach, Ichaporia, *The Heritage of Zarathushtra*, Heidelberg 1994
6. Ichaporia, Pallan R, *The Gathas of Asho Zarathushtr*, Published by FEZANA, 1993
7. Jafarey, Ali, *The Gathas, Our Guide*, Ushta Publication. 1989
8. Kellens, Jean Kellens, translated and edited by Prods Oktor Skjaervo, *Essays on Zaruthustra and Zoroastrianism*, Mazda Publishers, Inc. 2000
9. Manekshaw Sarosh J.H. and Ichapora Pallan, Editors, The Journal of the Research and Preservation Committee, *Proceedings of the second North American Gatha Conference*, Houston, Texas.
10. Mills, Lawrence, H. *A Study of Five Zarathushtrian Gathas*, 1994
11. Sethna, T. R. *The Teachings of Zarathushtra*, 1978
12. Taraporewala, Irach J. S. *The Divine Songs of Zarathushtra*, 1951



Behram Deboo was born in Navsari, Gujarat State, India. He studied Avesta and Pahlavi at Sir C. J. High School for three years. Received a gold medal for getting the highest grade in Avesta and Pahlavi. Also, some years ago, he took a non-credit course in Pahlavi at UCI offered by Prof

Tooraj Daryae.

Many years ago, around 2001, he was initiated as Mobedyar by Ervad (Mobed) Adi Unvala and Ervad Behram Panthaki in Washington DC. He gave many lectures on Zoroastrianism at Dare-Mehr which were translated by late Kamyar. CZC Board recognized his contributions and declared him as a Mobed signed by the Directors of the Board. Brigham young University invited him to give lectures on Zoroastrianism. He spoke to eighteen Ph.D. professors and taught two classes in Auditorium to the students. He wrote a book on Gatha Ahunavaiti after restudying Avesta grammar in depth. In October 2022, CZC presented him an award in recognition of his outstanding dedication to California Zoroastrian Center.

Please send your "Ask Nahid" questions that are within the confines of various aspects of the Zoroastrian religion/culture or conflict resolution to [cninfo@czcjournal.org](mailto:cninfo@czcjournal.org)

## ASK NAHID

Dear Nahid,

What's the point of doing something good for the future if we can't see the impact of it immediately or ever? How do you even know it was a good thing to do if you can't see the immediate impacts.

Dear Parisa,

There's a very familiar philosophical question that comes to mind when I read your question. If a tree falls in the forest, and no one is around to hear it, does it make a sound? Philosophers say that if your brain weren't there to hear it, the occurrence of the tree falling was just an event that had no actual importance as it was not within range of hitting your ear drums to make the noise "valid" to an observer. Scientists say however that the tree makes sound waves and thus sound is produced regardless of the observance of that sound by a human brain.

I would tell you to forget about the sound that you hear and think of who will feel the impact of that falling tree in the future. Do not think of the sound it makes for you. Think about what the impact to the forest will be, when that falling tree hits the ground. Did a bird's nest get broken? Were there eggs ready to hatch in that nest? Did the tree fall on a small stream of water, blocking the water's path, forcing it into a new direction? Did smaller ground animals find a new home that they couldn't reach before? In 15 years, will the fallen tree serve as a bridge over that little stream for hikers?

Take that falling tree and replaced it with a Good Deed. How will that good deed improve the surroundings of others over time? Will it give you peace, joy, a neutral feeling even, knowing you are impacting a place to be better than you left it? Even if you aren't able to feel the impact of it yourself. Our practice of making good decisions and following the path of Asha is not only for our own selfish path towards righteousness but to hopefully make the future an easier place to navigate for all the children of this world.

Now, that's only considering the impact of your actions. If you really want to know how important it is to do Good Deeds, think of why the tree fell? What caused such an event to occur?

Did the actions of others that came before us slowly trickle down to a rotten root at the core of this tree? Or were the roots of this tree at one point choking other plants in the area and not allowing others to survive? Did our ancestors take steps to begin the fall of this tree because they knew it would be best for us in the future? So many choices from the past have shaped us in what we do today. If you ever question what the importance of doing the right thing is, it's so that we lay a better foundation for this world in the future.

All the Good that we do in this world is not to reap the cosmic benefits or to get that warm fuzzy feeling of goodness. We do Good and choose the path of Asha because we know that the impact of our actions will be felt for years to come – even if we aren't here to feel them. So that Good Deed makes the greatest sound you have ever heard, even if no one was there to witness your goodness.

Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia. She continues her work with mediation and conflict resolutions at Los Angeles World Airports.



*Truth Seeker: The Story of Zoroaster* is a historical fiction novel for middle-grade readers (ages 8 –12) written by Rebecca DesPrez, President of the Oregon Zoroastrian Organization. Written in a lively, humorous, and age-appropriate voice, the book brings to life one of the world’s earliest seekers of truth in a way that young readers can both enjoy and relate to.

The story dramatizes episodes from Zoroaster’s life based on his Gathas and later Zoroastrian sources such as the Denkard, Zadspram, and Zartosh-Nameh, with inspiration drawn from select Yashts like Ram Yasht. Along the way, readers will encounter ancient customs, quirky traditions, memorable characters, and plenty of humor.

I intentionally avoided terms like “God,” “prophet,” “miracle,” or “angel” so that the story can resonate with readers of all backgrounds—not just Zoroastrians. Instead, I have highlighted the universal values at the heart of Zoroaster’s philosophy: kindness, justice, wisdom, and the courage to stand up for what is right.

My aim is not to preach, but to inspire curiosity and open a window into an ancient world that still speaks powerfully to our modern one.

Why this book? Because Zoroaster’s message about truth and goodness deserves to be rediscovered by a new generation. In a world where young people are often encouraged to fit in, Zoroaster’s story reminds us that it is possible to think differently, ask questions, and remain true to oneself.

I hope young readers — and their parents — will find in his journey not only inspiration, but also laughter, adventure, and wonder at one of humanity’s greatest thinkers.

Scan the QR code to purchase a copy from Amazon.

